

ارواحنا فراه
ندای صا حسب الکرمان



ابو الفضل سبزی

ندای

علیہ السلام

صاحب الزمان

مؤلف:

ابوالفضل سبزی

سبزی، ابوالفضل، ۱۳۵۹ -
ندای صاحب الزمان (علیه السلام) / مؤلف، ابوالفضل سبزی -- قم: عصر رهایی، ۱۳۸۵.
۱۶۰ ص.
ISBN.964-96531-5-5 ریال ۱۱۰۰۰
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. م ح م د بن حسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۲. مهدویت. ۳. م ح م د، امام دوازدهم -
۲۵۵ ق -- احادیث.
الف. عنوان.

شناسنامه کتاب

نام: ندای صاحب الزمان علیه السلام
مؤلف: ابوالفضل سبزی
تعداد صفحات: ۱۶۰
نوبت و تاریخ چاپ: اول / تابستان ۸۵
چاپخانه: پاسدار اسلام
شمارگان: ۵۰۰۰
ناشر: عصر رهایی
قطع: رقعی

پخش مرکزی: ۰۹۱۲۲۵۲۲۷۲۹

شابک: ۵ - ۵ - ۹۶۵۳۱ - ۹۶۴

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

ووصلني الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

شاه الامام الميرزا محمد باقر المجلسي

اهداء:

خدای عزیز را به خاطر نعمت ولایت و محبت ائمه اطهار علیهم السلام شاکرم و به جهت محبت شدیدی که از امام دوم شیعیان در قلبم نهاده شده، این اثر ناچیز را به آن امام عزیز، آن رهبر غریب، آن سرور شهید، آن آقای مهربان، کریم آل طه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام تقدیم می نمایم.

پیشگفتار

بدون شک یکی از آرزوهای فطری و قلبی هر انسانی که در این کره خاکی زندگی می‌کند این است که روزی آرامش سراسر زندگی او و خانواده‌اش را فراگیرد به طوری که با پیدایش صلح و صفا و دوستی بین مردم دنیا در کمال امنیت زندگی کند و از تمام ناراحتی‌ها، مریضی‌ها و کمبودهای معنوی و مادی‌رهایی یابد و به جهت اینکه این کار تنها با اجرای احکام خدا و علم الهی در روی کره زمین صورت می‌گیرد طبعاً هر انسان مسلمانی آرزو می‌کند تا مردم تمام دنیا به حقیقت و نورانیت دین مبین اسلام پی برده و با ولایت و امامت یک مجری قدرتمند معصوم دین اسلام را جهانی نمایند.

بدیهی است از طرف خدای تعالی یک چنین برنامه‌ای برای انسانهای کره زمین تنظیم شده و مجری معصوم این طرح عظیم و ارزشمند نیز آفریده شده و حتی از طرف خدا به کره زمین فرستاده

شده است، اما با این حال متأسفانه انسانها سالیان سال است دست روی دست گذاشته و به استقبال چنین برنامه زیبا و حکیمانه‌ای که از جانب خدا تنظیم شده نمی‌روند. این انسانها حتی حاضرند در نهایت بدبختی و بیچارگی زندگی کنند، با ظلم ظالمان و تجاوز ستمگران دست و پنجه نرم نمایند، در مریضی‌ها و گرفتاری‌ها غوطه‌ور شوند و در تاریکی به سر ببرند اما پنجره‌ای که به سوی نور هدایت و نجات آنها باز می‌شود را به روی خود نگشایند!

من نمی‌دانم این چه مصیبتی است، انسانی که خواهان نجات و سعادت است چرا به سوی نجات و سعادت خویش حرکتی نمی‌کند، چرا به سوی رهایی و آزادی گام بر نمی‌دارد و چرا دست به دامان امام زمان خویش نمی‌شود؟

این وسط مشکلی هست والا هیچ آدم عاقلی چشم به روی سعادت خویش نمی‌بندد.

حتماً غفلتی در کار است، غفلت ما انسانها، و شیطان هم پرده‌کش این ماجراست، او نمی‌خواهد از دین خدا پرده‌برداری شود، او نمی‌خواهد دنیا به نور قرآن و عترت روشن شود، او مخالف سعادت انسان است مخالف طلوع خورشید است و انسان هم در این تاریکی زود خوابش می‌برد.

همین خواب غفلت است که نمی‌گذارد انسانها فکر کنند یا

حرکتی داشته باشند، دنیا گهوارهٔ انسانهای بی‌مادر است! باید از این خواب بیدار شد، اگر انسانها بفهمند که امام زمان ما کیست و چه قدرتی دارد و چگونه با اذن خدا جهان را پر از عدل و داد و صفا و مهربانی می‌کند هرگز از او غفلت نمی‌کنند.

بنابراین رسالت عظیمی به دوش شیعیان و دوستداران امام زمان (ارواح‌نافداه) قرار گرفته است و آن بیدار نمودن خود و جامعه و مردم دنیا از خواب عمیق غفلت است.

اینجاست که باید برای رسیدن به دولت کریمانه حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نافداه) قدمی برداریم و هر کس به هر شکلی که می‌تواند به یاری امام زمان خود بشتابد و مردم را متوجه آن حضرت نموده و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم آورد.

من نیز این کتاب را با همین هدف نوشتم و امیدوارم توانسته باشم قدمی هر چند کوچک در راه بزرگترین مخلوق خدا و یوسف عزیز زهرا علیها السلام - که جانم قربانش باد - برداشته باشم.

آرزوی ما ظهور منجی و مصلح کل جهان، حضرت صاحب‌الزمان (ارواح‌نافداه) است.

نیمه شعبان ۱۴۲۶، ابوالفضل سبزی

ظهور امام زمان میوه درخت توحید

با نگاهی به پیام پیامبران و متون ادیان الهی، متوجه می شویم که اساسی ترین و مهم ترین شعار و خواسته تمام ادیان و انبیاء و اولیاء خدا، وفاق و وحدت جهانیان بر کلمه طیبه «لا اله الا الله» و پاکی انسانها از هر گونه خودپرستی و بت پرستی است نه چیز دیگر، آنها تمام سعی و تلاش خود را برای رشد علم و معرفت مردم گماشته و آرزویشان برطرف شدن تمام تاریکی ها که همان جهل و نادانی مردم است می باشد. زیرا آنها به خوبی می دانند که ریشه تمام فسادها و گمراهی های مردم، جهل و نادانی آنهاست و اگر مردم به هر چیزی علم پیدا کرده و سطح معرفت خود را بالا ببرند قطعاً این همه گرفتار فساد و گمراهی نخواهند شد.

به همین جهت تمام انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام حتی حاضر بودند به ظاهر خلافت را واگذارند، تبعید و تحقیر شوند، در تقیه زندگی کنند، اسیر و زندانی شوند یا ظاهراً با خلفاء جور صلح کنند و یا حتی از

جان خود بگذرند تا بتوانند اتحاد و همبستگی مسلمانان را حفظ نمایند و آنها را به یک مسیر فرا خوانند. آنها چیزی جز پاکی مردم نمی خواستند، آنها جز خوبی و زیبایی هدف دیگری نداشتند، و حتی هدف از بعثت آنها نیز جز این نبود.

اگر چه مردم قبلاً در عالم ارواح تمام معرفت‌ها را کسب نموده بودند و در عالم ذر با خدای خویش عهد بسته بودند که به نور پشت نکرده و در تاریکی فرو نروند، اما به هر حال وقتی وارد دنیا شدند کم‌کم همه چیز را فراموش نموده و تعهدات خود را پایمال نمودند. عوامل زیادی نیز در دنیا به حواس پرتی انسان‌ها کمک کرد و آنها را از هدف اصلی خلقت که رسیدن به مقام بندگی و خلیفه‌اللهی بود غافل نمود. با اینکه دنیا جلسه امتحان بود و در جلسه امتحان دیگر قرار نیست معلمین انسان‌ها حضور پیدا کنند، اما خدای مهربان باز به جهت یادآوری و تذکر، انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام را برای ما فرستاد تا راهنما و نجات‌دهنده مردم از جهل و نادانی باشند.

اما مردم نه تنها آنها را یاری نکردند، بلکه پیوسته آنها را مسخره و اذیت و آزار نموده، و پس از مدتی آنها را به شهادت می‌رساندند.

آنها می‌خواستند خوبی و پاکی را در تمام دنیا گسترش بدهند ولی به خاطر عدم پذیرش مردم این کار همیشه نیمه‌تمام باقی می‌ماند تا زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین پیامبر الهی مبعوث گردید و

با آوردن کتاب به رسالت انبیاء پایان داد. یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء شد به جهت اینکه قرآن کریم را همراه خود آورده بود و چون قرآن کتابی است که جامع و بیان کننده هر چیز است، طبعاً دیگر نیازی به آمدن انبیاء نیست، چون قرآن در واقع کار انبیاء را انجام می دهد و هر چه آنها می خواهند از طرف خدا بیاورند در این کتاب آمده است. فقط به دلیل اینکه هر کتابی نیاز به استاد دارد، خداوند ائمه اطهار علیهم السلام را به عنوان اساتیدی که علم الهی در دلهایشان جای گرفته و به حقایق کاملاً آگاه بودند برای تفسیر حقایق قرآن برای ما فرستاد.

ولی مردم این حقیقت را درک نکرده و همواره بر جهل و عناد خود پافشاری نمودند. اما با تمام این حرف ها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلاش خود را کرد. یعنی مردمی که در زمان جاهلیت سنگ و چوب را پرستش می کردند، برهنه دور خانه خدا می رقصیدند و سوت و کف می زدند و این کار را نوعی عبادت می دانستند، دختران خود را زنده به گور می کردند و پسران خود را به خاطر ترس از فقر می کشتند، انسان هایی را به عنوان اسیر و برده خرید و فروش می نمودند، زنان را به کنیزی می بردند و به آنها به چشم حقارت نگاه می کردند، حیوانات را اذیت و آزار می نمودند و غذاهای خشن می خوردند و خلاصه در نهایت جهل و نادانی به سر می بردند، با ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنچنان متحول

شدند که نه تنها دیگر کسی را نمی‌کشتند بلکه برای یکدیگر ارزش قائل می‌شدند و حتی حقوق حیوانات را هم رعایت می‌نمودند.

این ثمره تلاش و کوشش بی‌وقفه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که تا این حد پیش رفت و اگر ظرفیت مردم اقتضاء می‌کرد و مردم دنیا سخن او را می‌پذیرفتند تمام کره زمین را به نور خویش روشن می‌نمود و از جهل و تاریکی نجات می‌داد. اما متأسفانه مردم بیش از این پذیرش نداشتند و پیامبر هم تا آنجا که ممکن بود تلاش خود را نمود و در این راه خیلی سختی کشید به طوری که خود ایشان فرمودند: «هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد!»^(۱) اما با تمام این برنامه‌ها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز خسته نشد و هیچ‌گاه دست از تلاش و کوشش برنداشت و طوری برای هدایت مردم حرص می‌خورد که خدا آیه نازل کرد و به پیامبر فرمود: «ای پیامبر گویا تو می‌خواهی جانت را از دست بدهی که چرا این مردم مؤمن نیستند؟»^(۲) و در آیات دیگری نیز همین سخن را تکرار کرد و فرمود: «تو هرگز نمی‌توانی به مرده دلان سخنی بشنوانی...»^(۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همچون سایر انبیاء هدفش برقراری عدل و داد در تمام دنیا بود و به خاطر این هدف بزرگ تا آخر عمر صبر نمود و حتی به خاطر اینکه مبادا در دین اسلام

۱ - بحار الانوار ج ۳۹ ص ۵۵.

۲ - سوره شعرا، آیه ۳.

۳ - سوره روم آیه ۵۲.

تفرقه ایجاد شود و هدف والای او به سرانجام نرسد، در تمام مدت عمر با اینکه دشمنان علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا علیها السلام را در مقابل خود می‌دید اما به آنها چیزی نمی‌گفت و با شرح صدر کامل با آنها برخورد می‌کرد. پیامبر تا آخرین لحظات تلاش خود را نمود و آنگاه کار نیمه تمام خود را به حضرت علی علیه السلام سپرد. امام علی علیه السلام نیز در مسیر حرکت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با استقامت و شرح صدر کامل حرکت نمود و هدف پیامبر را پی‌گیری کرد.

اما شیاطین در اینجا فعالیت خود را بیشتر نمودند، زیرا آنها به خوبی می‌دانستند که علی یعنی صراط مستقیم، علی یعنی ایمان و علی یعنی بندگی خدا، به همین جهت تلاش کردند از همین جا راه را به مردم کج نشان دهند. آنها می‌دانستند که اگر اینجا بتوانند مردم را گمراه نمایند موفقیت بزرگی کسب کرده‌اند ولی اگر در اینجا نتوانند کاری کنند شکست بزرگی می‌خوردند.

به همین جهت دست در دست هم داده و با به کار گرفتن عده‌ای از گمراهان، جریان سقیفه را به راه انداخته، مسیر را کاملاً کج نمودند و آنچنان بدعتی در کنار صراط مستقیم ایجاد نمودند که تا اکنون دامنه‌اش ادامه پیدا کرده و بسیاری از مسلمانان را از مسیر حق جدا کردند.

در اینجا بزرگترین خیانت به آرمان بزرگ انبیاء الهی شکل گرفت و

در واقع سد بزرگی در مقابل تمام تلاشهای آنان ایجاد گردید. به طوری که درب خانه حضرت را آتش زدند و دست امیر مؤمنان علیه السلام را بستند و پهلوی مادر خوبیها را شکستند. آنها بزرگترین جنایت تاریخ را مرتکب شدند، زیرا با این کار در واقع درب خانه علم و معرفت را شکستند و راه پیشرفت علم و دانش را بر تمام انسانها بستند. بیست و پنج سال حضرت علی علیه السلام را خانه نشین نموده و نگذاشتند که حقیقت صراط مستقیم برای مردم سخنی بگوید، از طرفی به جعل حدیث مشغول شده و از طرف دیگر نقل احادیث و روایات پیامبر را ممنوع کردند و خلاصه هر بلایی که خواستند بر سر اسلام و مسلمین آوردند و دنیا را گرفتار جهل و تاریکی کردند، به طوری که حضرت زهرا علیها السلام در این رابطه فرمودند: «مصیبتهایی بر من وارد شد که اگر آن مصائب بر روزهای روشن اصابت می کرد آن روزها را به شب تاریک مبدل می نمود!»^(۱)

با تمام این مصیبتها، حضرت علی علیه السلام آرام ننشست و هدف انبیاء الهی را پی گیری می نمود. اگر چه آن حضرت ظاهراً پنج سال خلافت را رسماً به دست گرفت و در آن پنج سال هم گرفتار آشوبگران و شورشیان بود و جنگهای فراوانی برای آن حضرت پیش آمد، ولی به هر حال علم و دانشش دنیا را زنده نمود و نمونه ای از

عدل و داد را در جهان پیاده کرد و صفحه‌ای از دوران روشن و با برکت ظهور امام زمان علیه السلام را به مردم نشان داد.

اما باز هم به خاطر عدم ظرفیت مردم، آن آرزوی بزرگ کاملاً عملی نشد و بلکه مردم نادان آن امام عزیز را در محراب نمازش شهید نمودند.

حضرت علی علیه السلام نیز در تمام این سالها به خاطر حفظ اصل اسلام حتی با اینکه حقش را غصب نموده و همسرش را که کوثر عالم امکان است اذیت کردند، اما صبر نمود و دست از هدف خویش برنداشت. پس از آن حضرت امام مجتبی علیه السلام در کمال مظلومیت و تنهایی راه پدر بزرگوارش را ادامه داد و در اعتلای همان برنامه الهی تا آنجا که موقعیت اقتضاء می‌کرد تلاش نمود، اما آن حضرت نیز در طول امامت خویش با مکر مکاران و شیاطین روبرو بود و حتی یاران و اطرافیان آن حضرت، او را تنها و غریب گذاشته و به ندای مظلومیتش پاسخ نگفتند، تا جایی که سرانجام آن امام عزیز را نیز با زهر جفای خود مسموم نمودند و حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را نیز به شهادت رساندند. آنگاه نگذاشتند که امام سجاد علیه السلام عدل و داد را در جهان برقرار کند. امام باقر و امام صادق علیه السلام تا آنجا که موقعیت اقتضاء می‌کرد علوم و حکمت‌های الهی را در میان تشنگان حقیقت منتشر ساختند ولی سرانجام آنها نیز مسموم و شهید شدند، حضرت

موسی بن جعفر علیه السلام را سالیان سال در زندانهای تاریک محبوس نمودند و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را مجبور به قبول ولایتعهدی کثیفترین موجود زمان خود نمودند، امام جواد علیه السلام را در سن جوانی شهید نمودند و امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را تحت مراقبت شدید قرار داده و نگذاشتند که اهداف الهی خود را در زمین پیاده نمایند و کار را به جایی رسانند که امام زمان علیه السلام یعنی تنها حجت باقی مانده خدا از نظرها غایب گردید تا مردم کمی سر عقل بیایند و خواهان اصلاح خویش باشند.

ظهور امام زمان ظهور همه ائمه است

با توجه به این مهجوریتها و محدودیتهایی که ائمه اطهار علیهم السلام داشتند به یک تعبیر می توان گفت همه ائمه اطهار علیهم السلام به نوعی غایب بوده اند! یعنی اگر چه ظاهراً دیده می شدند اما در حقیقت در غیبت به سر برده اند، زیرا کسی که حاضر و ظاهر باشد اما دشمنان و کفار نگذارند او سخن خود را بیان کند و نگذارند او مردم را به سوی کمالات انسانی هدایت نماید مثل این است که او را در پس پرده غیبت نگه داشته اند.

به همین جهت ظهور واقعی ائمه اطهار علیهم السلام در زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) خواهد بود و این یکی از اعتقادات مسلم و قطعی

ما شیعیان است. یعنی فرج امام زمان علیه السلام فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و بلکه فرج تمام انبیاء و اولیاء خداست و حتی فرج آن حضرت فرج تمام شیعیان و دوستان ائمه اطهار علیهم السلام است و در آن زمان ائمه اطهار علیهم السلام یک به یک رجعت می‌کنند و هرچه که در زمان حیات خود می‌خواستند به مردم بگویند و معاندین نگذاشتند، برای مردم بیان می‌کنند و دنیا را به یک سرزمین پاک و پاکیزه مبدل می‌فرمایند.

به هر حال مسأله ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) فرج تمام انبیاء و اولیاء و مردم جهان است و آرزوی تمام انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام همین بوده است و همه آن بزرگواران با هم یک چیز را فرموده‌اند و آن اعتلای کلمه «لا اله الا الله» و اطاعت خدا و داشتن تقوای الهی بوده است.^(۱) و در این مسیر تا آنجا که جو زمانه و موقعیت اجتماعی‌اشان اجازه می‌داد تلاش می‌کردند ولی به علت اینکه عده‌ای معاند در جلوی فعالیت‌های آنها سد می‌زدند رسالت با عظمت آنها نیمه تمام می‌مانده است. بنابراین فعالیت انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم السلام تا مرحله‌ی نهایی پیش آمده و اکنون نوبت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) است که کار نیمه تمام آنها را به پایان برساند و حکومت الله را در تمام قلبها حاکم نماید.

۱ - تمام انبیاء می‌فرمودند: «اتقوا الله و اطیعون».

جای پای انبیاء و اولیاء و شهدا

بنابراین کسی که انتظار ظهور امام زمان را دارد تنها انتظار آن حضرت را ندارد، بلکه انتظار به مقصود رسیدن اهداف تمام پیامبران الهی را دارد، انتظار فرج تمام مردم جهان را دارد، انتظار زنده شدن تمام انسانها را دارد. لذا منتظر واقعی پای خود را در جای پای انبیاء الهی گذاشته و همچون آنها آرزوهای بزرگی دارد و دیدگاه او همچون دیدگاه انبیاء الهی وسیع و گسترده است و به همین جهت انتظار او بالاترین عبادتها شمرده شده و حتی چنین شخصی که منتظر امام زمان علیه السلام است در ردیف مجاهدین در راه خدا و شهیدان والا مقام قرار داده شده است.^(۱) زیرا تلاش او در مسیر تلاش انبیاء الهی است، آرزوی او آرزوی انبیاء و اولیاء خداست و به خاطر اینکه در چنین مسیری قرار گرفته هیچ گاه کاری که با اهداف عالی این مسیر مغایرت داشته باشد انجام نمی دهد. و لذا با توجه به اینکه مسأله ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) آرزوی قلبی تمام انبیاء و اولیاء و انسانهای پاک و مستضعف جهان بوده است و هر کس در زمره این آرزومندان و منتظران قرار بگیرد در ردیف شهدا و صلحا و نیکان قرار گرفته است، از طرف دیگر هر کس در این مسیر واقع نشود به خودش ظلم بزرگی کرده و خود را جزء غافلین قرار داده است و اگر مانع حرکت منتظران

و زمینه سازان ظهور شده و جلوی فعالیت های آنان را سد بزند یا آنها را دلسرد و مأیوس نماید قطعاً چون در مقابل مسیر تمام انبیاء و اولیاء و نیکان موضع گرفته مفسد فی الارض است و به بدترین عذاب های الهی گرفتار می گردد. به عبارت دیگر دوران غیبت امام زمان علیه السلام جبهه مخوف جنگ است، جنگ منتظران با شیاطین و شیطان سیرتان، عده ای مردم را به خواب غفلت دعوت می کنند و در باتلاقیهای مرگ فرو می برند و عده ای پیوسته در حال بیدار نمودن مردم از خواب غفلت و دعوت کردن آنها به سوی نور امام زمان علیه السلام می باشند، این یک جنگ واقعی است و در این جنگ هر کس در راه زمینه سازی ظهور حضرت بقیة الله بمیرد یقیناً شهید محسوب می شود. (۱)

سرباز نمونه

بنابراین در این میدان جنگ باید فرمانده خود را کاملاً بشناسیم و حتی اگر ظاهراً فرمانده خود را ملاقات نکردیم حتی در غیبت آن بزرگوار نیز فرمانبردار خوبی باشیم و سنگرهایی را که لازم است پر کنیم. باید فوراً به آن حضرت لبیک بگوئیم و در زمانی که خود آن حضرت غایب است هر کس را که به عنوان جانشین به ما معرفی نمود از او اطاعت کنیم و بدانیم که اطاعت از جانشین فرمانده،

اطاعت از خود فرمانده است و سرباز خوب کسی است که در اطاعت، چون و چرا نکند، ما باید در مقابل امام زمان، سربازی نمونه باشیم و هرگز کوتاهی نکنیم و به خاطر هوای نفس خود کاری ننماییم. زیرا سرباز نمونه سربازی است که کاملاً مطیع فرمانده خود باشد. مثلاً اگر فرمانده از او بخواهد که نیم ساعت قبل از اذان صبح رژه برود، اگر همان نیم ساعت قبل از اذان صبح این کار را کرد معلوم است سرباز خوبی است، اما اگر آن نیم ساعت را خوابید، ولی بعد، از صبح تا غروب یکسره رژه رفت هیچ فایده‌ای ندارد و او را نمی‌توان یک سرباز نمونه برشمرد.

همچنین اگر فرمانده برای مدتی به مسافرت رفت و کسی را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، سرباز نمونه هیچ فرقی برای حکم جانشین فرمانده با فرمانده اصلی خود قائل نمی‌شود، چون وظیفه او اطاعت است. لذا باید مطیع امام زمانمان باشیم و در زمان غیبت چون خود آن حضرت فقهای را که تزکیه نفس نموده‌اند به عنوان جانشین خود معرفی نموده‌اند ما باید صددرصد از ولیّ فقیه اطاعت کنیم و با اطاعت کردن از ولیّ فقیه تمرین اطاعت از امام زمان علیه السلام را بنماییم، زیرا کسی که از جانشین امام زمان پیروی کند قطعاً از خود آن حضرت نیز پیروی می‌کند، اما کسی که از جانشین آن حضرت پیروی نکند معلوم نیست بتواند از خود آن بزرگوار نیز پیروی نماید.

سرباز نمونه هیچ گاه دنبال علت صدور فرمان فرمانده نیست بلکه پیوسته در فکر اطاعت فرمان است. حتی در سربازی اگر به او بگویند این وسایل را از سمت راست حیاط به سمت چپ منتقل کن و دوباره غروب به او بگویند هر چه را که به سمت چپ حیاط برده‌ای به سر جای اولش برگردان و از او بخواهند که این کار را چند مرتبه تکرار کند، اصلاً نمی‌گوید چرا این کار را انجام دهم، بلکه می‌گوید من سربازم! هر چه بگویند همان را انجام می‌دهم.

اما سرباز نافرمان مدام بهانه می‌گیرد و می‌پرسد چرا این کار بیهوده را انجام دهم، چه فایده‌ای دارد که این وسایل را جابجا کنم و دوباره بر سر جایش برگردانم؟ تازه در سربازخانه‌ها فرمانده معصوم از خطا و اشتباه نیست بلکه ممکن است اشتباهی هم بکند، اما آن فرمانده کل عالم امکان و آن یگانه حجت باقیمانده خدا در روی زمین امام معصوم است و هیچ گاه اشتباه نمی‌کند و هر امری بکند از روی حکمت و طبق امر الهی است، پس سرباز نمونه هیچ دلیلی برای چون و چرا داشتن نخواهد داشت و حتی در زمان غیبت فرمانده کل وقتی برایش ثابت شد که جانشین آن حضرت، فقیه تزکیه نفس کرده‌ای است که با هوای نفس خود مخالف و کاملاً مطیع امر مولای خویش است، خود را کاملاً پیرو و مطیع آن فقیه پاک قرار می‌دهد و می‌داند که امام زمانش فرموده است که «هر کس این فقها را رد کند مرا

رد کرده و هر کس مرا رد کند خدا را رد کرده است.»^(۱)

سرباز نمونه در زمان غیبت امام زمان کاملاً منتظر آن حضرت است و هیچ گاه نا امید نمی شود. و می داند که انتظار یعنی خودسازی، یعنی حرکت در مسیر رضایت امام زمان علیه السلام و زمینه سازی برای ظهور آن حضرت، به همین جهت کسانی که حقیقتاً منتظر ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) هستند کاملاً خود را برای یاری آن حضرت آماده می کنند یعنی در ابتدا از گذشته خود توبه می کنند، سپس با پیروی از فقها و مراجع دینی، خود را تزکیه نفس نموده و روحيات خود را تا حدودی هم سنخ و شبیه روح بزرگ امام عصر علیه السلام می نمایند و آنچنان استقامتی پیدا می کنند که به هیچ عنوان حاضر نمی شوند دست از یاری امام زمان خود بردارند. آنگاه دیگر امام زمان ما همچون سایر ائمه اطهار علیهم السلام مظلوم و تنها باقی نمی ماند و هنگامی که سربازان نمونه فراوانی اطراف آن حضرت جمع شوند و همه با کمال اخلاص به آن حضرت لبیک بگویند، حضرت نیز قیام فرموده و به دوران سیاه جهل و فساد خاتمه می دهند. اگر انبیاء گذشته نتوانستند به هدف والای خود دست یابند علتش همین یاری نکردن مردم و عدم پذیرش آنها بوده است. امامان معصوم ما نیز اگر موقعیتی برایشان حاصل نشد تا دین خدا را در تمام دنیا پیاده کنند

این بود که آن بزرگواران به اندازه‌ای که بتوانند دین خدا را جهانی کنند یار با وفا و با استقامت نداشتند و به همین جهت سکوت کرده و قیام نفرمودند ولی آرزوی قلبی آنها این بود که روزی حضرت ولی عصر علیه السلام کار آنها را به سرانجام رسانده و هدفشان را عملی کند. ائمه اطهار علیهم السلام بارها به این موضوع تصریح نموده و فرموده‌اند که علت قیام نکردن ما اهل بیت به خاطر نداشتن یار و پشتیبان است.

البته این به آن معنا نیست که ائمه اطهار علیهم السلام به کمک و نیاز ما احتیاج دارند، بلکه آنها اگر بخواهند با یک نگاه ولایتی خود می‌توانند عالم را زیر و رو کنند، اما به جهت اینکه آنها برای تربیت ما نزول اجلال فرموده‌اند و می‌خواهند ما را به کمالات روحی برسانند از ما می‌خواهند که دین خدا را یاری کنیم و در مسیر حرکت آنها قرار بگیریم.

معنای یاری امام زمان علیه السلام

اگر خدای تعالی از ما می‌خواهد که با مال و جانمان در راه خدا جهاد نماییم ^(۱) یا می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» ^(۲) اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می‌کند و

۱ - سوره توبه آیه ۷۲.

۲ - سوره محمد صلی الله علیه و آله آیه ۷.

قدم‌هایتان را محکم می‌نماید، این به معنای آن نیست که خدای بزرگ (نعوذبالله) به مال و جان ما نیازی دارد. زیرا خدا در قرآن کریم فرموده: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^(۱) حتی خدای تعالی خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^(۲) یعنی حتی اگر شما برای خدا کاری انجام دهید، بدانید که شما کاری نکرده‌اید بلکه خدا آن کار را کرده است.

و در ادامه آیه می‌فرماید: «وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا» یعنی همه این برنامه‌ها برای آزمایش و امتحان مؤمنین است. لذا اگر خدای تعالی به ما بگوید «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»^(۳) این برای همان «بلاءً حسناً» می‌باشد، این برای امتحان ماست، برای پیشرفت خود ماست، این ارزشی است که خدا برای ما قائل شده که ما را طرف حساب خود قرار داده و می‌گوید کیست که به خدا قرض بدهد؟

ما مگر از خودمان چه چیزی داریم؟ مگر نه این است که هرچه داریم از خداست و خدا داده است؟ پس چرا خدا با ما اینگونه با عظمت سخن می‌گوید. در اینجا می‌گوید کیست که به خدا قرض بدهد، در جای دیگر می‌گوید آیا می‌خواهید به شما راه تجارتنی را یاد

۱ - سوره فاطر آیه ۱۵.

۲ - سوره انفال، آیه ۱۷.

۳ - سوره بقره آیه ۱۴۵.

بدهم که ثمن و بهایش رهایی از عذاب جهنم باشد؟ یعنی خدا می‌گوید من یک طرف، شما بندگانم نیز یک طرف، بیایید با هم معامله کنیم، انصافاً از این ارزش نهادن بالاتر پیدا می‌شود که خدای با آن عظمت، بنده کوچک و حقیر و فقیرش را طرف معامله خود قرار دهد. «ما لتراب ورب الارباب» انسان ضعیف ذلیل خاکی کجا و پروردگار جهانیان کجا؟ بنابراین این که خدا از ما می‌خواهد دین خدا را یاری کنیم و با مال و جانمان در راه آن جهاد نماییم در حقیقت به خاطر نجات و سعادت خود ماست و الا خدا هیچ نیازی به ما ندارد و بر همه چیز و همه کار قادر است. به همین جهت در آیات دیگر به ما تذکر داده است که اگر در یاری دین خدا کوتاهی کنیم، خدا افراد دیگری را جایگزین ما می‌کند تا آنها خدا را عبادت نموده و دین خدا را یاری نمایند، یعنی اگر شما خواهان این سعادت نباشید دیگران بر شما سبقت می‌گیرند و در هر دو صورت ما به شما نیازی نداریم.

اگر حضرت عیسی بن مریم علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟» کیست که مرا در راه خدا یاری کند؟ «قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»^(۱) و خواریون گفتند ما یاران تو هستیم یا رسول الله، این به معنای ضعف حضرت عیسی علیه السلام نمی‌باشد.

اگر حضرت سیدالشهداء علیه السلام در صحرای کربلا می‌گوید، «هل من

ناصر یصرنی» به معنای احتیاج و نیازمندی آن حضرت نیست. همین طور سایر ائمه اطهار علیهم السلام و امام زمان (ارواحنا فداه) اگر بگویند «هل من ناصر یصرنی» به معنای نیازمندی آنها نمی باشد بلکه این یک نوع بها دادن و ارزش قائل شدن برای ما انسانها است. مثلاً اگر پدری یک ظرف آب را می تواند به راحتی بلند کند اما به فرزند کوچکش هم بگوید بیا تا با هم این ظرف را بلند کنیم، این به معنای آن است که پدر می خواهد به فرزندش بها و ارزش بدهد و به او بفهماند که تو هم شخصیت داری و گرنه پدر در اینجا نیازی به کمک فرزند خود ندارد. این مثال است، و الا قدرت ائمه اطهار علیهم السلام به جهت اینکه از قدرت پروردگار فیض می گیرد از همه قدرتها برتر است و علم و قدرت پروردگار نا محدود است، پس قطعاً خدا به بنده خود نیازی ندارد و همه این برنامه ها برای این است که خدای مهربان می خواهد برای ما ارزش و عظمت قائل شود. بنابراین اگر ائمه اطهار علیهم السلام در طول تاریخ مردم را به یاری دین خدا دعوت نموده اند نیازی به یاری مردم نداشتند، زیرا علم و قدرت آن بزرگواران همان علم و قدرت الهی است و لذا هیچ نیازی به ما انسانهای ضعیف و کوچک ندارند و تمام کارها و خدمات انسانهای روی کره زمین در مقابل عظمت اهل بیت علیهم السلام خیلی کمتر از یک ران ملخ است که مورچه ای به محضر سلیمان هدیه نماید، اما به هر حال ائمه اطهار علیهم السلام آنچنان مهربان و

بزرگوارند و تمام سعی و تلاش خود را برای تربیت ما انسانها متمرکز کرده‌اند که حاضرند شأن و مقام والای خود را تا آنجا پایین بیاورند که به ما بگویند «هل من ناصر ینصرنی» کیست ما را یاری کند؟ به عبارت دیگر ائمه اطهار علیهم السلام مثل پدران مهربانی هستند که می‌خواهند فرزندشان هم در کار خود شریک کنند و لذا ما را به یاری خود فرا خوانده‌اند تا در بلند نمودن پرچم اسلام ما را نیز شریک خود کرده و به این طریق ما را سعادت‌مند نمایند. اما متأسفانه مردم نه تنها به ندای یاری‌طلبی امامان معصوم خویش لبیک نگفتند بلکه در مقابل آن بزرگواران موضع گرفته، آنها را مسخره کردند و حتی آنها را به شهادت رساندند تا جایی که خدای تعالی می‌فرماید: «يُحْشِرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ»^(۱)

به هر حال ائمه اطهار علیهم السلام طبیعی زندگی کردند و نمی‌خواستند به صورت معجزه جهان را متحول نمایند و تا آنجا که توانستند با زندگی معمولی خود در میان مردم، انسانها را از خواب غفلت بیدار نموده و به سوی خدای تعالی فرا خواندند، اما به جهت اینکه موقعیت زمانی مناسبی نداشتند و مردم به خوبی آنها را یاری نکردند هدف ائمه اطهار علیهم السلام که برقراری حکومت الله در سراسر عالم بود نیمه تمام باقی ماند و لذا خود آن بزرگواران فرمودند: اگر چه نگذاشتند ما دین

خدا را جهانی کنیم اما بشارت باد شما را به فرزندان مهدی علیهم السلام که در آخر الزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می نماید در حالی که پر از ظلم و فساد شده است،^(۱) او می آید و کار نیمه تمام ما را تمام می کند، او می آید و دنیا را از تمام آلودگی ها و تیرگی ها پاک می نماید و مردم را به صراط مستقیم ما هدایت می کند. او می آید و زمین را تحت سلطه بندگان صالح خدا در می آورد و از لوٹ و جود ناپاکان پاک می سازد و آنگاه موقع رجعت ما اهل بیت است. آن موقع ما می آییم و حرفهای ناگفته خود را به مردم می گوئیم و حقیقت بندگی را در میان مردم برقرار می کنیم.

بنابراین اکنون موقع بیداری ما شیعیان آخر الزمان فرا رسیده است، زیرا تا به حال ائمه اطهار علیهم السلام در کمال مظلومیت و تنهایی و با رنج فراوان دین خدا را تا اینجا عزت بخشیده اند و پس از آن بزرگواران، امام زمان (اروحنه فدا) است که همان ندای یاری طلبی را در تمام دنیا بلند نموده است. یعنی او نیز همچون اجداد غریب و مظلومش هر لحظه فریاد می کند «هل من ناصر ینصرنی» کیست مرا یاری کند؟ آیا کسی هست مرا یاری کند؟ آیا انسان بیداری هست که دین خدا را یاری نماید؟ آیا موقع آن نرسیده کسانی که ایمان آورده اند قلبهای خود را برای خدا خاشع کنند و تسلیم امام زمان خود شوند؟

عمری است نمازخوان‌ها، نماز خوانده‌اند، حاجیان به مکه رفته‌اند، روضه‌خوان‌ها روضه خوانده‌اند... آیا موقع آن نرسیده که دین خود را جهانی کنند؟ آیا موقع آن نرسیده که صدای اذان بلال را همگان بشنوند و جان تشنه خود را با دعوت پروردگار سیراب نمایند؟ آیا موقع آن نرسیده که مسلمانها به خود بیایند و مطیع اهل بیت علیهم السلام گردند و با یکپارچگی جهان را از ظلم و ستم آزاد نموده و با عدل و داد آشنا کنند؟ و آیا موقع آن نرسیده که شیعیان، همان کسانی که امید دل امام زمان علیه السلام هستند از خواب غفلت بیدار شده و به امام زمان خود لبیک گفته و جهان را با آن وجود مقدس آشنا نمایند؟...

چرا لبیک نمی‌گوئیم؟

او همچنان در غیبت، ما همچنین در حسرت، او همچنان در غربت و ما همچنین در غفلت!
 آن آخرین سفیر غریب خداست و این غربت آخرین سفیر...
 از ما دور نیست، در کنار ماست و ما مدعیان عشق و ارادت!
 چگونه می‌توان باور کرد که بیش از یازده قرن محبوبی در پس پرده پنهان باشد؟
 اگر محبوب است چرا پنهان است، هجران او برای چیست؟
 خورشید ز چه از ما رو می‌گیرد؟

ز لیل گفتم از لیل بگردن کجا در شأن مجنون است جانا
نخواهد عشق تو یوسف زلیخا که از دست تو دلخون است جانا
چگونه می توان کسی را دوست داشت و در عین حال قلب او را
آزرد؟!

مگر امام زمان ما نیز همچون جدّ مظلومش هر لحظه فریاد نمی کند
«هل من ناصر ینصرنی»؟

مگر او نیز غریب و تنها نیست و مگر آن حضرت بارها پیام
نداده اند که من غریبم، کسی به فکرم نیست؟

به راستی آیا تنها اظهار محبّت و ارادت کافی است و ما دیگر
وظیفه ای در قبال مولای خود نداریم؟

یا باید اطاعت را با محبّت عجین کنیم و با کسب رضایت مولا به
گوهر سعادت مفتخر شویم.

حسین زمان منتظر ماست، ما چگونه منتظری هستیم؟ شاه نباید
چشم به راه ما باشد، ما باید چشم به راه شاه و گدایش باشیم. او نباید
از جدایی و غفلت ما گریه کند، ما باید در فراق او گریه کنیم و گریه را با
عمل یکی کنیم تا فراقش به وصال مبدّل گردد.

به راستی، این همه مسلمانان! این همه شیعه! و این همه عاشق، آیا
برای یاری امام زمان علیه السلام کافی نیست؟! یا کافی هست ولی اینها هنوز
آماده یاری نشده اند؟!

این چه مظلومیتی است که امام زمان، از ما، خود ما را بخواهد و ما به او لبیک نگوییم. او بخواهد ما را از اسارتها و تیرگی‌ها آزاد کند اما ما نخواهیم، او بگوید دست خود را به من بدهید تا من شما را از باتلاقهای گمراهی نجات دهم و ما نپذیریم!

او نیز همچون خدا و همچون سایر انبیاء به ما ذره‌ای احتیاج ندارد و از طرفی اگر تمام مردم دنیا از او رو برگردانند، به او هرگز ضرری نمی‌رسد،

«گر جمله کائنات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد»

اما او به فکر رهایی ما از مصیبت است، تنها درخواست او از ما آزادی خود ما است، او می‌خواهد ما را نجات دهد، او برای ما دل می‌سوزاند و ما دل او را می‌سوزانیم! او به فکر رهایی ما از کویر خشک بی‌روح است و ما خاک کویر را فرش خواب خویش کرده‌ایم! او غمی ندارد، حزن و اندوهی ندارد، او آزاد است و همیشه در پرواز، او خدای پرواز است، او اگر از ما طلب یاری می‌کند برای خود ما است، راه آسمان را به ما نشان می‌دهد و اگر می‌گوید کیست مرا یاری کند، منظورش این است که کیست مراد نجات دادن خودش یاری نماید؟ یعنی خواستار نجات خود باشد؟

اگر ما خواهان نجات خود باشیم، این کمک بزرگی به امام زمانی است که هدفش نجات و نامش منجی است.

او از ما خواسته که در مرحله اول دین خدا را یاری کنیم، تبلیغ دین خدا را بکنیم، اگر این کار برای ما سخت است، از ما می خواهد که دست کم برای فرج ولی خدا دعا کنیم و اگر حوصله این را هم نداریم، حداقل می توانیم در دل آرزوی آزادی و رهایی داشته باشیم. او از ما می خواهد حداقل در دل، خواهان رهایی باشیم، خواهان سعادت باشیم، این نیز نوعی کمک است، اما متأسفانه ما این را هم نخواستیم و بلکه سعادت را در دنیا و ظواهر آن تعریف نموده ایم. آیا این توقع زیادی است که به ما بگویند در دل خواستار سعادت خود باش؟! اگر کودکی در گودالی از خاک و گل فرو رفته باشد ولی حاضر نباشد دستش را به مادر بدهد تا مادرش او را نجات دهد تقصیر کیست؟ آیا یک چنین کودکی دیوانه نیست؟

امام زمان علیه السلام سالهاست دست خود را بلند کرده است تا ما را نجات دهد، اما به راستی چه کسانی حاضر شده اند که دست خود را به دست آن حضرت بدهند و زندگی خود را به آن امام عزیز بسپارند؟ شاید هنوز نفهمیده ایم که او منجی ماست، شاید ما هنوز به مهربانی پدر خویش پی نبرده ایم و یا اصلاً باور نکرده ایم که او پدر ماست! ما حتی حضور او را در کنار خود حس نکرده ایم و متوجه نبوده ایم که او بر همه احوالات زندگی ما آگاه است و در هر لحظه ما را می بیند.

اگر این حضور را حس کرده بودیم هیچ گاه در محضر او بی ادبی نمی کردیم و تمام سعی و تلاش خود را بر این می گماردیم که ما هم سرباز نمونه‌ای برای آن حضرت باشیم.

ما حتی در روش برخورد با آن حضرت، به امامان خود نیز اقتدا نکرده‌ایم، با اینکه ادعا می‌کنیم شیعه هستیم و اهل بیت علیهم السلام محبوبترین انسانها در قلب ما هستند. خوب است کمی به خود آییم و حضور امام زمان خود را حس کنیم و بفهمیم که او اگر چه ظاهراً غایب است ولی در همه حال حاضر و ناظر ماست و ما در دعای ندبه به آن حضرت عرض می‌کنیم: «بنفسی انت من مغیب لم یخل منا» یعنی جانم به فدای تو آقا جان، تو غایبی هستی که از بین ما خارج نیستی. این کلام امام صادق علیه السلام است که به امام زمان ما می‌گوید: جانم به فدایت، آن هم نه یک بار و دوبار بلکه چندین بار در هر روز جمعه و در روزهای عید، امام صادق علیه السلام اینگونه سخن می‌گوید: «جانم به فدایت» تا شاید جان ما هم جانی بگیرد و از خواب بیدار شود و حاضر باشد که در راه آن حضرت فدا شود.

نه تنها امام صادق علیه السلام بلکه سایر انبیاء الهی، حضور امام زمان ما را حس می‌کرده‌اند و همواره در محضر آن عزیز، ادب را رعایت نموده و آرزو داشتند از خدمتگزاران آن حضرت گردند. به طوری که حضرت خضر علیه السلام به جهت رعایت همین نکته، یعنی رعایت کامل ادب در

محضر امام زمان علیه السلام این افتخار را پیدا کرده که سالیان سال خادم درگاه آن حضرت باشد. و حضرت عیسی علیه السلام به یکی از اولیاء خدا فرموده بود: «من در تمام این مدت در آسمان چهارم منتظر روزی هستم که پشت سر امام زمان ارواحنفاذاه نماز بخوانم و در خدمتش باشم.»

ائمه اطهار علیهم السلام نیز اینگونه بوده‌اند یعنی همواره حضرت ولی عصر علیه السلام را تکریم و تعظیم داشته‌اند و مهم‌تر از همه خدای تعالی در قرآن کریم دردها آیه، با عظمت فراوان از آن حضرت یاد کرده و او را نهایت و نتیجه تلاش انبیاء خود دانسته است.

نمونه‌ای از آیات مهدویت

به عنوان نمونه خدای عزیز در قرآن کریم فرموده است:

(۱) «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۱) امام زمان علیه السلام برای شما

بہتر است اگر اهل ایمان باشید.

(۲) «قُلِ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»^(۲) بگو منتظر باشید که ما نیز منتظر

هستیم.

(۳) «وَيَسْتَبِشُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ مَا أَنْتُمْ

۱ - سوره هود آیه ۸۶.

۲ - سوره انعام آیه ۱۵۸.

بِمُعْجِزِينَ»^(۱) و از تو سؤال می‌کنند که آیا حضرت مهدی و قیام او حق است؟ بگو آری به خدایم قسم که حق است و شما دشمنان نمی‌توانید او را عاجز کرده و در مقابلش ایستادگی کنید.

(۴) «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^(۲) و ما اراده کردیم که مستضعفین را در روی کره زمین منت نهاده و آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

(۵) «و اشرققت الارض بنور ربها»^(۳) هنگامی که امام عصر قیام می‌کنند زمین با نور و تجلیات ایشان روشن می‌شود.^(۴)

اگر ما پیرو قرآن و خدای قرآن هستیم باید با دیدن این آیات پدر مهربان خود را باور کنیم و دست خود را به سوی او بلند نماییم و با رعایت ادب در محضر آن حضرت خود را سرباز نمونه‌ای برای آن بزرگوار نموده و او را با تمام وجود یاری نماییم.

۱ - سوره یونس آیه ۵۳.

۲ - سوره قصص آیه ۵.

۳ - سوره زمر، آیه ۶۹.

۴ - المحجة فیما نزل القائم الحجة، ص ۱۸۴.

احادیث تکان دهنده ائمه اطهار علیهم السلام پیرامون امام زمان علیه السلام

همین طور اگر واقعاً شیعه و پیرو محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله هستیم، خوب است بدانیم که تمام آن بزرگواران با عظمت خاص از حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) یاد نموده و علاوه بر سخن در عمل نیز آن حضرت را تعظیم و تکریم داشته‌اند تا روش برخورد با آن حضرت و رعایت ادب در محضر آن بزرگوار را به ما بیاموزند و با انتظاری که خود برای فرج امام زمان علیه السلام داشته‌اند سوز و حال انتظار واقعی را نیز به ما یاد دهند.

به عنوان نمونه بخشی از فرمایشات ارزشمند ائمه اطهار علیهم السلام را با هم مرور می‌کنیم:

(۱) حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «پدر و مادرم فدای او باد! او هم نام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. بر او پیراهن‌هایی از نور است که از شعاع قدس پرتو افکن است.»^(۱)

همین طور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات فراوان دیگری با

عظمت خاصی از حضرت مهدی (ارواحنا فداه) نام برده و او را نتیجه تلاش خود و تمام انبیاء الهی دانسته است که شیعه و سنی این روایات را نقل کرده‌اند.

(۲) حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «او هم نام پیغمبر خداوند است، جانم فدای او باد، پس ای فرزندان من! یاری او را ترک نکنید و برای یاریش بشتابید.»^(۱)

همچنین آن حضرت در روایات زیادی در تعظیم امام عصر (روحی فداه) فرموده‌اند: «پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.»^(۲) و جالب اینجاست که حضرت علی علیه السلام همواره شوق و اشتیاق قلبی خود را برای دیدن فرزندشان حضرت مهدی علیه السلام به مردم نشان می‌دادند، مثلاً در روایتی نقل شده است آن حضرت در جمعی نشسته بودند، یک مرتبه آهی کشیدند و اشاره‌ای به قلب خود نموده و فرمودند: «آه! چقدر مشتاقم او را ببینم.»^(۳)

(۳) حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ مکرر می‌فرمودند: «طوبی لمحبّی قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبه و المطیعین له فی ظهوره»^(۴) خوشا به حال محبّین و دوستان قائم ما که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۱.

۲ - الغیبه مرحوم نعمانی، ص ۲۲۹.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۴ - منابع المودّه، ج ۳ ص ۷۷.

در ظهورش او را اطاعت می‌کنند. همچنین نقل است هنگامی که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مورد هتک حرمت دشمنان خدا واقع شدند، یکی از نامهای مقدسی که صدا فرمودند نام مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود. یعنی حضرت زهرا علیها السلام نیز منتظر ظهور فرزندش بوده است. آن حضرت نیز به ما فهمانده است که این مصیبت‌ها، این هتک حرمت‌ها و بی‌ادبی‌ها، همه و همه با آمدن امام زمان علیه السلام برطرف می‌گردد. و اگر گوش دل داشته باشیم هم اکنون نیز صدای آن حضرت را خواهیم شنید که در کوچه‌های مدینه می‌فرمایند: «فرزندم مهدی! بیا...، آیا موقع آن نرسیده که انتقام مادرت زهرا را از این دشمنان بگیری؟ آیا موقع آن نرسیده تا قبر مخفی مرا به شیفتگان و عاشقانم نشان دهی؟ پسرم بیا و انتقام مادر را بگیر...»

«غم مخور یا فاطمه ای بانوی پهلو شکسته

مهدی‌ات با کوثر دارو و درمان خواهد آمد»

۴) حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به یکی از شیعیان خود فرمودند: «روی منبرها به مردم بگویید و امرشان کنید توبه کنند و برای فرج حضرت ولی عصر علیه السلام و تعجیل ظهور آن حضرت دعا کنند. این دعا کردن مثل نماز میت واجب کفایی نیست که اگر بعضی از مردم انجام دهند از دیگران ساقط شود، بلکه مثل نمازهای

پنجگانه شبانه روزی است که بر هر فرد از مکلفین واجب می شود.»^(۱)

(۵) حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام فرمودند: «اگر در زمان حضرت مهدی علیه السلام بودم تا آخر عمر خدمتش را می نمودم.»^(۲)

همچنین آن حضرت در عالم مکاشفه به یکی از علماء قم فرمودند: «مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تا می توانید درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) سخن بگویید و قلم فرسایی کنید. آنچه که درباره این شخصیت معصوم بگویید در واقع درباره همه معصومین گفته اید. چون معصومین همه در عصمت، ولایت و امامت یکی هستند و چون عصر حاضر عصر مهدی ماست، سزاوار است درباره او مطالب گفته شود. باز تأکید می کنم درباره مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید، مهدی ما مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره اش نوشت و سخن گفت.»^(۳)

(۶) حضرت امام سجاد علیه السلام در خطبه معروف خود در مسجد جامع شام و در حضور یزید ابن معاویه فرمودند: «افتخار ما این است که مهدی این امت از ماست.»^(۴) همچنین آن حضرت با آرزوی رسیدن

۱ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۳۸.

۲ - بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۴۸.

۳ - بوستان ولایت، ج ۲، ص ۱۸.

۴ - بحارالانوار ج ۴۵ ص ۱۳۸ و احتجاج ج ۲ ص ۱۳۳.

روز ظهور می فرمودند: «اهل زمان غیبت امام زمان علیه السلام و قائلین به امامت آن حضرت و منتظرین ظهور او با فضیلت ترین مردم زمانها هستند^(۱) و کسانی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت قدم باقی بمانند خدا اجر هزار شهید مثل شهدای بدر و احد به آنها عطا می کند.»^(۲)

(۷) حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر در زمان ظهور (حضرت مهدی علیه السلام) باشم جان خود را برای صاحب این امر نگه می دارم.^(۳) و در جای دیگر می فرمایند: پدر و مادرم فدای او باد! او همانم من و دارای کنیه من است. پدرم فدای کسی باد که سراسر عالم را از عدل و قسط پر می کند همان طوری که از ظلم و جور پر شده باشد.^(۴)

(۸) حضرت امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که از آن حضرت سؤال کرده بود آیا حضرت قائم متولد شده است فرمودند: خیر، هنوز متولد نشده اند، ولی اگر من زمان زندگی او را درک نمایم در تمام عمرم خدمت او را خواهم کرد!^(۵)

همچنین امام صادق علیه السلام همچون سایر ائمه اطهار علیهم السلام همواره

۱ - کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۲.

۲ - اعلام الوری، ص ۳۸۵.

۳ - الغیبة مرحوم نعمانی، ص ۲۷۳.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۹.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

مردم را قولاً و عملاً متوجه وجود مقدس امام عصر (روحی فداه) می نمودند و یکی از برنامه های آن حضرت ندبه و گریه در فراق حضرت صاحب الزمان (ارواحنای فداه) می باشد، به طوری که ایام عید و روزهای جمعه دعای ندبه را می خواندند و به مردم یاد می دادند که چگونه باید در انتظار دولت حق باشند و یک انسان عاشق چگونه باید در فراق محبوب خود اشک بریزد و بی قراری کند.

حتی یک روز برخی از اصحاب آن حضرت وقتی خدمت ایشان رسیدند، دیدند که آن حضرت خیلی سخت گریه می کنند، پرسیدند آقا جان علت گریه شدید شما چیست؟ حضرت فرمودند: هم اکنون در کتاب علی علیه السلام نگاه می کردم، چشمم افتاد به حوادث زمان غیبت فرزند مهدی علیه السلام و مصائبی که به آن حضرت و شیعیانمان می رسد را دیدم و خیلی ناراحت شدم و غمها مرا فرا گرفت! (۱)

همچنین بارها حضرت امام صادق علیه السلام را در حال ندبه و گریه مشاهده می کردند و می شنیدند که حضرت با گریه خطاب به امام زمان (ارواحنای فداه) می فرمایند: «ای سید و ای آقای من، سرور من، غیبت تو خواب از چشمانم ربوده، خاطر من را پریشان ساخته و آرامش دلم را گرفته است. سرور من! غیبت تو، مصیبتی جانکاه بر سراسر

هستی ام فرو ریخته که هرگز تسلی نمی یابم، از دست دادن یاران، یکی بعد از دیگری اجتماعات ما را درهم می ریزد، بلاها و سختی ها، رنجها و اندوهها آنچنان بر دلم سنگینی می کند که دیگر اشک دیده و فریادهای سینه ام را احساس نمی کنم و هر چه در اشک و آه خویش می نگرم مصیبتی سنگین تر بر سینه ام حس می کنم. (۱)

نگاهی به دعای ندبه امام صادق علیه السلام

* دعای ندبه دعایی است که با سند صحیح و معتبر از امام صادق علیه السلام به ما رسیده و ویژگی آن دعا این است که مجموعه ای از آیات قرآن و روایات معتبر ائمه اطهار علیهم السلام را به شکلی زیبا در کنار هم جمع کرده است.

* مستحب است این دعا در ایام عید و روزهای جمعه خوانده شود و این به آن معناست که شیعیان حتی در اعیاد خود در فراق امام زمانشان گریان و ناراحتند و عید واقعی آنها زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) می باشد.

* حضرت امام صادق علیه السلام در این دعای شریف قبل از اینکه احساسات شیعیان را تحریک نماید ابتدا مطالب اعتقادی عمیق را مطرح نموده و به این طریق به ما فهمانده اند که گریه شما باید پایه و

اساس داشته باشد، یعنی کسی می تواند در فراق حضرت مهدی علیه السلام اشک بریزد که از نظر اعتقادی دارای اعتقادات سالم بوده و اصول توحید و نبوت و ولایت را قبلاً پذیرفته باشد و به معاد معتقد باشد و بداند که اجر رسالت چیست و جایگاه ائمه اطهار علیهم السلام را با معرفت درک نماید، آنگاه همچون فرزندی که پدر خویش را از دست داده در فراق آن حضرت گریه کند. بنابراین طبعاً کسی که بویی از ولایت و محبت خاندان عصمت و طهارت را حس نکرده و در مسیر آنها قدمی برنداشته و هیچ رشته اتصالی با آن خاندان نور پیدا نکرده چگونه می تواند در فراق خورشید این خاندان گریه کند؟ کسی که در مسیر هدایت قدم نگذاشته چگونه می تواند بگوید: «این بقية الله التي لا تخلو من العترة الهادية»؟

چگونه می تواند با نوای سوزناک «این الحسن و این الحسين» دنبال امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بگردد؟

کسی که هیچ گونه صلاحیت و شایستگی ندارد و تمام وجودش دروغ است و صداقتی در او دیده نمی شود چگونه می تواند بگوید: «این ابناء الحسين، صالح بعد صالح و صادق بعد صادق؟»

کسی که درخششی ندارد نمی تواند بگوید «این الشمس الطالعة؟» و به همین ترتیب تا آخر دعای ندبه انسان باید متوجه باشد که ابتدا باید یک سنخیتی بین ما و امام زمانمان پیدا شود، آنگاه ما در

فراق آن حضرت ندبه و ناله کنیم.

* کسی که منتظر امام زمان (ارواحنا فداه) است باید همچون کودکی که مادر خود را گم کرده، به دنبال امام زمان خود بگردد و با ضجه و ناله بگوید: «لیت شعری این استقرت بک النوی» ای کاش می دانستم کجا هستی آقا جان؟! ... این خصوصیت دعای ندبه است، این دعا ارتباط خاصی بین حبیب و محبوب ایجاد می کند که در دعاهای دیگر دیده نمی شود، در واقع این دعا حقیقت انتظار و درد فراق را به تصویر می کشد.

* کسی که منتظر امام زمان (ارواحنا فداه) است باید به حقیقت حاضر باشد از همه چیز خود و مخصوصاً از جان خود و عزیزان خود به راحتی بگذرد، و مدام به امام زمان خود ابراز محبت نموده و بگوید: «بنفسی انت من مغیب لم یخل منا» جانم به فدایت، جانم به قربانت، قربان خاک پایت و...

* منتظر امام زمان باید ظهور امام زمان علیه السلام را در دست خدا بداند و همواره در درگاه خدا بگوید: «اللهم انت کشاف الكرب و البلوی...» خدایا تویی که بر طرف کننده غم و اندوه ما هستی، تویی که فریادرس درماندگانی و ما از تو ظهور امام زمان خود را تمنا می کنیم.

* آرزوی نهایی مشتاقان ظهور امام عصر علیه السلام باید رسیدن به حقایق و معارف الهی که همان علم قرآن کریم است باشد به طوری که

با دست مبارک امام زمان و با کاسه و جام پاکیزه آن حضرت از آب زلال حکمتها و کوثر ائمه اطهار علیهم السلام سیراب شوند و از تشنگی و تاریکی جهل و نادانی رهایی یابند.

* * *

۹) حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند: «پدرم فدای کسی باد که شبها در حال سجده و رکوع، منتظر غروب ستارگان است، پدرم فدای کسی باد که در راه خدا ملامت ملامتگران در او تأثیر نمی گذارد و او چراغ هدایت در تاریکی های مطلق است. پدرم فدای او که به امر خدا قیام می کند.» (۱)

۱۰) حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: «پدر و مادرم فدایش باد، او همانم جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است.» (۲)

در این روایت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به ما شیعیان پیامی دیگر داده اند، آری حضرت فرموده اند ای کسانی که به من می گوئید غریب الغریب، پدر و مادرم به فدای کسی که غربتش غربت من است، مصیبتش مصیبت من است و تنهایی و مظلومیتش، تنهایی و مظلومیت من است!

۱ - بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

۲ - کمال الدین، ص ۳۷۰ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

ما کجا و معرفت امام زمان با آن عظمت کجا؟ ما کجا و رعایت ادب در محضر مولای عالم هستی کجا؟ این حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است که می داند حضرت مهدی علیه السلام کیست؟ آن امام رئوف و غریب است که غربت حضرت بقیه الله برای او خیلی سنگین است و آن امام عزیز و بزرگوار است که به ما یاد می دهد چگونه باید در مقابل امام زمانان کمال ادب را رعایت کنیم.

به عنوان نمونه از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که حضرت در مجالس خود هنگامی که نام مبارک «قائم» را می بردند، می ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک می نهادند و می فرمودند: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه»^(۱)

۱۱) حضرت امام جواد علیه السلام می فرمایند: «همانا حضرت قائم علیه السلام از ماست، او همان مهدی است که واجب است انتظار او در زمان غیبت و اطاعت او در زمان ظهور.»^(۲) همچنین هنگامی که امام جواد علیه السلام نام یک یک ائمه بعد از خود را معرفی می نمودند تا به نام مقدس امام زمان (ارواحنا فداه) رسیدند گریه کردند و در روایت دارد که گریه بسیار شدیدی کردند. وقتی علت گریه را پرسیدند، حضرت فرمودند: «زیرا آن امام ظهور می کند در وقتی که ذکر و یادش از بین رفته و مردم

۱ - الغدير، ج ۲، ص ۳۶۱ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

۲ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲.

او را تنها گذاشته و فراموش کرده‌اند.» (۱)

(۱۲) حضرت امام هادی علیه السلام فرمودند: «هرگاه امام و پیشوای شما از میان شما غایب شد پس از دم پای خود منتظر فرج باشید. (یعنی همواره چشم انتظار امام زمانتان بوده و ظهورش را نزدیک بدانید و آماده باشید.)» (۲)

(۱۳) حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در لحظات آخر عمر خویش هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام را دیدند فرمودند: «یا سید اهل بیته اسقنی الماء فانی ذاهب الی ربی» (۳) ای سرور اهل بیت، ای سالار اهل بیت، مرا مقداری آب بده که اکنون در حال پرواز به سوی خدای مهربان هستم.

ببینید امام زمان علیه السلام چگونه عظمتی دارند که پدر بزرگوارشان که امام یازدهم ما شیعیان هستند از آن حضرت با عنوان سید و آقای اهل بیت یاد می‌کنند و به این شکل فرزند عزیز خود را تعظیم و تکریم می‌دارند و اگر چه منظور ظاهری حضرت از طلب آب، همان آب نوشیدنی است، اما این سخن تأویلی هم دارد و آن این است که ای سید و آقای اهل بیت، مرا با نگاه گرم خود و با حضور وجود مقدس خود سیراب کن تا برای آخرین بار در این دنیا تو را ببینم و از دنیا بروم.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ و ۱۵۸.

۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۱.

۳ - منتهی الآمال ج ۲ ص ۷۳۵.

این درسی بزرگ است برای کسانی که ادعای عشق و محبت امام زمان را دارند و می‌خواهند پیرو امام حسن عسکری علیه السلام باشند.

حال که بخشی از فرمایشات نورانی ائمه اطهار علیهم السلام را شنیدیم، اگر واقعاً شیعه و محب خاندان عصمت و طهارتیم، طبعاً باید در چگونگی رعایت ادب در محضر امام زمان و چگونه سخن گفتن و نوع انتظار آن حضرت به امامان و پیشوایان خود اقتدا کنیم. به عبارت دیگر اگر پیرو و دوستدار پیامبر اکرم و حضرت علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا علیها السلام هستیم آن بزرگواران به ما فرموده‌اند که در فراق امام زمان علیه السلام گریه کنید، دعا کنید و برای ظهورش حرکت نمایید، اگر پیرو امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هستیم و در مصائب سیدالشهداء اشک می‌ریزیم و به سر و سینه می‌زنیم آن حضرات ما را به فرزند غریب و مظلوم خود حضرت مهدی علیه السلام سفارش نموده‌اند.

اگر پیرو امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام هستیم آن بزرگواران خود را فدایی امام زمان علیه السلام خوانده و فرموده‌اند اگر در زمان حضرت مهدی علیه السلام بودیم جان خود را وقف خدمت به ایشان می‌نمودیم و با این سخن و با گریه‌های خود ما را به اظهار محبت و اطاعت در محضر امام زمانمان فرا خوانده‌اند.

اگر محب و دوستدار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و امام رضا علیه السلام هستیم آن بزرگواران همواره حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را

تعظیم و تکریم داشته و ما را به انتظار فرج آن حضرت امر نموده‌اند و از ما خواسته‌اند که برای ظهور آن حضرت حرکت کنیم.

اگر عاشق و شیفته امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام هستیم، آن دو بزرگوار با گریه‌های شدید برای غربت امام عصر (ارواحنا فداه) به ما فهمانده‌اند که نباید امام زمان عزیز خود را غریب و تنها بگذاریم. اگر پیرو امام حسن عسکری علیه السلام هستیم آن حضرت از امام زمان (ارواحنا فداه) با عنوان سید، سرور و آقای اهل بیت یاد کرده و بر غفلت و فراموشی شیعیان آخرالزمان نسبت به شأن و عظمت آخرین حجت الهی اشک ریخته‌اند و از ما خواسته‌اند تا با پیروی از فقهای که اهل تزکیه نفس کرده‌اند و با هوای نفس خود مخالف بوده و پیرو حقیقی امام زمان علیه السلام می‌باشند، خود را برای سربازی امام عصر (روحی فداه) آماده کنیم و به غیبت آن حضرت پایان دهیم. بنابراین تمام ائمه اطهار علیهم السلام ما را به سوی خورشید آل محمد صلی الله علیه و آله فرا خوانده‌اند و همواره با لفظ «قائم ما» از آن حضرت یاد کرده‌اند و با این نام مقدس به ما فهمانده‌اند که امام زمان علیه السلام نتیجه تمام تلاشهای ماست و ما هرچه کاشته‌ایم او برداشت می‌کند و اوست که خواسته‌های ما را برپا می‌دارد. و به این جهت نام آن حضرت «قائم» است.

(۱۴) و اما اگر عاشق و دلداده حضرت حجة بن الحسن صاحب

الزمان (روحی و ارواح العالمین له الفدا) هستیم، آن حضرت سالیان

سال است از ما، جز ما را نخواسته و همواره ما را به یکپارچگی و اتحاد و دوستی دعوت نموده است. او بیش از هزار سال است که منتظر بیداری و حرکت شیعیان و دوستان خود است. آیا این توقع زیادی است که او از دوستان خود دارد؟ این صدای غریبانه اوست که می‌فرماید: «از من جدا مشوید، به سوی محبت و اطاعت من حرکت کنید، تفرقه ایجاد نکنید مایه زینت و افتخار من باشید و مایه شرمندگی و سرشکستگی من نباشید، ما از احوال شما غافل نیستیم، شما هم از مولای خود غافل نباشید ما برای شما دعا می‌کنیم، شما هم برای فرج من دعا و زمینه سازی کنید.» همچنین در توقیعاتی که توسط علماء بزرگواری همچون شیخ مفید به ما رسیده آن حضرت همواره از شیعیان خود خواسته‌اند که هر چه زودتر از خواب غفلت بیدار شوند، از گناهان دوری کنند، به وظایف خود عمل کنند، با هم متحد و یکپارچه شوند، ادب را در محضر امام زمان خود رعایت کنند و بدانند که آن حضرت همواره تمام اعمال آنها را می‌بیند، پس به سوی خوبیها حرکت نموده و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم آورند...»^(۱) بنابراین اگر شما از میان تمام انسانها از اول خلقت تا به حال یک عده‌ای را دوست دارید و به آنها عشق می‌ورزید، همه آنها شما را به یک مسیر که همان یاری امام زمان است دعوت نموده‌اند. این

دعوت نامه بهترین انسانها و مخلوقات خدا یعنی ائمه اطهار علیهم السلام برای شما شیعیان است. آیا نباید به دعوت بهترین محبوبهای خود پاسخ داد؟... این بخشی از فرمایشات و برخوردهای ائمه اطهار علیهم السلام با مسأله ظهور، انتظار و مظلومیت امام زمان است.

آنها همواره به یاد ما بوده و هستند و آنها خواهان رهایی ما از تمام نارحتی‌ها و گرفتاری‌ها هستند اما این ما هستیم که پدر مهربان خود را فراموش کرده و قطع رحم نموده‌ایم و فراموش کرده‌ایم که آن حضرت همواره به ما محبت نموده و هیچ‌گاه ما را فراموش ننموده‌اند و این سیره همه امامان معصوم علیهم السلام است. در اینجا به عنوان مثال حکایتی درس آموز را نقل می‌کنیم تا این حقیقت را بهتر متوجه شویم.

اگر شما بخواهید ما می‌آییم

اباصلت خادم باوفای امام رضا علیه السلام بود و توفیق آن را پیدا کرده بود که مأنوس و همنشین امام زمان خویش باشد به طوری که تا آخرین لحظات عمر مبارک امام زمانش، این توفیق را از دست نداده و مورد عنایت امام رضا (علیه آلاف التحية و الثناء) قرار گرفته بود.

او پس از شهادت مولا و ارباب مهربانش به دستور خلیفه دستگیر و زندانی شده بود و در حالی که یک سال در تنهایی و تاریکی زندان در فراق امام رئوف خویش اشک می‌ریخت و گریه می‌کرد، یاد

لحظه‌ای که امام جواد علیه السلام در یک آن از مدینه به طوس به بالین پدر عزیزش آمده بود، در ذهنش تداعی شد. همان آقایی که از درب بسته عبور کرده و در آخرین دیدار، سر مقدس پدر را به دامان گرفته بود. ناگهان اباصلت تکانی خورد و با خود گفت: «اگر امام رضا علیه السلام به ظاهر از دنیا رفته ولی امام جواد علیه السلام با بدن شریفشان در این دنیا هستند، مگر او دست خدا و امام زمان من نیستند؟ مگر ایشان نمی‌توانند مرا از این زندان تاریک نجات دهند؟ او که با یک چشم برهم زدن از مدینه به خراسان آمده و از درب‌های بسته عبور کرده بودند، آیا صدای مرا نمی‌شنوند و جواب مرا نمی‌دهند؟!» این جا بود که با قلبی پر از امید و با یقین کامل امام زمان خود را صدا زد و عرض کرد: یا امام جواد به فریادم برس! یا جواد الائمه ادرکنی!... ناگهان امام جواد علیه السلام به اذن پروردگار از درب‌های بسته زندان عبور کرده، به تنهایی و غم و اندوه اباصلت پایان دادند. اباصلت در حالی که گریه می‌کرد و نسبت به امام جواد علیه السلام عرض ادب می‌نمود از آن حضرت سؤال کرد: آقا جان! پس چرا بعد از یک سال که من در زندان اسیر بودم، اکنون به فریادم رسیدید؟!

امام علیه السلام فرمودند: «آخر تو الان به یاد ما افتادی و حالا ما را صدا زدی! اگر زودتر می‌خواستی و به ما متوسل می‌شدی، حتماً تو را نجات می‌دادیم.»

این رمز‌رہایی زندانی از زندان تاریک تنہایی و غربت است، این راه نجات ہر درماندہ گرفتاری است، این راه رسیدن بہ ملاقات محبوب است، باید بخواہیم، باید دعا کنیم چرا کہ خدای مہربان در قرآن کریم فرمودہ است: «ای پیامبر، بہ مردم بگو اگر دعای شما نبود، خدا بہ شما ہیچ توجّہ و اعتنایی نمی کرد...»^(۱)

پس ای زندانیان دوران غیبت! فراق امام زمان علیہ السلام و غیبت آن حضرت، بہ خاطر غفلت ماست، باید بہ خود بیاییم تا از زندان آزاد شویم، باید تشنہ شویم تا بہ آب حیات دست یابیم و باید درب خانہ را بکوبیم تا صاحب خانہ را بیایم. امام زمان ما نیز می فرمایند: «اگر شما بخواہید، ما ہم می آییم و شما از فیض ملاقات ما محروم نمی شوید.»^(۲)

گریہ کافی نیست

این گوشہ‌ای از آیات و روایات ائمہ اطہار علیہم السلام پیرامون آن امام مظلوم بود کہ ما در این کتاب برای شما نقل نمودیم، ندای مظلومیت حضرت ولی عصر علیہ السلام همچون جدّ غریبش اباعبداللہ الحسین علیہ السلام بہ گوش می رسد، فریاد «هل من ناصر ینصرنی» آخرین حجت خدا ہر لحظہ در گوش جان عاشقان، آن حضرت طنین انداز است و آن

۱ - سورہ فرقان آیہ ۷۷ - احتجاج ج ۲ ص ۵۹۷ و بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۶.

۲ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۶.

حضرت همواره از غفلت دوستان و شیعیانشان شکوه نموده‌اند و هم اکنون نیز برای بیدار شدن ما و لبیک گفتن ما لحظه شماری می‌کنند. این حقیقتی تلخ است که باید پذیرفت، باید درک کرد، باید فهمید و باور کرد که امام زمان ما غریبانه فریاد می‌زند: «شیعیان به پا خیزید...» باید گوش شنوا پیدا کرد تا صدای بزرگترین و بهترین مخلوق خدا را شنید، مگر ما نمی‌گوییم که محبین و دوستان امام زمان (ارواحنا فداه) هستیم؟ آیا هیچ محبی طاقت دارد این همه درد و غم و اندوه را در محبوبش ببیند؟

یقیناً خواهید گفت: هرگز! ما اصلاً طاقت شنیدن مصائب اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً مصیبت غریبی آخرین امام عزیزمان را نداریم. حتماً با شنیدن ندای مظلومیت امام زمانتان اشک در چشمانتان حلقه زد و شاید هم مدتی در فراق آن حضرت گریه کردید.

آری، باید گریه کرد، باید ندبه کرد، باید همچون کودکی که پدر یا مادر خود را گم کرده ضجه زد، باید درد یتیمی را حس نمود، چطور می‌شود دین خدا گریان شود، کتاب خدا گریان شود، چشم حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام گریان شود، چشم بالاترین محبوب ما و آخرین حجت پروردگار حضرت حجة بن الحسن علیه السلام گریان گردد، اما چشم محبین و دوستان آن حضرت گریان نگرده؟ مگر امام صادق علیه السلام نفرمود: «شیعیان ما از باقی مانده طینت ما خلق شده‌اند،

در شادیهای ما شاد و در ناراحتی‌های ما غمگین هستند.»^(۱) آیا با این توصیف شیعه می‌تواند درد بی‌کسی را حس نکند؟ آیا می‌تواند ندبه نخواند و گریه نکند؟

هرگز! شیعه هم گریان شده، چشم‌های مؤمنین هم گریان شده، اما به راستی آیا تنها گریه کافی است؟

آیا هیچ عاقلی می‌پذیرد که فقط با گریه کردن و ابراز احساسات و عواطف قلبی می‌توان امام زمان علیه السلام را یاری نمود؟ یا اینکه گریه را نقطه‌ای برای شروع حرکت خود و بیداری از خواب غفلت خویش می‌دانند؟ قطعاً این مطلب بسیار واضح است که فقط با گریه کردن نمی‌توان کاری از پیش برد و اینکه امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «من کشته اشکها هستم» منظورشان این نیست که حضرت شهید شدند تا مردم فقط گریه کنند. بلکه حضرت کشته شدند تا مردم با گریه کردن بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام از خواب غفلت بیدار شوند و در مسیر آن حضرت حرکت کنند.

گریه‌ای که باعث حرکت عملی انسان نشود آنچنان ارزشی ندارد، باید بیدار شد، باید حرکت کرد، باید قدمی برداشت و این قدم را هم شیعیان باید بردارند. بنابراین هم بیداری لازم است هم حرکت، هم گریه و ندبه و استغاثه لازم است، هم زمینه‌سازی برای آمدن امام

زمان علیه السلام، باید به ندای مظلومیت امام زمان علیه السلام پاسخ داد، باید کمی به خود آمد و به درد دل غریبانه آن حضرت که سالیان سال است بر آسمان دل بلند است پایان داد.

ما می توانیم کاری کنیم

شاید این سؤال پیش بیاید که مگر ما می توانیم برای ظهور امام زمان علیه السلام کاری کنیم! مگر ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) در دست خدا و با اراده او نیست، پس ما چه نقشی می توانیم در این امر الهی داشته باشیم؟

پاسخ این سؤال روشن است. زیرا همان طور که در روایات ما این مطلب توضیح داده شده است، امام زمان (ارواحنا فداه) برای اینکه در پرده غیبت زندگی کنند خلق نشده اند و خداوند حکیم هرگز نخواسته که حجت خود را از چشمان مردم مخفی نماید. یعنی از همان لحظه شهادت امام حسن عسکری علیه السلام قرار بر این بوده است که امام زمان (روحی فداه) همچون سایر ائمه بر مردم امامت کنند و هیچ گونه غیبتی نداشته باشند، اما به جهت اینکه مردم قدر ائمه اطهار علیهم السلام را نشناخته و آنها را شهید کردند، طبعاً ظرفیت پذیرش حضرت مهدی علیه السلام را نیز نداشتند و قطعاً آن حضرت را نیز شهید می کردند، لذا خدا بر مردم این طور قضاوت نمود که امام زمانشان از

چشمانشان پنهان شود تا موقعی که مردم ظرفیت پذیرش آن حضرت را پیدا کنند. بنابراین با توجه به این مقدمه اگر ما امر فرج امام زمان (ارواحنا فداه) را بر دو بخش تقسیم کنیم، یعنی بخشی از آن را مربوط به خدا و تقدیرات الهی و بخش دیگر آن را مربوط به پذیرش مردم بدانیم متوجه خواهیم شد که آنچه مربوط به خدا است عملی شده و هیچ مشکلی در آن بخش وجود ندارد، حتی هر چه مربوط به ظهور آن حضرت است را نیز مهیا کرده است و هر کار دیگری که لازم باشد در قبل از ظهور و حتی در همان شب ظهور آماده می‌کند و این مطلب در روایات ما نیز تصریح شده که خدا هر موقع اراده کند یک شبه مشکلات امر فرج امام زمان علیه السلام را اصلاح می‌نماید.

پس از طرف خدا اینگونه مقدر شده که امام زمان علیه السلام ظاهر و حاضر باشد، اما آنچه که مربوط به مردم و انسان‌های روی کره زمین است همان پذیرش اجتماعی آنهاست، یعنی مردم باید خواستار ظهور امام زمان علیه السلام شوند و ظرفیت پذیرش آن حضرت را نیز پیدا کنند که این بخش دوم هنوز عملی نشده و باعث تأخیر ظهور امام عصر (روحی فداه) شده است. پس در واقع مانعی که در مسیر ظهور آن حضرت قرار دارد همین عدم پذیرش ماست و طبعاً اگر ما خود را برای ظهور امام زمانمان آماده کنیم و این ظرفیت را در خود و جامعه خود ایجاد نماییم قطعاً ظهور آن حضرت فرامی‌رسد. به همین جهت

ما اگر بخواهیم می توانیم نقش مؤثری در این امر الهی داشته باشیم. مهم تر از آنچه گفته شد خدای تعالی در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^(۱) همچنین می فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^(۲) یعنی قطعاً خدا هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد مگر آنکه آنها آنچه در روحیاتشان هست تغییر دهند.

طبق این آیه شریفه به علت اینکه خداوند حجت را بر ما تمام کرده و خیر و شر را نیز به ما الهام می کند و همچنین عقل را نیز به ما عنایت فرموده و اختیار انتخاب راه را هم به ما داده است هیچ گاه تا ما خواستار نجات از دوران غیبت امام زمانمان نشویم و برای رسیدن به محضر آن حضرت تشنه نگردیم، خدا نیز برای ما کاری نمی کند. به همین دلیل است که امر ظهور امام زمان علیه السلام به ما نیز مربوط می شود و بلکه خدا خواسته تا ما خودمان برای این امر مهم اقدام بنماییم.

در طول تاریخ نیز مردم زیادی بوده اند که به خاطر کوتاهی و نافرمانی به بلاها و گرفتاری هایی مبتلا شده و گاه پیامبرانشان از میان آنها غایب می شدند. اما به جهت اینکه خودشان از اشتباهات خود پشیمان شده و توبه می کردند و از صمیم قلب خواستار نجات از

۱ - سوره رعد آیه ۱۱.

۲ - سوره انفال، آیه ۵۳.

گرفتاری‌ها یا پایان غیبت پیامبر خود می‌شدند، خدا نیز آنها را اجابت کرده و فرج و گشایشی برای آنها می‌رساند.

غیبت انبیاء الهی

به عنوان نمونه حضرت ادریس علیه السلام به خاطر نافرمانی قوم خویش و ظلم سلطان ظالم به اذن خدا از میان مردم غایب شدند ولی پس از بیست سال هنگامی که مردم به رنج و بلا مبتلا شدند و خدا باران را از آنها قطع فرمود پشیمان شده و متوجه اشتباهات خود گردیدند، لذا با خضوع و خشوع حقیقی به درگاه خدا گریه و ناله نمودند تا خدا بار دیگر حضرت ادریس را بر آنها ظاهر نموده و باران رحمت خویش را بر آنان نازل فرمود.

حضرت یوسف علیه السلام نیز به خاطر نادانی و حسادت برادرانش و به دلائل دیگری که در روایات آمده، چندین سال از آنها جدا شد، اما هنگامی که برادران یوسف متوجه شدند و از پدرشان خواستند که در درگاه خدا برای آنها استغفار نماید و حضرت یعقوب نیز دعا و استغفار نمود دوران فراق سپری گردید و موسم وصال فرا رسید.

حضرت موسی علیه السلام نیز نزدیک هشتاد سال از بنی اسرائیل مخفی بود و قوم او وقتی از ظلم ستمگران خسته شده با هم دست به دعا برداشتند و از خدا خواستند که زودتر پیامبرشان را به فریادشان

برساند به طوری که به همراهی فقیه پاکدامنی^(۱) به بیابان رفتند و چهل روز به درگاه الهی گریه و زاری نمودند تا خدا برای آنها فرجی برساند. این کار را تا سی و نه روز انجام دادند. شب چهارم آن فقیه به آنان اعلام کرد که خدا می فرماید: «چهل سال دیگر فرج خواهد رسید.» تمام بنی اسرائیل به خاطر این نعمت بزرگ و فرج و گشایش الهی که موجب شده بود بیش از صد و پنجاه سال از دوران غیبت پیامبرشان کم شود، خدای را شکر کردند.

خدای تعالی به آن فقیه وحی فرستاد که «من به خاطر این شکر و سپاسگزاری، ده سال دیگر از مدت غیبت را کم کردم.»

باز بنی اسرائیل خدای را شکر و سپاس نمودند و گفتند: هر نعمتی که به ما می رسد از ناحیه خدای مهربان است. باز خدای تعالی ده سال دیگر را بر آنها بخشید. بنی اسرائیل دوباره خدا را شکر کردند و عرضه داشتند، هیچ کس جز خدای منان نمی تواند به کسی خیری برساند.

این بار هم مورد لطف خدا واقع شده و خدا باقی مانده غیبت را نیز بر آنها بخشید به طوری که در همان شب خدا حضرت موسی علیه السلام را برای آنها ظاهر نمود و از همان جا رسالت حضرت موسی آغاز شد. همچنین پیامبران دیگری همچون حضرت یونس، حضرت

۱ - احتمال دارد آن فقیه از انبیاء الهی بوده باشد.

ابراهیم، حضرت یحیی و جمعی از پیامبران بنی اسرائیل نیز برای مدتی از قوم خود جدا شدند که پس از پشیمانی آنها و دعا و خضوع و خشوعشان در درگاه پروردگار به میان قوم خود بازگشتند.

علت اساسی غیبت

علت اساسی غیبت انبیاء، نافرمانی، گناه و معصیت و عدم ظرفیت اقوام گذشته بوده است که خدای مهربان وقتی پشیمانی آنها را می‌دید و آنها تا حدودی متوجه خدا و پیامبر الهی می‌شدند، بار دیگر پیامبرشان را بر آنها ظاهر می‌نمود و گناه آنها را عفو می‌نمود. حضرت یحیی علیه السلام وقتی به پیامبری مبعوث شد برای علت غیبت خود دقیقاً به همین نکته اشاره نمود و فرمود: «مصائب و ناراحتی‌های صالحین فقط به خاطر گناهان بنی اسرائیل بوده است.»^(۱)

بنابراین علت غیبت امام زمان ما نیز همین غفلت و بی‌توجهی، گناه و معصیت، و عدم درک و معرفت وجود مقدس آن حضرت است. او از ما جدا نشده، ما از او جدا شده‌ایم، او در میان ماست، این چشمان نالایق ماست که او را نمی‌بینند. دلیلی ندارد خدا بهترین مخلوق خود را از چشمان محبین و دوستدارانش مخفی نماید، حتماً

ما کاری کرده‌ایم که خدا این فراق را بر ما رقم زده است.

اگر خدا فراق حضرت یوسف را بر یعقوب رقم زد به جهت این بود که یعقوب، یوسف را از برادران دیگرش بیشتر دوست داشته و به او توجه خاصی می‌نمود، اینجا بود که حسادت برادران تحریک شد و یوسف از یعقوب جدا شد، اما ما اگر به درد فراق یوسف زهرا علیها السلام مبتلا شده‌ایم به این جهت است که به چیزهای دیگر بیشتر از آن حضرت توجه داریم و شاید اصلاً به یاد آن حضرت نیستیم!

اگر خدا یوسف را از یعقوب جدا کرد به خاطر این بود که در شب جمعهای مؤمن فقیر روزه‌داری به در خانه یعقوب آمد و حضرت یعقوب و فرزندانش حق فقیر را به او ندادند، حالا آنها غفلت کردند یا چه برنامه‌ای شد که فقیر دست خالی از خانه یعقوب رفت خدا می‌داند، ولی به هر حال به خاطر بی‌توجهی به آن فقیر، خدا فراق یوسف را بر آنها رقم زد،^(۱) اما در اینجا ما از خودمان غفلت کرده‌ایم، از اینکه سر تا پا فقیریم، غفلت ما از این است که یادمان رفته همه ما گدای درخانه اهل بیتیم و غفلت ما از وجود مقدس امام زمانی که می‌تواند فقر ما را برطرف کند باعث شده تا ما به فراق آن حضرت مبتلا شویم.

آری! خدا هرگز نمی‌خواهد که یوسف غایب باشد و چشمان

یعقوب از گریه فراق کور گردد اما اگر برادران یوسف او را ببرند و در چاه بی معرفتی خود رها کنند تقصیر کیست؟ خدا هرگز نمی خواهد که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام قومش را رها کند و به آسمان چهارم عروج نماید، اما اگر قومش تصمیم بگیرند او را به صلیب بکشند تقصیر کیست؟

و خدا هرگز نمی خواهد که یوسف زهرا علیها السلام از چشمان مردم آخرالزمان پنهان شود و شیعیان و دوستان آن امام عزیز را به درد فراق مبتلا کند، ولی اگر خود مردم پرده‌ای بر روی چشمانشان بگیرند تا جمال خورشید آل یاسین را نبینند تقصیر کیست؟

آری! خدا نخواسته، ما خواسته‌ایم، نفس ما خواسته، نفس ما قفس نشینی را به پرواز ترجیح داده است.

ای وای بر ما، چگونه می توانیم جواب خدا را بدهیم؟ آیا می شود باور کرد که ما مانع ظهور قطب عالم امکان، حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه) شده باشیم؟! آیا این حقیقت دارد؟...

باید باور کرد که گناهان ما باعث پنهان شدن خورشید عالم تاب شده است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بدانید که زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نخواهد بود ولی به زودی خدا مردم را به خاطر ظلم و ستم و اسراف که بر خود روا می دارند نسبت به آن حجت، کور

و نابینا می کند.»^(۱)

خود امام زمان (ارواحنا فداه) نیز در پیام خود به شیخ مفید رحمته الله فرمودند که علت مخفی بودن ما، کارهای ناپسندی است که شیعیان انجام می دهند و خبرش به ما می رسد.^(۲)

بنابراین باید توجه داشت که غیبت امام زمان تقدیر و مصلحت اولیه الهی نبوده است، بلکه قضاء الهی است و مصیبتی است که از ناحیه خود ما به ما رسیده است. شخصی می گفت غیبت امام زمان علیه السلام مصلحت الهی است، ما هم نباید در آن دخالتی داشته باشیم! این سخن بسیار غلط است، زیرا همان طور که توضیح داده شد، حکمت الهی این بوده است که امام زمان ما در بین ما باشد و ما ظاهراً او را ببینیم و او به صورت علنی بر ما امامت کند اما کارهایی کرده ایم که خدا بر ما قضاوت نموده تا آن حضرت مدتی از چشمان ما پنهان باشند تا شاید ما تنبیه شویم، شاید به خود بیاییم و از خواب غفلت بیدار گردیم، لذا غیبت امام زمان علیه السلام مصلحت اولیه الهی نیست بلکه مصلحت ثانویه الهی است و بلکه مصیبت است. به عبارت بهتر غیبت آن حضرت، قدر نیست، قضاء الهی است.

حتی باید گفت غیبت امام زمان علیه السلام نوعی غضب خدا بر مردم

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۲ - کلمة الامام المهدي علیه السلام، ص ۱۶۱.

است، همان طور که امام باقر علیه السلام فرمودند: «اگر خدای تعالی بر مردم غضب کند ما را از بین آنها خارج می‌کند.»^(۱) که در توضیح این حدیث علامه مجلسی رحمته الله فرموده‌اند: «و دلالت می‌کند که غیبت امام علیه السلام غضب الهی برای اکثر مردم است.»^(۲)

گناهان ما

شیعیان امام زمان (ارواحنا فداه) باید به این نکته کاملاً توجه داشته باشند که هر چه ما اوضاع اجتماعی خود را نابسامان کنیم و به گناه و معصیت آلوده نماییم در حقیقت باعث تخریب فضای سالم برای پذیرش امام زمان علیه السلام می‌شویم، امام زمان (ارواحنا فداه) هر لحظه منتظر هستند تا شیعیان کمی به خود بیایند و در میان تمام انسان‌های کره زمین، حداقل آنها به پاکی و معنویت رو بیاورند تا مایه امیدی برای آن حضرت باشند و در زمان ظهور بتوانند او را در جهانی کردن دین خدا یاری نمایند. در مقابل اگر شیعیان خود را به گناه و معصیت آلوده نموده و در غفلت و بی‌توجهی به سر ببرند در حقیقت باعث تأخیر ظهور آن حضرت شده و گناه بزرگی را مرتکب شده‌اند، لذا گناه شیعیان جرمی سنگین است و علاوه بر اینکه معصیت است

۱ - مرآة العقول، ج ۴، ص ۶۱.

۲ - همان.

خیانت نیز می باشد، یعنی خیانت به تمام انبیاء و اولیاء، خیانت به تمام انسان های زمین. حتی خیانت به طبیعت و تمام موجودات زنده. مخصوصاً کسانی که صد عن سبیل الله می کنند و مردم را از صراط مستقیم باز می دارند یا آنها را دلسرد و مأیوس می نمایند عذاب سختی گریبانگیرشان خواهد شد.

شاید پرسید مگر با این کارها چه جرمی صورت گرفته که خیانت به تمام انسان ها و موجودات است. پاسخ این سؤال بسیار واضح است، زیرا از این جهت که ظهور امام زمان علیه السلام آرزوی تمام انبیاء و اولیاء بوده، کسی که باعث تأخیر ظهور شود در حقیقت در مرحله اول به تمام انبیاء و اولیاء خیانت کرده است.

در مرحله دوم به تمام انسانها خیانت کرده، چون با کارهای ناپسند خود مانع از رسیدن انسانها به سعادت و خوشبختی واقعی شده است، این را قبلاً گفته ایم که با ظهور امام زمان علیه السلام هر چه کمبود و نقص، بیچارگی، فقر، مریضی و ناراحتی هست برطرف شده و مردم با اطاعت کامل از آن حضرت به کمالات روحی و معنوی رسیده و در امنیت و آسایش حقیقی به سوی خدا حرکت می کنند. لذا کسی که با گناه کردن یا با دلسرد کردن مردم از حرکت به سوی امام زمان علیه السلام باعث تأخیر ظهور شود در واقع به همه انسانها خیانت نموده است. و در مرحله سوم کسی که با نافرمانی های خود باعث تأخیر ظهور شود در واقع به طبیعت و تمام موجودات روی کره زمین نیز خیانت

کرده است. زیرا اکنون به خاطر جهل جامعه انسانی و نبودن علم کافی در میان انسان‌ها حتی طبیعت، حیوانات و گیاهان نیز مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند. به عبارت واضح‌تر اکنون به خاطر عدم دسترسی انسان‌ها به منبع علم و دانش یعنی امام زمان (ارواحنا فداه)، جهان با مشکلاتی روبرو شده که باعث اختلال در طبیعت و زندگی نباتی و حیوانی نیز شده است، همان طور که در قرآن کریم می‌خوانیم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»^(۱) یعنی فساد خشکی و دریا را گرفته است. هم جامعه انسانی را آلوده کرده و هم جامعه حیوانی و گیاهی را، حتی آلودگی هوا و آب دریا را نیز در بر داشته است، یا به عنوان مثال خسارتی که به لایه ازن وارد شده است و روز به روز بیشتر می‌شود جامعه علمی دنیا را بسیار نگران کرده است، به همین جهت کسی که مانع ظهور امام زمان بشود، در واقع مانع رسیدن به منبع علم و حکمت شده و به تمام موجودات و حتی طبیعت آفرینش خیانت کرده است. با این توضیح انصافاً چه کسی می‌تواند پاسخگوی این گناه و خیانت بزرگ باشد؟...

بنابراین ما باید با جدیت کامل از گناه و اشتباه پرهیز کنیم و قلب مولای خود را از خود نرنجانیم. مخصوصاً مراقب باشیم با سخن یا کار خود مانع پیشروی دیگران در معنویات و پیشرفت روحی و

اخلاقی آنها نشویم، هیچ کس را در مسیر حرکت به سوی خدا و اهل بیت علیهم السلام مأیوس نکنیم، مانع اجرا شدن احکام خدا در میان مردم نشویم، اولیاء خدا و زمینه سازان ظهور حضرت را مسخره نکنیم و خلاصه این که با کارهای ناپسند و ناشایسته خود باعث تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام و خیانت به مخلوقات خدا نگردیم.

اعمال بد شما حجاب است

همچنین علی بن مهزیار اهوازی می گوید: وقتی که در مسجد الحرام فرستاده حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را زیارت کردم از جمله از من پرسید که دنبال چه هستی؟ عرض کردم: دنبال امامی که از اهل عالم محجوب و پوشیده است. فرمود: ایشان از شما محجوب نیست، بلکه پرده اعمال بد شماست که او را پوشانده است.^(۱)

«میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز»

پدري که مليونها فرزند دارد، اما غريب است!

متأسفانه اکنون هزار و صد و هفتاد سال است که ما در دوران تاریک غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) به سر می بریم، هزار و صد و

هفتاد سال مصیبت! هزار و صد و هفتاد سال درد و رنج و عذاب، فقر، فساد، جهل! هزار و صد و هفتاد سال خواب غفلت و هزار و صد و هفتاد سال زندگی بدون حضور علنی امام زمان (ارواحنا فداه)! در طول این مدت همه مردم در بی توجهی و غفلت به سر برده‌اند، نه تنها مردم بی دین، بلکه یهودیان و مسیحیان، حتی مسلمین و حتی شیعیان!

آن هم شیعیانی که این همه مورد توجه و عنایت خاص اهل بیت علیهم السلام واقع شده‌اند.

شیعیانی که خود جزئی از اهل بیت پیغمبرند به طوری که امام باقر علیه السلام در مورد آنها می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^(۱) یعنی هر کس که ما را دوست داشته باشد او از ما اهل بیت است. و امام صادق علیه السلام نیز شبیه همین روایت فرموده‌اند: «مَنْ أَتَقَى مِنْكُمْ وَ أَصْلَحَ فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^(۲) یعنی هر کس از شما که تقوا پیشه کند و کارهایش را شایسته نماید از ما اهل بیت است.

همان شیعیانی که حذیفه بن أسید غفاری در مورد آنها می‌گوید: وقتی امام مجتبی علیه السلام با معاویه صلح نموده و به مدینه بر می‌گشت من همراهش بودم، نزد او یک بار شتر بود که همواره همراه آن

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲ - همان.

حضرت بود. روزی گفتم: یا بن رسول الله! این بار چیست که از تو جدا نمی شود؟

حضرت فرمود: می دانی چیست؟ گفتم: نه! فرمود: دیوان است. گفتم: دیوان و دفتر چیست؟ فرمود: دفتر شیعیان ماست، نامهایشان در آن است. «دیوانُ شیعتنا فيه أسماؤهم»^(۱). همان شیعیانی که در مورد آنها فرموده اند: «ألا و من مات علی حب آل محمد مات شهيدا»^(۲) هر کس بر محبت آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد شهید است...

اگر افرادی که دین ندارند نسبت به امام زمان علیه السلام غفلت کنند آنچنان اهمیتی ندارد، اگر یهودیان و مسیحیان و صاحبان دیگر ادیان حق او را نشناسند زیاد مهم نیست، اما اگر شیعیان، امام زمان خود را نشناسند تکلیف چیست؟!

مگر می شود غلامی ارباب خود را نشناسد؟ مگر می شود مهمانی از صاحبخانه غفلت کند؟ مگر می شود کودکی به پدر خود بی توجه باشد؟!

مگر نه این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أنا و علیّ أبوا هذه الأمة»^(۳) من و علی پدران این امت شیعه هستیم. مگر نه این است که

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۲۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۲.

۳ - ينابيع المودة ج ۱ ص ۲۸۸.

امام زمان (ارواحنا فداه) پدر ما شیعیان می باشند؟ آیا سزاوار است ما حتی یک سلام هم به پدر خود ندهیم و اصلاً متوجه حضور او نباشیم؟

قطعاً هیچ موقع یک پدر از افراد غریبه توقعی ندارد، اما از فرزندان خود توقع زیادی دارد و به هیچ عنوان حاضر نیست فرزندانش نافرمان و غافل باشند و قدر پدر خویش را شناسند.

انصافاً ما با پدر خود چه کرده ایم؟ آیا جز غریبی و تنهایی برای او چیز دیگری خواسته ایم؟ آن امام مهربانی که ما به واسطه دوستی او می توانیم حضرت زهرا علیها السلام را که کوثر عالم امکان است، مادر خود بدانیم و به فرمایش امام صادق علیه السلام آن حضرت را مادر خطاب نماییم.

آن امام عزیزی که به تمام شیعیان خود عنایتی ویژه دارند و حتی یک یک آنها را همچون فرزند خود می شناسند همان طور که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«وَعَرَفْنَا شِيعَتَنَا كَعِرْفَانِ الرَّجُلِ اَهْلَ بَيْتِهِ»^(۱) ما شیعیان خود را می شناسیم، همان گونه که یک فرد، تک تک اعضای خانواده خود را می شناسد.» آیا سزاوار است که یک چنین امام رئوف و مهربانی مورد بی توجهی فرزندان خود واقع گردند؟!

چگونه می توان امام زمان خود را فراموش کرد در حالی که او حتی برای یک لحظه ما را فراموش نمی کند و همواره دست نوازش او بر سر ما بوده و می باشد.

آیا می توان باور کرد او غریب و تنها باشد؟ مگر او این همه فرزند ندارد؟! پس چرا غریب است؟

آری! غریب است و غریب واقعی اوست. زیرا کسی که اصلاً فرزند و اهل و عیالی ندارد و حتی هیچ قوم و خویشی هم برایش باقی نمانده باشد حداقل خیالش آسوده است که کسی را ندارد، چنین شخصی غریب تنها هست، اما غریبی اش جانکاه نیست.

غریب جانکاه کسی است که کس دارد اما بی کس است! یار دارد اما تنهاست! بر سفره اش زیاد نشسته اند، اما همگان سفره نشین اند و بس!

آه! که غریبی همین است.

آیا می توان باور کرد که با داشتن میلیون ها شیعه، میلیون ها فرزند، باز هم غریب بود؟! غریبی این است که میلیون ها شیعه دور حرمت طواف کنند و ضریحت را ببوسند اما هنوز غریب الغریبا باشی! این چه درد بزرگی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف غریبی امام زمان ما بفرمایند: «صاحب هذا الامر الشرید الطرید الفرید الوحید»^(۱) صاحب

امر فرج (امام زمان علیه السلام) آن کسی است که مردم او را فراری داده و او هم از دست آنها فرار کرده و تنها و تنها و تنها است!
بی کسی در بین این تن‌ها چرا؟ با هزاران تن ولی تنها چرا؟!!

شما دیگر چرا؟

یکی نیست به شیعیان بگوید: شما دیگر چرا؟!
شما هم می‌خواهید با شیطان بروید؟ شما هم می‌خواهید شیطانی را که تمام دنیا لشکر او شده‌اند یاری کنید و امام زمانتان را که غریب و تنها مانده فراموش کنید؟
غیرت شما کجا رفت؟ آیا فکر می‌کنید چون هوا تاریک است و امام حسین علیه السلام شمع‌ها را خاموش کرده‌اند و سر را به زیر عبا برده‌اند تا رفتنی‌ها بروند، دیگر کسی از رفتن شما با خبر نمی‌شود؟
ای کاش ما هم غیرتی چون ابا الفضل علیه السلام داشتیم. ای کاش ما هم از امام زمانمان خجالت می‌کشیدیم و می‌فهمیدیم که او چشم خداست، برایش فرق نمی‌کند که سر را زیر عبا ببرد یا بیرون آورد، او همه چیز را می‌بیند، حتی می‌داند که در قلب‌های ما چه می‌گذرد، پس چگونه می‌خواهی از محضر او خارج شوی در حالی که هر جا بروی در محضر او هستی.

ای بی‌مروت! کمی به خود بیا، این شب به پایان می‌رسد، تو

می مانی و سیاهی شب! به روز مسلکان پیوند، غفلت مکن، وقت کم است و جای درنگ نیست...

مگر مسلمان نیستی و آرزویت این نیست که ای کاش در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می بودم و در فتح مکه در کنار علی بن ابیطالب علیه السلام بتها را در هم می شکستم.

پس چرا اکنون بت جهل و نادانی و غفلت خود را نمی شکنی؟ مگر آرزویت نبود که در مدینه می بودی و از حریم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دفاع می نمودی و نمی گذاشتی که احدی به آن نور دیده پیغمبر بی ادبی کند، پس چرا اکنون خودت در حریم مادرت ادب را رعایت نمی کنی و با گناه خویش به روی مادر خویش سیلی می زنی؟ مگر آرزو نداری که ای کاش در کنار امام حسن علیه السلام می بودی و نمی گذاشتی آن حضرت این همه غریب و تنها و مظلوم واقع شوند، پس چرا هم اکنون برای غریبی و تنهایی مولایت کاری نمی کنی؟

مگر هم اکنون زیر پرچم امام حسین علیه السلام به سر و سینه نمی زنی و آرزویت این نیست که ای کاش من در کربلا می بودم و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین علیه السلام لبیک می گفتم و در رکاب آن حضرت شهید می شدم، پس چرا اکنون صدای «هل من ناصر ینصرنی» امام زمانت که حسین زمان است را نمی شنوی و متوجه نیستی که آن حضرت هر لحظه فریاد می کند «کیست مرا یاری کند؟» و تو به او

لبیک نمی‌گویی؟!!

مگر آرزو نداری امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام را یاری می‌کردی و نمی‌گذاشتی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام چندین سال در زندان‌های هارون الرشید اسیر گردد و غریبانه مسموم و شهید شود پس چرا اکنون ساکت نشسته‌ای در حالی که امام زمانت هزار و صد و هفتاد سال است که در پشت ابر غیبت زندانی است و آواره بیابان‌ها شده است.

مگر آرزو نداشتی موقعی که امام رضا علیه السلام وارد ایران شد تو نیز خود را به نیشابور می‌رساندی و لحظه‌ای جمال دلربای آن حضرت را می‌دید و حدیث ولایتش را می‌شنیدی، پس چرا هم اکنون دنبال این نیستی که امام حاضر خود را ببینی، دستش را ببوسی و حدیث ولایت و محبتش را در قلب خویش بنگاری؟

چرا باور نمی‌کنی که هم اکنون نیز امام زمان تو بر محمل انتظار نشسته است و بلکه سالهاست که در این محمل منتظر است تا ما از او بخواهیم که همچون امام رضا علیه السلام پرده را کنار بزند تا ما جمال دلربای او را ببینیم؟

چرا بر مظلومیت امام جواد علیه السلام و اینکه آن حضرت در سن بیست و پنج سالگی شهید شدند گریه می‌کنی اما متوجه نیستی که امام زمان تو در سن پنج سالگی غایب شدند و تا اکنون در پس پرده غیبت به

سر برده‌اند؟

چرا از اینکه امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را به معسکر تبعید نمودند ناراحتی و بر غربت آنها اشک می‌ریزی اما بر امام زمانی که بیش از یازده قرن است به دور دست‌ترین نقاط و دور از چشم مردم تبعید شده است گریه نمی‌کنی در حالی که اعمال تو باعث شده است که امام زمانت از تو دور گردد؟

اکنون بیا و پسر سر به راه پدر شو و بر غریبی پدرت اشک بریز و ناله کن، او امامی است که غریبی و مظلومیت همه ائمه اطهار علیهم السلام را در خود جمع کرده است. او با اینکه عزیزترین عزیزان است اما در عین حال غریب‌ترین غریبان است! ما که شیعه او هستیم و خود را محب آن حضرت می‌خوانیم انصافاً چقدر از وقت خود را برای بالا بردن معرفت خود نسبت به امام زمانمان اختصاص داده‌ایم در حالی که می‌دانیم امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ»^(۱) کسی که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است. یعنی او از امت پیغمبر نیست، او از مردم زمان جاهلیت است، او سزاوار نیست خود را به امت پیغمبر صلی الله علیه و آله متصل کند.

از کسب معرفت گذشته، چقدر با امام زمانمان مأنوس شده‌ایم؟

چقدر وجود او را باور داریم؟ در روز چند دقیقه با امام زمان خود صحبت می‌کنیم؟ زندگی ما تا چه اندازه بوی امام زمانمان را می‌دهد؟ اعمال ما تا چه حد مورد رضایت آن حضرت است؟...

ای وای از این همه حواس پرتی! ای وای از این همه بی‌محبتی!
ای داد از این همه غفلت و فراموشی!

ای داد از عزیزی کز یاد رفته باشد تا دامن ثریا فریاد رفته باشد
ای وای برگدایی کاندر حریم دلدار بی دیدن رخ یار دلشاد رفته باشد
آیا برای این همه غفلت پاسخی یافت می‌شود؟...

ما را مدد کنید

غفلت ما کار را به جایی رسانده که امام زمان (ارواحنا فداه) در یکی از درد دل‌های خود با مرحوم شیخ مفید رحمته الله می‌فرمایند: «ما از عهد شکنی‌ها و پشت سر گذاشتن عهد و پیمان‌ها و (بی‌اعتنایی‌ها) با اطلاعیم که گویی اینها از لغزشهای خود خبر ندارند، (اما با وجود این) ما هرگز در رعایت حال شما کوتاهی نکرده، شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر عنایات و توجهات ما نبود، مصائب و حوادث زندگی شما را در بر می‌گرفت و دشمنان، شما را از بین می‌بردند. پس از خدا بترسید و تقوی پیشه کنید و به ما خاندان رسالت مدد و یاری رسانید.»^(۱)

آواره بیابانها

غیبت امام زمان (ارواحنا فداه) دو آوارگی مهم را در پی داشته است، یکی آوارگی ما انسانها که از حقیقت دور افتاده و در بیابان جهل و نادانی خود غوطه ور گشته‌ایم. به طوری که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «یتیم واقعی کسی است که از امام زمانش جدا شده باشد.» و شاید این بهترین تعبیر برای ما بیچارگان و مستضعفین آخرالزمان باشد، ما یتیم شده‌ایم، خودمان خواسته‌ایم که یتیم باشیم، خودمان خواسته‌ایم که امام زمانمان غایب باشد، اگر این طور نبود دست در دست هم می‌دادیم و زمینه را برای آمدن آن حضرت فراهم می‌کردیم. یادم می‌آید در مسجدی مدتی بود امام جماعت آن مسجد به مسجد نمی‌آمد، عده‌ای از ریش سفیدها جمع شدند و گفتند برویم در خانه حاج آقا و ببینیم نکند مشکلی پیش آمده، نکند از ما رنجیده شده باشد، همه با هم به در خانه امام جماعت مسجد رفتند و بعد متوجه شدند که ایشان به خاطر رفتار بعضی مردم که او را آزرده خاطر کرده بودند به مسجد نمی‌آمده است، و با اینکه ایشان بسیار ناراحت بودند ولی وقتی این اظهار محبت مردم را دیدند، از همان شب دوباره به مسجد آمده و اقامه نماز نمودند.

انصافاً ما در چه خواب عمیقی فرو رفته‌ایم که اصلاً جای خالی

امام زمانمان را حس نمی‌کنیم، حتی یک بار از خود نمی‌پرسیم که چرا باید امام زمان ما غایب باشد؟! مگر خدا امام زمان ما را برای غیبت خلق کرده است؟ اینکه اصلاً پذیرفتنی نیست، او امام و پیشوای ماست، چه علتی دارد که رهبر امت دیده نشود؟!

آیا این به خاطر بی‌توجهی و اعمال زشت ما انسان‌ها نیست؟ آری این غفلت ماست که باعث آوارگی و ذلت ما شده است.

تصور کنید اگر یک شخصیت بزرگ و حکیم با معرفتی برای هدایت ما به مجلس ما بیاید و ما مشغول تعریف و خنده و شوخی باشیم و گاهی هم نیم‌نگاهی به آن شخص بزرگوار نموده و یا نهایتاً سری تکان دهیم، اما آنچنان غرق خنده و بازی و شوخی باشیم که اصلاً به آن بزرگوار فرصت سخن گفتن ندهیم، آیا در شأن آن شخص عالم هست که در مجلس ما باقی بماند. هر عاقلی اگر بخواهد برای چنین مردمی قضاوت کند می‌گوید سزاوار است که این بزرگوار از مجلس خارج شود و تا موقعی که این مردم شناخت خود را نسبت به آن شخصیت بزرگوار بالا نبرده و آمادگی پذیرش معرفت را پیدا نکرده‌اند دیگر به آن مجلس نیاید.

این دقیقاً حال مصیبت وار ما انسانهاست، خدای مهربان با عظمت، تنها حجت باقی مانده خود را که واسطه بین خالق و مخلوق است در میان ما مردمان فرستاده تا بلکه هدایت شویم و از گمراهی و

بدبختی نجات پیدا کنیم، اما ما آنچنان در غفلت و بی توجهی به سر می بریم و سرگرم کارهای دنیایی خود شده ایم که اصلاً مجالی به آن حضرت نمی دهیم تا حقایق را برای ما بیان کند و ما را از کویر جهل و نادانی نجات دهد. بنابراین سزاوار است آن امام کل و آن نور مبین، آن خورشید درخشان و آن حجت یگانه خدا بر روی کره زمین از دیده های خواب آلوده ما پنهان شود تا ما کمی به خود آییم و تشنه معارف و حکمت های الهی گردیم.

این حیرانی و سرگردانی ما انسانهاست، این یتیمی و آوارگی ماست و این نهایت فقر و بیچارگی ماست که از حضور ظاهری وجه الله و سبب متصل بین زمین و آسمان محروم شده ایم.

اما آوارگی دوم آوارگی ظاهری امام زمان (ارواحنا فداه) است. آن امام عزیز، آن امام مهربان، آن کسی که تمام ائمه اطهار علیهم السلام خطاب به او گفته اند: «پدر و مادرمان به فدایت یا بقیة الله» و آن وجود مقدسی که تمام انبیاء و اولیاء آرزوی نوکری اش را داشته اند، اکنون آواره بیابانهاست. خود امام زمان (ارواحنا فداه) در این رابطه می فرمایند: «پدرم امام حسن عسکری علیه السلام از من پیمان گرفت که در اماکن دور دست و ناشناس منزل کنم تا خصوصیات زندگی ام برای دشمنان و گمراهان آشکار نگردد و فرمودند: فرزندم بدان که دل های انسانهای با اخلاص و اهل طاعت پروردگار، مانند پرنده هایی که به

سرعت به لانه‌هایشان باز می‌گردند به سوی تو کشیده می‌شوند و مشتاق دیدار تو هستند.»^(۱)

او آنچنان غریبانه زندگی می‌کند که امام علی علیه السلام در رابطه با آن حضرت فرموده‌اند: «صاحب هذا الامر الطريد الشريد الفريد الوحيد»^(۲) یعنی «حجت خدا و صاحب الامر امام زمان (ارواحنا فداه) که رهبر واقعی مردم است مورد بی‌مهری مردم واقع شده و مجبور می‌شود خانه و کاشانه را ترک کند و آواره و تنها روزگار را بگذراند.»

همچنین امام عصر علیه السلام در روایتی پیرامون هجرت از شهر سامرا و آغاز زندگی مخفی و غریبانه خود می‌فرمایند: «اللهم انك تعلم انها احب البقاع لولا الطرد»^(۳) خدایا تو می‌دانی که اگر مردم ما را طرد نمی‌کردند، این سرزمین سامرا برای ما دوست داشتنی‌ترین مکان‌ها بود.»

انصافاً این چه ظلمی است که ما در حق امام زمان عزیز خود روا داشته‌ایم، آوارگی تمام مردم یک طرف و آوارگی یوسف زهرا علیها السلام یک طرف! به راستی چرا هم خود را آواره و حیران نموده‌ایم و هم بهترین مخلوق خدا را از خود رنجانده و دور نموده‌ایم.

۱ - کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲ - کمال الدین ج ۱ ص ۳۰۳.

۳ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۶۶.

شاید بیاید

استاد عزیزم همواره می فرمایند:

در رابطه با امام زمان (ارواحنا فداه) دو چیز یقینی است و یک چیز احتمالی، آن دو چیز یقینی این است که اولاً به یقین امام زمانی هست و ثانیاً او حتماً خواهد آمد.

در این دو مورد شکی نیست و قطعی است. اما آن چیز احتمالی این است که شاید آمدن آن حضرت در زمان ما باشد و این احتمال هم با توجه به قرائن و شواهد خیلی قوی می باشد.

بنابراین باید کاری کرد، شاید آن حضرت بیاید، کمی سر و وضع خود را مرتب کنیم، (نکند یوسفم آید و کسی خواب بود!) هر انسان عاقلی اگر حتی یک درصد احتمال بدهد که الان ممکن است برایش مهمانی بیاید، خودش را آماده می کند، خانه ما به هم ریخته است و شرایط برای پذیرش مهمان مهیا نشده،

باید این اوضاع ناسامان کمی سامان دهیم

از برای دیدن جانان به راهش جان دهیم

حال اگر این مهمان بزرگترین مخلوق و محبوب خدا باشد دیگر با هیچ مهمانی قابل مقایسه نیست. ما برای آمدن مهمان خود را آماده می کنیم، اما چگونه برای آمدن حضرت حجة بن الحسن (روحی فداه) خود را آماده نکرده ایم؟ تازه

اگر مهمانی حتی تصمیم بگیرد که به خانه ما بیاید، ما خود را حاضر می‌کنیم، اما امام زمان ما سالیان سال است که آمده است و حتی تا پشت در هم رسیده و در راهم به صدا درآورده، اما چون ما حاضر نبوده‌ایم به آن حضرت گفته‌ایم: ببخشید اگر ممکن است چند لحظه‌ای صبر کنید تا ما خانه را مرتب کنیم! این چند لحظه به چند صد سال مبدل شده و ما به کلی فراموش کرده‌ایم که مهمانی در پس در داریم!

او هم اکنون پشت در منتظر است، او از همه منتظرتر است! او هزار و صد هفتاد و دو سال است که در انتظار آمدن ماست، منتظر بیداری ما و بازگشت ما از سفر گناه و غفلت! او آمده است، ما نیامده‌ایم! او غایب نیست، ما غایبیم! او پشت ابر نیست، خورشید که پشت ابر نمی‌رود، خورشید جهان را پرتو افشانی می‌کند، ماییم که پشت ابریم!

ماییم که خود را در پس پرده پنهان کرده‌ایم، ماییم و حجاب‌های نورانی و ظلمانی که جلوی دید ما را گرفته‌اند. ماییم و آلودگی و تیرگی‌های اخلاقی که مانع رسیدن ما به پا بوس خورشید شده‌اند. خورشید درآمده، ما در نیامده‌ایم! ما خود را در قفسی تاریک محبوس کرده‌ایم و می‌گوییم چرا جهان تاریک است. اگر سری بیرون آوریم خواهیم دید که جهان روشن است، ما در خواب نازیم و خیال بیداری به سر نداریم. غفلت همه چیز ما را برده و با غفلت خو گرفته‌ایم.

دردمندیم اما خبر از درد خویش نداریم و نمی دانیم که هیچ چیز از بی دردی برای دردمند بدتر نیست!

ما همچون شاگردان شلوغ کار یک کلاس درسیم که معلم بزرگ خود را پشت درنگه داشته ایم. او پشت در کلاس ایستاده تا شاید ما کمی آرام شویم و این همه سر و صدا نکنیم، دست از بازی های کودکانه خود برداریم و آمادگی پذیرش معلم مهربان خود را پیدا کنیم. او امیدوار است که شاید ما آرام شویم و آمادگی پیدا کنیم اما ما اصلاً کمی به خود نمی آییم و نمی گوییم شاید آقای عالم بیاید، شاید ارباب و مولای ما بیاید، این همه شلوغی و آشفتگی زشت است، خوب است کمی آماده شویم، خوب است کمی زمینه را فراهم کنیم، دستی به سر و روی خود بکشیم، خانه دلمان را از این همه ناپاکی، پاک کنیم، شاید صاحب دل ما بیاید، خانه ظاهری خود را هم از هر چه ناپسند است پاک کنیم، شاید صاحب خانه بیاید...
آیا همین شایدها برای بیدار شدن ما کافی نیست؟

اکنون چه باید کرد

حال چه باید کرد؟ راه چاره چیست؟ آیا همین طور بنشینیم و در مصیبت غیبت امام زمانمان به سر و سینه بزنیم یا بی خیال باشیم و بگوییم ما باعث غیبت آن حضرت نشده ایم که حالا هم بخواهیم

برای آمدنش فکری کنیم!

یا اینکه به خود آییم و بفهمیم که تقصیر از ماست، از نفس ما و از غفلت ما و ما باید برای ظهور آن حضرت کاری کنیم.

چرا برای کوچکترین مسائل مادی و دنیایی، هیئت‌های مهم علمی و فکری تشکیل می‌دهیم و با تحقیقات و بررسی‌های گسترده و پی در پی، آن مسائل را حل می‌کنیم، اما با اینکه می‌دانیم اگر امام زمان (ارواحنا فداه) بیاید تمام مشکلات چه معنوی و چه مادی برطرف می‌گردد برای ظهور آن حضرت که کلید مشکل گشای تمام گرفتاری‌هاست هیئت علمی و فکری تشکیل نمی‌دهیم؟!

چرا اگر مردم دنیا بفهمند در یک منطقه گنجی گرانبها یا یک اثر باستانی ارزشمند نهفته شده است، همه با هم تلاش می‌کنند تا به هر طریقی شده آن گنج را به دست آورند اما آن پادشاهی که تمام گنج‌ها از آن اوست و با آمدنش زمین تمام گنج‌های خود را به مقدمش بیرون می‌ریزد باشد و ما به در خانه او نرویم؟

چرا مردم دنیا اگر به بلا یا مرض یا مشکلی برخورد کنند تمام نیروی خود را به کار می‌گیرند و یک بسیج فکری به راه می‌اندازند تا با آن مشکل یا مرض مقابله نمایند و راه نجاتی برای خود و جامعه خویش پیدا کنند، اما با اینکه می‌دانند طبیعی هست که با یک نگاه خویش همه امراض را برطرف می‌کند ولی در خانه او را به صدا در

نمی آورند؟ ما شاخه‌ها را گرفته‌ایم و ریشه را فراموش کرده‌ایم، دنبال علم هستیم اما دنبال سرچشمه علم و معرفت نیستیم. یا شاید هنوز اینها را باور نداریم و یا درست نفهمیده‌ایم...

به هر حال نباید همین طور دست روی دست گذاشت و ظهور امام زمان را به تأخیر انداخت، نباید ظهور را برای آیندگان بخواهیم و خود شانه خالی کنیم، باید کاری کنیم و این را هم بدانیم که بدون تلاش و کوشش ما کاری از پیش نمی‌رود، آن هم نه در حد یک دعای معمولی، بلکه همه چیز ما باید تغییر کند، باید از مال و جان خویش مایه بگذاریم، باید تا آنجا که رمق داریم تلاش کنیم و هرگز دریغ نوزیم و این تلاش و کوشش را ائمه اطهار علیهم السلام از ما خواسته‌اند، به طوری که بشیر نبال می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: می‌گویند اگر حضرت مهدی علیه السلام قیام فرماید همه امور خود به خود برایش ردیف و برپا می‌شود و حتی به قدر یک حجامت خونی بر زمین نمی‌ریزد؟ امام در پاسخ فرمودند: هرگز چنین نیست، قسم به آن که جانم در دست اوست، اگر بنا بود کارها خود به خود برای کسی ردیف شود یقیناً این کار برای رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام می‌شد و دیگر دندان‌های مبارکش نمی‌شکست و چهره نازنینش در جنگ جراحت بر نمی‌داشت. نه قسم به خدایی که جانم در دست اوست آن قدر ما و شما شیعیان باید تلاش کنیم تا عرق و علق از پیشانی پاک کنیم، یعنی

باید زحمت بسیاری متحمل شویم.^(۱)

لذا باید دست در دست هم دهیم و موانع ظهور را شناسایی نموده و فوراً آنها را برطرف نماییم و در مقابل زمینه‌های لازم برای فرج امام زمان (ارواحنا فداه) را فراهم آوریم. اما شاید خیلی‌ها بگویند: ما دوست داریم که امام زمان خود را یاری کنیم و از زمینه سازان ظهور آن حضرت باشیم اما نمی‌دانیم که چگونه شروع کنیم و اصلاً نمی‌دانیم وظیفه ما چیست و ما چگونه باید آن حضرت را یاری کنیم. به همین جهت لازم است که به صورت خلاصه راه‌های یاری امام عصر (روحی فداه) را مروری نماییم.

رفع موانع ظهور با کسب معرفت

همان طوری که از روایات ما فهمیده می‌شود و ما در صفحات قبل توضیح دادیم آنچه که بیشتر مانع ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) شده است عدم آمادگی دنیای امروز برای پذیرش آن حضرت است. بی‌توجهی و گناهان ما شیعیان از یک سو و غفلت مردم دنیا از سوی دیگر حجاب وسیعی در مقابل خورشید جان بخش جهان ایجاد نموده و بین ما و امام ما فاصله انداخته است.

به راستی علت این بی توجهی و غفلت چیست؟ اگر کمی فکر کنیم خواهیم فهمید به یقین آنچه باعث غفلت و بی توجهی ما شده است عدم درک و معرفت ماست، این بی معرفتی است که باعث غفلت ما شده است. به عنوان مثال اگر شما در مجلسی نشسته باشید و یکی از مراجع بزرگ تقلید که از اولیاء خدا هم باشند وارد مجلس شوند و شما و دیگران او را شناسید، او خیلی ساده یک گوشه می نشیند و شما شاید اصلاً به او سلام هم ندهید. شاید در محضر او با هم سخن بگویید، شوخی کنید، پای خود را دراز کنید و ادب را رعایت نکنید. اما اگر شما به طریقی متوجه شوید که ایشان یکی از مراجع تقلید است و از نظر معنوی دارای مقام بسیار بالایی است و مورد عنایت ائمه اطهار علیهم السلام می باشد، آیا باز هم با او همان طور برخورد می نمایید؟

هرگز چنین نخواهد بود، بلکه یقیناً در این صورت شما کمال ادب را در محضر او رعایت می کنید، تا آنجا که بتوانید از محضر او استفاده می کنید و دیگر بی توجه در آن مجلس نمی نشینید.

اکنون نیز نه تنها مردم جهان، بلکه حتی ما شیعیان که خود را وابسته به امام زمان علیه السلام می دانیم قدر آن حضرت را نشناخته ایم و حضور او را در کنار خود حس نمی کنیم. همان طور که اگر در مکانی گنجی نهفته باشد و ما از آن بی اطلاع باشیم طبعاً کاری نخواهیم کرد،

اما به محض متوجه شدن سریع دست به کار شده و به دنبال گنج می گردیم.

آری! آنچه باعث بی توجهی ما شده همان بی معرفتی ما به وجود مقدس حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) می باشد. به همین جهت است که به ما دستور داده اند در زمان غیبت امام زمان علیه السلام این دعا را زیاد بخوانیم: «اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک. اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک. اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ظللت عن دینی»^(۱) خدایا معرفت خودت را به من عطا کن که اگر اینچنین نکنی من رسول تو را هم نخواهم شناخت. خدایا معرفت رسالت را به من عطا کن که اگر عطا نکنی من هرگز معرفت حجت تو (که امام زمان من است) را هم پیدا نخواهم کرد. خدایا معرفت حجت خودت را به من عطا کن که اگر من امام زمانم را نشناسم قطعاً گمراه خواهم شد.

بنابراین تمام گمراهی ما به خاطر غفلت ماست و تمام غفلت ما به خاطر بی معرفتی ما می باشد، در نتیجه همین بی معرفتی بزرگترین مانع برای رسیدن به ظهور امام زمان علیه السلام است و لذا تمام موانع

دیگری را که برای ظهور آن حضرت شمرده‌اند به همین بی‌معرفتی برمی‌گردد. یعنی اگر گفته‌اند گناه ما باعث تأخیر ظهور است یا اگر فرموده‌اند ظلم ظالمین و طاغوتیان باعث تأخیر ظهور است همه این موانع به همان مانع اصلی که عدم شناخت و باور است برمی‌گردد، پس علت اساسی غیبت امام زمان علیه السلام عدم معرفت ما انسان‌ها به مقام والای امامت و ولایت است.

با این توضیح اگر ما امام زمان خود را درک می‌کردیم و تا حدی به آن بزرگوار معرفت پیدا می‌کردیم دیگر هرگز در محضر آن عزیزگناهی مرتکب نمی‌شدیم و فرمایشات آن حضرت را جدی می‌گرفتیم و با بی‌توجهی دستورات آن حضرت را سرپیچی نمی‌نمودیم، در نتیجه کار به جایی نمی‌رسید که با کارهای زشت خود، آن حضرت را از خود برنجانیم و باعث غیبت و مخفی شدن آن حضرت از میان خود گردیم. اگر معرفت آن حضرت را داشتیم کار به جایی نمی‌رسید که امام زمان علیه السلام در میان انسان‌ها امنیت جانی نداشته باشند و به خاطر حفظ جان خود در بین آنها پنهان زندگی کنند. و حتی این بی‌معرفتی آنچنان درد آور است که امام زمان (ارواحنا فداه) فرموده‌اند: «من آواره بیابان‌ها شده‌ام!» تا این کلام کنایه‌ای به ما انسان‌های بی‌معرفت باشد، یعنی ای انسان‌هایی که من به خاطر شما اجلال نزول کرده و به دنیای شما قدم نهاده‌ام شما کاری کرده‌اید که من خار بیابان را به

زندگی در کنار شما ترجیح دهم!

آری بیابان برای من بهتر است، زیرا حیوانات بیابان ادب را در محضر من رعایت می‌کنند اما اکثر انسان‌ها اصلاً ادب ندارند که بخواهند در محضر من ادب را رعایت نمایند!

به حقیقت ما در چه خواب عمیقی فرو رفته‌ایم که حتی یک چنین کنایه درد آوری نیز نباید ما را از خواب غفلت بیدار کند؟

باید معرفت پیدا کرد باید سطح شناخت خود را نسبت به آن وجود مقدس بالا برد، باید درک و فهم و شعوری را که در فطرت ما قرار گرفته باور کرد و باید این مانع بزرگ را از سر راه برداشت و به نور فراگیر امام عصر (ارواحنا فداه) متصل شد.

بنابراین مهم‌ترین راه رسیدن ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) رشد فکری و معرفتی ما می‌باشد.

البته ما هر چه تلاش کنیم هرگز نمی‌توانیم آن وجود با عظمت را درک کنیم اما به هر حال تا آنجا که ممکن است باید تلاش کنیم و اگر قلب خود را از تمام رذائل اخلاقی پاک کنیم و ظرف دل خود را با خلوص کامل برای پذیرش معارف و حقایق آماده نماییم قطعاً خدای مهربان آن معرفت خاص را به ما عطا می‌کند و ما را با نور مقدس امام عصر (ارواحنا فداه) آشنا می‌نماید. بنابراین اهمیت تزکیه نفس اینجا روشن می‌شود و اینجا است که انسان باور می‌کند که باید تزکیه نفس

کند زیرا خدای حکیم هیچ گاه آب حیات آدمی که همان معرفت حقیقی امام زمان (عجل الله فرجه) است را در قلب آلوده ما نخواهد ریخت و به خاطر این بی معرفتی ما همین طور در پرده حجاب خویش باقی می مانیم، اما اگر قلب خود را پاک کنیم خدای کریم نیز حکمت خود را در قلب ما جاری می کند و ما را به آب ولایت و معرفت امام عصر (ارواحنا فداه) سیراب می کند.

آری! باید نفس خود را پاک کرد، باید از حسادت، کینه، بخل، طمع و تمام بیماری های روحی خود را آزاد نمود، باید زمینه را برای ورود نور به قلب خویش مهیا نمود، باید ابتدا برای خود، ظهور خورشید را به دست آورد و پس از این ظهور شخصی، شاهد ظهور جهانی خورشید جهان آرا بود.

ظهور شخصی همان ارتباط معنوی و روحی با امام زمان (ارواحنا فداه) است که شاید به دیدار ظاهری آن حضرت نیز منجر گردد. ظهور شخصی همان تزکیه نفس و خودسازی است که باعث ایجاد ارتباط میان انسان و امام زمانش می شود، به این معنا که وقتی انسان خود را از تمام تاریکی ها و کدورت ها پاک نمود به نور امام عصر علیه السلام متصل می گردد و لیاقت مأنوس شدن با آن امام عزیز را پیدا می کند. علت اینکه خیلی ها نه تنها امام زمان را نمی بینند بلکه هیچ انس و ارتباط روحی هم با آن حضرت ندارند همین تاریکی ها است که باید بر

طرف گردد. زیرا نور و تاریکی هیچ گاه در یک مکان جمع نمی شود. لازمه آمدن نور، رفتن تاریکی است. لذا باید ابتدا خود را در دریای مهربانی خدا شستشو نمود و پس از آن به دنبال روشنایی گشت و به آن دست یافت.

ما اگر می خواهیم برای ظهور امام زمان (عجل الله فرجه) کاری کنیم و به ندای مظلومیت آن حضرت لبیک گوئیم و از سربازان آن حضرت باشیم چاره‌ای جز پاک کردن خود نداریم. محال است سیاهی رفیق روز گردد! روز مقصودش روشنایی است، شب تاریک چگونه می تواند آن را یاری کند؟!

باید خود را روشن کرد، باید تزکیه نفس کرد و پاک شد و آنگاه به یاری خورشید شتافت. اصلاً امام زمان (ارواحنا فداه) کار دیگری از ما نخواسته، او تمام رسالتش پاکی و آزادگی ماست، پس ما اگر می خواهیم به او کمک کنیم باید خود را پاک کنیم و از آلودگی‌ها جدا شویم.

ضمناً این را هم باید بدانیم که تزکیه نفس بدون استاد و راهنمای اخلاق بسیار دشوار و یا بهتر بگوییم نشدنی است. زیرا همان طور که انسان برای رفع بیماری‌های بدنی خود به پزشک متخصص رجوع می کند طبعاً برای رفع بیماری‌های روحی خود نیز باید به پزشک متخصص روح مراجعه کند و طبیب روح کسی نیست جز یک مجتهد

تزکیه نفس کرده که کاملاً مطیع امام زمان علیه السلام باشد و خود به ظهور شخصی دست یافته و در صراط مستقیم دین حرکت کند.

سربازگیری امام زمان علیه السلام شروع شده

یکی از اولیاء خدا می فرمودند: سربازگیری امام زمان علیه السلام شروع شده است، باید فوراً خود را مهیا کرد، باید تزکیه نفس نمود و به ندای یاری خواهی امام عصر علیه السلام لبیک گفت، وقت بسیار کم است، حتی برای وضو گرفتن هم وقت نیست بلکه باید تیمم کرد و فوراً به آن امام عزیز اقتدا نمود. نباید بگذاریم کار از کار بگذرد آن وقت از جا برخیزیم، تا آفتاب طلوع نکرده باید نماز بخوانیم، تا امام زمان (ارواحنا فداه) ظهور نکرده باید به یاری آن حضرت بشتابیم، باید خود را تزکیه کنیم، زیرا حضرت سربازانش را قبل از ظهور انتخاب می کند و این طبیعی است، همان طور که ائمه با استناد به قرآن فرموده اند: «یوم لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً». (۱)

بنابراین هم اکنون موقع بیعت کردن با امام زمان (ارواحنا فداه) است، حتی برای بیعت خیلی هم دیر شده، اما به هر حال هر چه

زودتر این کار صورت بگیرد خیلی بهتر است. باید قبل از این که امام زمان (ارواحنا فداه) بر تمام جهان حاکم گردد با آن حضرت بیعت نمود و الا در زمان حاکم شدن آن حضرت قطعاً اکثریت مردم جهان با آن حضرت بیعت می‌کنند و اگر چه بیعت آنها نیز مورد قبول است، اما دیگر نمی‌توانند از یاوران درجه یک امام عصر (ارواحنا فداه) و همنشین و همدم آن امام مهربان باشند.

لذا کسی که می‌خواهد از سربازان خوب امام زمان علیه السلام باشد باید هم اکنون لباس سربازی آن حضرت را که همان لباس تقواست به تن نماید و لباس هوای نفس خود را از تن بیرون کند و با خورشید جان خویش وصلت نماید.

باید فهمید اینجا زندان است

یکی دیگر از چیزهایی که باعث غفلت و بی‌توجهی ما شده است عادت کردن ما به در و دیوار زندان است، حقیقت این است که ما به بیچارگی، بدبختی، دردمندی و اسارت عادت کرده و به زندان خود گرفته‌ایم. عادت به هر چیز ناپسند است و عادت به اسارت ناپسندتر از هر چیز دیگر، ما به اسارت عادت کرده‌ایم. ما به زندان خو گرفته‌ایم!

چندی پیش مرغ عشقی را از قفس آزاد کردم، مرغ بیچاره به جای

اینکه نگاهی به عالم خارج از قفس کند و در آسمان زیبا آزادانه پرواز کند دور قفس خود چرخید و آنقدر پرو بال زد تا درب قفس را پیدا کرد و دوباره به خواست خودش وارد قفس شد! اینجا فهمیدم که این مرغ بیچاره به قفس عادت کرده است، و عشق این مرغ عشق، میله‌های قفس است، او نمی‌تواند از این آب و دانه مختصری که برایش آماده است دست بکشد، او فقط قفس را می‌شناسد، در قفس متولد شده، در قفس بزرگ شده و با قفس خود گرفته است! امان از مرغ پروازی که پرواز را با بال و پر زدن در خانه‌ای کوچک آموخته باشد. او مرغ عشق است اما عشقی محدود، او مرغ پرواز است اما آسمان ندیده است! او مرغ پرواز است اما پر نکشیده است! او همه چیز را در قفس دیده و به خیالش تنها همین قفس جای زندگانی اوست. حالا می‌فهمم چرا خیلی‌ها و بلکه اکثر انسان‌ها دوست ندارند بمیرند! آنها از مردن بیزارند چون نمی‌دانند مردن آغاز پرواز است.

درد ما انسان‌های اسیر زندان غیبت همین است، ما در قفسیم، به زندگی در قفس خود گرفته‌ایم و جز قفس نمی‌بینیم. ما با رنج و سختی، با تیر و تفنگ و با قتل و غارت آشناییم! فقر را توشه دنیا می‌پنداریم و مرض را رفیق راه! تفریح ما جنگ است و چقدر چشمانمان تنگ است.

ما سودازدگان بی دردییم، عفونت بدن ما را گرفته اما تب نکرده ایم!
تشنه ایم اما لبهای ما سرخ است!

در اوج تاریکی به چوب کبریتی دل خوش کرده ایم و از خورشید
فروزان عالم غافلیم، شمع برای این محفل بی درد کافی است!

معهده ما به گرسنگی گرسنه است و لبهای ما به تشنگی تشنه!
آنقدر گرسنگی کشیده ایم که هاضمه خود را از دست داده ایم و این را

نیز من به چشم خود دیدم که عده‌ای از مردم افریقا آنقدر گرسنگی و
بی غذایی کشیده بودند که دیگر نمی فهمیدند که گرسنه هستند! هیچ

پزشکی هم برای آنها غذاهای چرب و سنگین را تجویز نمی کرد.
چون معده آنها دیگر قابلیت پذیرش و هضم غذاهای سنگین

رانداشت. دکترها می گفتند این افراد باید مدتی غذاهای بسیار سبک
و نرم بخورند تا معده آنها کمی نرمش کند و آمادگی برای هضم

غذاهای دیگر پیدا کند. باید کم کم بخورند شاید دوباره معده دار
شوند!

انسانی که عمری در فقر و گرسنگی و بیچارگی دست و پا زده
است و در کمبود و نقص رشد کرده و فقط زنده ماندن برایش اهمیت

دارد حاضر است لقمه‌ای بخورد و نمیرد، حالا روزگارش هر طور
بگذرد برایش مهم نیست. او همان مرغ عشقی است که به آب و

دانه‌ای قانع است و پرواز را فراموش کرده است!

این زندان است و ما زندانیان زندانی از همه جا بی خبر! باید سر را بالا گرفت، باید آسمان را دید و آسمانی شد.

زندان هر چه باشد، زندان است، تاریک و هراسان، بی امان و بی سامان، اسارت، حقارت، جسارت، مستی، پستی، بی دینی و خودپرستی و اینکه ندانی چه بودی و چه هستی؟!

باید آزاد شد، موسم آزادی رسیده است. اگر ما بفهمیم که اینجا زندان است نه خانه جاودان، دیگر اینگونه به آن دل نمی بندیم.

باید بفهمیم اینجا کویر است! کویری خشک و بی سامان، استخوان‌های پوسیده آنان که از بی آبی مرده‌اند در تیغ آفتاب برق می‌زند، مشتی از آدمیان زیر خلوارها خاک فرورفته‌اند و هنوز دست یاری خواهی آنان از خاک بیرون است!

حتی جغدی هم نیست که بر شاخه درخت خشکیده بیابان هوهو کند و چراغی هم نیست که در دل شب دست کم سوسو کند!

اینجا تنها رفیق تو خاک است، اما چه سود که عقرب‌ها در دل خاک پنهان و امان جان تو را گرفته‌اند. اینجا به خاک زیر پا هم نمی‌شود اطمینان کرد! اینجا بیابان است، یا باید همچون گل سوخت یا باید همچون خار ساخت. خار می‌ماند و گلها می‌سوزند، گلها می‌خشکند، اینجا کیست که به فریاد آدمی رسد؟! اینجا زنده‌ها نیز مرده‌اند! جویبارش، مرداب است و دریایش شن! و اما افسوس که

خیلی‌ها به همین مرداب دل خوش کرده‌اند و آن را آب حیات خود می‌پندارند.

آنها نه باران دیده‌اند نه از آب زلال آفرینش نوشیده‌اند و به جای آنکه دست خود را به سوی آسمان بلند کنند، آب خود را از دل زمین گدایی کرده‌اند و با قطراتی از آب خشک زمین خود را زنده نگه داشته‌اند.

اینجا همان صحرای برهوت است. بادش طوفان است و بارانش ریزه‌های خاک، آبش سراب است و فریادرسش بعد از مرگ سهراب! چلچله‌ای نیست، بلبل کجا و برّ بیابان، اینجا همه مرده‌اند و زنده‌ها رفته‌اند در خواب! درد بی درمان! کارت بی سامان! جانت بی جانان! باور کن، اسیر شده‌ای، اسیر بیابان!

فریاد کن، فریادرسی بخواه، راهی بجو، دادی بکن و دادرسی بطلب.

«این الحسن؟ این الحسین؟ این ابناء الحسین؟ صالح بعد صالح و صادق بعد صادق؟ این السبیل بعد السبیل؟ این الخیرة بعد الخیرة؟ این الشموس الطالعة؟ این الاقمار المنيرة؟ این الانجم الزاهرة؟ این اعلام الدین و قواعد العلم؟ این بقیة الله التي را تخلو من العترة الهادية؟...»

امام حسن علیه السلام کجاست؟ امام حسین علیه السلام کجاست؟ فرزندان حسین زهرا علیه السلام کجایند؟ همان‌هایی که یکی پس از دیگر صالح و

صادق‌اند. آنها که راه نجات ما یکی پس از دیگری هستند کجایند؟ آن برگزیدگان الهی کجایند؟ آن خورشیدهای فروزان و آن ماه‌های درخشان، آن ستارگان نورانی و هدایتگر، آن اعلام و رهبران دین و پایه‌های علم و معرفت کجایند؟ و کجاست حضرت بقیة الله همان امام زمانی که از عترت پاکان جدا نیست؟ کجاست یوسف زهرا؟ کجاست کعبه دلها؟ کجاست باقیمانده آل یاسین و طاها؟... کجاست آن آقای که تنها او می‌تواند ما را از این کویر هولناک نجات دهد؟...

باید بفهمیم که در این زندان چه می‌گذرد

برای اینکه حقیقت این کویر هولناک و این زندان پر آشوب را درک کنیم باید کمی چشم بگشائیم و به اطراف خود نگاهی کنیم. چشم دل نیاز نیست با چشم سر هم می‌توان این همه مصیبت را دید اگر چه باید با دل اوج فاجعه را فهمید. مصیبت آنچنان زیاد است که نیازی به توضیح نیست، زیرا «چیزی که عیان است، چه حاجت به بیان است؟» اما به صورت مختصر بد نیست فهرستی از تیرگی‌های این زندان تاریک را یادآور شویم:

(۱) مظلومیت اسلام:

در دنیای امروز دشمنان اسلام تمام قدرت خود را برای اسلام ستیزی و تخریب چهره مقدس اسلام به کار گرفته‌اند، در رسانه‌ها و

پایگاه‌های اطلاع رسانی جهانی فرهنگ ضد اسلامی خود را ترویج داده و اسلام را دین زور و ترور و تحجر معرفی می‌کنند. در آمریکا آشوب به پا می‌کنند و آشوب خود را به نام مسلمانان تمام می‌کنند، عده‌ای را با عنوان طالبان و امثال آن پرورش داده و عمامه به سر آنها می‌بندند تا آنها را به عنوان چهره اسلام به جهانیان نشان دهند. شخص خبیثی همچون صدام حسین را در اول حمایت و طرفداری می‌کنند، آنگاه او را به عنوان رهبر مسلمین اسیر می‌کنند و به دروغ برای او دادگاه ساختگی تشکیل می‌دهند و از او می‌خواهند که در دادگاه قرآن به دست بگیرد تا با این کار به مردم دنیا نشان دهند که ما یکی از پیروان قرآن و اسلام را اسیر کرده‌ایم و به این طریق چهره قرآن و اسلام را مخدوش می‌کنند. هر جا تروری صورت می‌پذیرد یا آشوبی به پا می‌شود آن را به اسم اسلام ثبت می‌کنند، به کشورهای اسلامی حمله می‌کنند، قانون منع حجاب را در کشورهایی همچون فرانسه تصویب می‌کنند، کشورهای اسلامی را به جرم مسلمان بودن تحریم اقتصادی می‌کنند، به قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جسارت می‌کنند، به حرم ائمه اطهار علیهم السلام هتک حرمت می‌کنند... و خلاصه اکنون اسلام و مسلمین از یک طرف مورد ظلم و ستم دشمنان واقع شده‌اند و از طرفی بعضی از کشورهای اسلامی نیز آب در آسیاب دشمن ریخته و به مظلومیت اسلام کمک می‌کنند و این بزرگترین مصیبت برای اسلام

است و خلاف صریح آیه قرآن کریم که می فرماید: «لا تتخذوا اليهود و النصارى اولیاء»^(۱) اما این دسته از مسلمین بی توجه به دستور خدا که فرموده دشمنان خدا را سرپرست و دوست خود نکنید و کاری نکنید که آنها بر شما مسلط شوند، ذلت را برای خود رقم می زنند، گویا اینها مسلمانانی هستند که کتاب اسلام را نمی خوانند یا می خوانند و عمل نمی کنند.

(۲) مظلومیت قرآن:

هنگامی که دین خدا مهجور و مظلوم واقع شد طبعاً کتاب خدا نیز مهجور می شود، حتی ما مسلمانان آن طور که شایسته است به قرآن ایمان نیاورده ایم، زیرا اگر باور داشتیم که قطعاً این کتاب از جانب خدا و معجزه پیامبر ما می باشد و در نتیجه منبع علم الهی است خیلی زودتر و بهتر آن را به تمام جهانیان معرفی می نمودیم.

اگر ما به عظمت قرآن اعتقاد کاملی داشتیم و می فهمیدیم که هر علمی در دنیا هست از قرآن و روایات اهل بیت ما سرچشمه گرفته امتیاز خیلی از اکتشافات، اختراعات و پیشرفت های علمی را به خود اختصاص می دادیم و امروز شاهد آن نبودیم که غربی ها همان امتیازاتی را که از ۱۴۰۰ سال پیش در متون دینی ما موجود بوده است

به خود اختصاص داده و به نام خود ثبت نمایند.

اگر ما به قرآن ایمان کاملی داشتیم به دستورات آن مو به مو عمل می‌کردیم و به هیچ عنوان نابسامانی در جوامع اسلامی ما دیده نمی‌شد و زندگی ما را یکپارچه نور و پاکی فرا می‌گرفت.

علاوه بر آن ما نه تنها به حقیقت قرآن پی نبردیم بلکه حتی حرمت ظاهری آن را هم حفظ نکرده‌ایم و از آن کتاب بزرگ علمی و معنوی فقط برای گرم کردن مجالس ختم اموات یا ارائه صوت زیبا و یا به عنوان تبرک در جلوی اتومبیل یا تاقچه منزل خود استفاده کرده‌ایم و حتی موقع تلاوت آیات قرآن ادب را در محضر کلام وحی رعایت نکرده‌ایم.

این دردی است هنگفت برای پیروان قرآن که خود نیز باعث مهجور شدن بزرگترین معجزه الهی شده‌اند.

۳) مظلومیت ولایت:

یکی دیگر از تیرگی‌های این زندان تاریک مظلومیت ولایت است. با اینکه همه مسلمانان می‌دانند عصاره آفرینش خدا، ولایت اهل بیت علیهم السلام است، هدف خلقت و جان دین اسلام ولایت است^(۱)، مهم‌ترین غذای روح که همان آب حیات روح انسان است، ولایت

۱ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: علی عمود الدین. اصول کافی، باب اشاره و نص و

است^(۱)، راه ورود به اسلام ولایت است^(۲)، و دین اسلام با ولایت کامل است^(۳)، اولین مخلوق خدا نور ولایت است^(۴)، اولین درس خدا به بندگان درس ولایت است^(۵)، اولین فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اول بعثت خویش تثبیت ولایت است^(۶)، راه ورود به بهشت ولایت است^(۷) و خلاصه:

بی ولایت نیست تن را زندگی مردگی شاید ولی نی زندگی

اما متأسفانه اکنون ۱۴۰۰ سال است که ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مهجور واقع شده و مسلمانان به موالیان و رهبران دین خود معرفت پیدا نکرده‌اند و حتی به آن بزرگواران بی ادبی و جسارت‌ها نموده و سرانجام آنها را شهید نموده‌اند و هم اکنون نیز مانع از حرکت مردم مسلمان به سوی محبت و ولایت آن انوار آسمانی می‌شوند به طوری که به عنوان مثال حرم مطهر ائمه بقیع علیهم السلام را خراب نموده و با خاک یکسان کرده‌اند، بوسیدن حرم پیامبر صلی الله علیه و آله را شرک و توسل کردن به ائمه اطهار علیهم السلام را که واسطه‌های

۱ - سوره ملک، آیه ۳۰.

۲ - احقاق الحق ج ۵ ص ۴۷۰.

۳ - سوره مائده آیه ۳.

۴ - بحار الانوار ج ۵۴ ص ۴۳.

۵ - در محضر استاد، ج ۲ ص ۴۶.

۶ - امیرالمؤمنین ج ۱ ص ۱۸۰.

۷ - ینابیع المودة ص ۷۳.

بین خدا و مخلوق هستند کفر می دانند.

اکنون بعد از گذشت چهارده قرن هنوز قبر حضرت زهرا علیها السلام که مادر عالم امکان و کوثر هستی است مخفی و پنهان می باشد و مهم تر از همه اینها علم و دانش اهل بیت علیهم السلام مهجور است و حتی ما شیعیان که خود را پیرو آن بزرگواران می دانیم به سیره آنها عمل نمی کنیم و آن طور که باید در اخلاق و رفتار و نحوه زندگی به امامان خود اقتدا ننموده ایم و این نیز یکی از مصائب دوران غیبت امام عصر (روحی فدا) است.

البته به لطف خدا به خاطر نورانیت و حقیقت مکتب اهل بیت علیهم السلام روز به روز به تعداد شیعیان افزوده می شود و شیعیان نیز از نظر معرفتی در حال رشد قابل توجهی هستند که اینها همه از نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام است.

(۴) فقر و گرسنگی:

در دنیای امروز، روزانه هزاران نفر به خاطر گرسنگی و فقر می میرند و عده کثیری از مردم نیز بی توجه به مرگ هموعان خود در رفاه و آسایش کامل به سر می برند. به عنوان نمونه در یک طرف این زندان مخوف عده ای روزانه مبالغ بسیاری را برای تغذیه و تفریح سگ های خود هزینه می کنند و در طرف دیگر عده ای برای نان شب خویش اشک می ریزند....

(۵) فساد و فحشا:

در دوران غیبت امام زمان علیه السلام فساد و فحشاء آنچنان جهان را در بر گرفته که باید گفت: «ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس»^(۱) یعنی با اعمال ناپسند مردم فساد در همه جا علنی شده است.

و فساد هم فقط در مسائل جنسی و شهوترانی نیست، بلکه به طور کلی هر امری که از جایگاه خودش خارج شود نوعی فساد است. اکنون اکثر برنامه‌ها از مسیر حقیقی خود خارج شده و فساد دنیا را گرفته است.

در متون روایی ما فصل خاصی با عنوان روایات آخرالزمان وجود دارد که در آن بخش، تمام حوادث و رویکردهای زمان غیبت امام عصر (عجل الله فرجه) را بیان فرموده‌اند و در دنیای امروز تمام آن پیشگوئی‌ها به وضوح دیده می‌شود.

به عنوان نمونه همان طور که در روایات آمده است مردم در دوران غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کرده‌اند، معصیت و فحشاء را ترویج می‌دهند، جهان پر از ظلم و جور شده و عدل و داد به فراموشی سپرده شده است، افراد

قدرتمند به زیر دستان خود ظلم می‌کنند، قدرتمندان حتی بر افکار مردم مظلوم نیز مالکیت پیدا می‌کنند، امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده و حتی معروف را منکر و منکر را معروف می‌دانند، قرآن را می‌خوانند و عمل نمی‌کنند، قرآن را به خاطر صدای زیبای خود قرائت می‌کنند، احکام دین خدا را مسخره می‌کنند، به مال و جمال خود می‌نازند و علم و دانش و معرفت برای آنها اهمیتی ندارد، علما و دانشمندان را مسخره می‌کنند، به بزرگترها و پدر و مادر خویش احترام نمی‌گذارند، صله رحم نمی‌کنند، مردان، خود را به شکل زنان کرده و لباس آنها را می‌پوشند، زنها نیز جامه مردان را به تن می‌کنند و بر مردها حکمرانی می‌نمایند، زنها وارد اجتماع مردان شده و شغل‌های آنها را تصاحب می‌کنند، موسیقی را غذای روح می‌دانند و از آن به عنوان یک فرهنگ تجلیل می‌کنند، مرد را به خاطر حجاب زنش مسخره می‌کنند، خرافات را ترویج می‌دهند، به نماز اهمیت نمی‌دهند، روزی خود را در دست کارفرمای خود می‌دانند و مدام چاپلوسی می‌کنند، رشوه و ربا علنی می‌شود، اکثر مردم اهل فهم و درک و تفکر نیستند، تنها چیزی که برای آنها اهمیت دارد خواب و خوراک و شهوت است، نه تنها خود به سوی خدا نمی‌روند بلکه مردم مؤمن را هم از راه خدا باز می‌دارند، به صورت علنی گناه

می‌کنند و هرگز برای دین خود غیرتی نشان نمی‌دهند...^(۱)

فساد تا جایی پیش رفته که مردم به دست خویش، خود را به مرگ می‌کشانند، خودکشی تفریح آنها شده است و از آن لذت می‌برند، مثلاً با اینکه می‌دانند و یقین دارند که سیگار سرطان‌زا و مرگ‌آفرین است اما آن را رها نمی‌کنند، اعتیاد از انسان‌های آخرالزمان، افرادی سست همت و بی‌اراده ساخته است و آنها را در زیر خلوارها خاک اسیر کرده است، آمار خودکشی سرسام‌آور است، مردم آزاری به اوج خود رسیده است، تجاوز به حریم و ناموس دیگران، شهوترانی، بی‌حجابی، و توجه نداشتن به حد و حدود انسانی در تمام جهان مشاهده می‌شود و خلاصه اینکه دنیای امروز را فساد و فحشاء در بر گرفته است و انسان‌ها در باتلاقی از تباهی و گمراهی فرو رفته‌اند و تنها عده اندکی از شیعیان مخصوصاً در کشور اسلامی ما هستند که به هر شکلی شده خود را از فرو رفتن در این باتلاق حفظ کرده‌اند و با توسل و تمسک به امام زمان خویش در کشتی نجات آن حضرت نشسته‌اند.

۱ - یوم الخلاص جلد دوم فصل مربوط به روایات آخرالزمان صفحه ۷۰۰ الی آخر.

۶) ظلم و زورگویی:

در دنیای امروز کسانی که به ظاهر قدرتی پیدا می‌کنند از غیبت امام و صاحب زمان سوء استفاده کرده و تا آنجا که بتوانند به ظلم و زورگویی می‌پردازند و انسان‌های مظلوم و ستم‌دیده را زیر پای مکر و غرور خویش پایمال می‌کنند و حتی قانون جنگل را هم برای انسان‌ها رعایت نمی‌کنند، زیرا حیوانات هم به قانونی که خدا برای آنها مشخص کرده پای بند هستند اما انسان‌های مغرور و خودخواه حتی به اندازه حیوانات رعایت هم‌نوع خویش را نمی‌کنند.

به عنوان نمونه آمریکا فرعون زمانه شده و همچون نمرود فریاد می‌کند «انا ربکم الاعلی»^(۱) او همه چیز را از آن خود می‌پندارد و در فکر نابودی اسلام و مسلمین جهان است.

اسرائیل ندای از نیل تا فرات سر می‌دهد و انسان‌های بی‌گناه را به قتل می‌رساند و این کارها را مقدس شمرده و هدف اعتلای دین خود می‌داند.

اینها نمونه‌های بزرگ و بارز ظلم و زورگویی در جهان است، اما در کنار این ابرقدرت‌های شیطانی، قدرتمندان دیگری هم هستند که به شکل‌های مختلف حق مردم مستضعف را پایمال می‌کنند و همین‌ها

اگر موقعیت بالاتری پیدا کنند قطعاً دامنه ظلم خود را توسعه می دهند.

به هر حال جهان امروز را ظلم و جور فرا گرفته و هر کس به هر شکلی که می تواند حقوق دیگران را ضایع می کند و برای رسیدن به اهداف خود حتی حاضرند جنگ و دعوا به راه اندازند و با ایجاد رعب و وحشت قدرت خود را به زیردستان خود نمایش دهند. لذا جنگ و خشونت نیز در کنار ظلم و زور فضای تاریک دنیای امروز را تیره تر کرده است.

(۷) بیهودگی و غفلت،

(۸) بروز بیماری ها و مرگ های ناگهانی:

پیدایش یأس و ناامیدی در میان انسان ها، رشد بیماری های روحی و رشد استرس و افسردگی های روانی در جوامع امروز

(۹) جهل و نادانی و عدم دسترسی به منبع حقیقی علم:

مردم در دوران غیبت به خاطر دسترسی نداشتن به منبع علم الهی و امام زمانی که معصوم از جهل است دچار حیرانی و سرگردانی آشکاری شده اند. به طوری که با تمام پیشرفت های علمی هنوز در موارد فراوانی به مشکل برخورد کرده و راه حل آن مسائل را نمی دانند. به عنوان مثال برای درمان خیلی از بیماری ها راه درمانی پیدا نکرده اند، یا حتی علت پیدایش خیلی از بیماری ها را نمی دانند.

روزانه خیلی از مردم به جهت مبتلا شدن به امراضی همچون سرطان، ایدز و امثال آن از بین می‌روند.

بسیاری از علوم و فناوری‌ها اگر دارای فواید قابل توجهی هستند در مقابل عوارض جانبی و آثار نامطلوبی را نیز در پی دارند. مثلاً خیلی از داروهای شیمیایی اگر مرض یا دردی را برطرف می‌کنند در مقابل ضررهایی را هم به دنبال دارند. گاهی دیده می‌شود بسیاری از داروها که مدتی هم مورد استفاده مردم قرار گرفته از داروخانه‌ها جمع شده و مصرف آنها ممنوع می‌شود!

کارخانجات صنعتی و تولیدی در کنار فواید و آثار مثبت، آثار منفی نیز دارند، اتومبیل‌ها و وسایل نقلیه نیز در کنار آنها به آلودگی هوا کمک می‌کنند.

علاوه بر آلودگی تنفسی، آلودگی صوتی نیز ما را آزار می‌دهد. اکثر اختراعات و صناعات ما بر خلاف طبیعتی است که خالق حکیم ما برای ما خلق نموده و لذا در موارد بسیاری به مشکل برخورد می‌کند و با ساختار روحی و بدنی انسان و طبیعت اطراف آن ناسازگاری دارد. علت این مشکلات و ناسازگاری‌ها همان محدودیت فکری و علمی ماست که ما را دچار انحراف و اشتباهات فراوان نموده است، اما امام زمان (ارواحنا فداه) چون امامی است که معصوم از جهل و به منبع وحی الهی متصل است، به تمام این انحرافات و اشتباهات بشری

پایان داده و جهان را به نور علم و دانش خویش روشن می‌فرماید. البته ما تا زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) باید تا آنجا که می‌توانیم سطح علمی خود را چه از نظر معنوی و چه از نظر مادی بالا ببریم و توقف نکنیم، اما به هر حال هر چه تلاش کنیم باز هم از نظر علمی فقیر هستیم و طبق فرمایش اهل بیت علیهم السلام اگر علم را به بیست و هفت حرف تقسیم کنیم، بشر قبل از ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) به دو حرف آن دست پیدا می‌کند و بعد از ظهور، آن حضرت بیست و پنج حرف باقی مانده را در اختیار ما قرار می‌دهند و تمام تحولات زمان ظهور نیز به خاطر همان علمی است که در نزد حضرت بقیة اللّٰه (ارواحنا فداه) می‌باشد و آن حضرت با علم الهی خود تمام مشکلات روحی، معنوی، اقتصادی، امنیتی و... مردم را برطرف می‌نمایند.

۱۰) پیدایش بدعت‌ها، خرافات و لغویات

با تمام پیشرفت‌های علمی روز، مردم دنیا هنوز دست از خرافات و نظریه‌های باطل برنداشته و حتی روز به روز لهو و لعب و کارهای بیهوده در میان مردم ترویج پیدا می‌کند و به عنوان یک فرهنگ شناخته می‌شود.

عده‌ای در دنیا هنوز بت و گاو و گوساله می‌پرستند، عده‌ای پا را فراتر گذاشته و شیطان پرست شده‌اند. در دنیای به ظاهر متمدن امروز کنفرانس‌ها و سمینارهای خرافی برگزار شده و هزینه‌های

هنگفتی صرف بیهوده گری مردم می شود. مثلاً سمینار انتخاب بهترین بُز جهان، مراسم گاوبازی های خطرناک که به قتل و کشتار عده ای منجر می شود، مسابقات پرتاب میوه به سوی یکدیگر، مسابقات حمل اشیاء سنگین، مسابقه حمل بشکه قیر داغ در حال جوش، مراسم چهارشنبه سوری، مراسم آتش بازی های بسیار خطرناک و خلاصه برنامه هایی که به جز عنوان لغویات نام دیگری نمی توان بر آنها گذاشت در میان جوامع با بهترین امکانات و تبلیغات گسترده تشکیل می شود.

علاوه بر آن بسیاری از مسائل انسانی از جایگاه خود خارج شده و به صورت وارونه به مردم تفهیم شده است و حتی کار به جایی رسیده که خیلی از ضد ارزش ها به عنوان ارزش شناخته شده و خیلی از ارزش ها مورد غفلت و بی توجهی واقع شده است. حتی این انحرافات در جوامع دینی هم کشیده شده و مصیبت واقعی نیز همین جاست که خیلی از انحرافات و اشتباهات ما انسان ها جلوه دینی به خود گرفته و با عنوان دین مطرح می گردد. این همان انحراف و اشتباهی است که در روایات ما با عنوان بدعت از آن یاد شده و در واقع بدترین خرافه ها همین بدعت ها است که به نام دین شکل گرفته باشد.

متأسفانه از صدر اسلام تا به حال خلفاء جور آنقدر بدعت در دین

اسلام گذاشته‌اند که چهره نورانی این دین مقدس را تیره کرده‌اند و اکنون نیز خیلی از مردم مسلمان به این خرافات و بدعت‌ها معتقد هستند. ادیان دیگر نیز به خاطر همین بدعت‌ها یا به طور کلی از بین رفته‌اند و یا به شکلی تحریف شده‌اند که حتی نمی‌توان آنها را به خدانسبت داد.

به هر حال بدعت‌ها و خرافات آنقدر زیاد است که خود کتاب مستقلى مى‌طلبند و من گوشه‌ای از آن انحرافات را در کتاب «وارونه‌ها در آخر الزمان» جمع‌آوری نموده‌ام.

باید فهمید آن سوی زندان چه خبر است

آنچه گفته شد جلوه‌ای از دنیای پریشان قبل از ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) بود که به خوبی دیده می‌شود و اکنون محسوس همه ما می‌باشد و بیش از این نیازی به شرح و توضیح ندارد، اما در مقابل باید از دوران نورانی و با شکوه ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) نیز مطلع شد و باور کرد که با ظهور امام عصر علیه السلام به تمام این پریشانی‌ها و نابسامانی‌ها پایان داده می‌شود که اگر این باور برای ما انسان‌ها پیدا شود قطعاً دیگر حاضر نیستیم حتی لحظه‌ای در این دوران به سر ببریم و هر لحظه آرزوی رسیدن به دوران ظهور امام زمان علیه السلام را می‌نماییم و هر کاری که بتوانیم انجام می‌دهیم تا این آرزو محقق

گردد. مثلاً شخصی که در زندان اسیر است اگر بیرون زندان با درون زندان برایش فرقی نداشته باشد یعنی اگر از زندان آزاد شود، فقیر و بدبخت و ناامید باشد و کس و کاری هم نداشته باشد یا حتی در بیرون زندان مورد اذیت و آزار عده‌ای هم قرار بگیرد هیچ گاه آرزو نمی‌کند که از زندان آزاد شود بلکه زندان برای یک چنین شخصی خانه امید و راحتی او می‌باشد، چه دلیلی دارد که بخواهد آزاد شود. اما اگر به یک چنین شخصی بگویند که اگر از زندان آزاد شوی هم به تو کار می‌دهیم، هم خانه می‌دهیم، هم زن خوب می‌دهیم، شخصیت پیدا می‌کنی، محبوب همه می‌شوی و برای خودت آقای می‌شوی آیا باز هم دوست دارد در زندان بماند؟ هرگز! بلکه او دیگر طاقتش تمام می‌شود و هر لحظه آرزو می‌کند که از زندان آزاد شود. تازه آن موقع متوجه می‌شود که او زندانی است و باید برای آزادی خود تلاش کند.

بنابراین ما باید بفهمیم که آن سوی زندان چه خبر است، باید بفهمیم که در زمان ظهور چه اتفاقاتی رخ می‌دهد، باید بفهمیم اصلاً ظهور امام زمان علیه السلام یعنی چه؟ باید اخبار زمان ظهور را بدانیم، باید مردم را نسبت به آن زمان با شکوه آگاه نماییم، باید باور کنیم که انقلاب حضرت مهدی (عجل الله فرجه) یک انقلاب محدود نیست بلکه انقلابی جهانی است و مردم تمام دنیا را از تمام عقب افتادگی‌ها

و انحرافات نجات داده و در تمام زمینه‌های مادی و معنوی به رشد و تعالی می‌رساند.

تحوّلات زمان ظهور

یکی از القاب شریف امام زمان علیه السلام منتقم آل محمد صلی الله علیه و آله است. اگر این لقب را به امام زمان علیه السلام داده‌اند به جهت این است که در حقیقت زمان ظهور آن حضرت، دوران انتقام از تاریخ است.

انتقام از تاریکی‌ها، انتقام از عقب افتادگی‌ها، انتقام از ظلم و جور و انتقام از هرچه زشتی است.

انتقام امام زمان (ارواحنا فداه) به معنای خشونت و خونریزی نیست بلکه به معنای اصلاح است. امام زمان (ارواحنا فداه) همچون خورشیدی فروزان جهان را به نور خویش روشن نموده و به این طریق از تمام تاریکی‌ها انتقام می‌گیرند. شاید بتوان به طور کلی انتقام آن حضرت را به سه بخش تقسیم نمود:

(۱) انتقام از جهل و نادانی: بسیار واضح است که جهل چیزی نیست که آن را به دار آویزند یا تنبیه نمایند بلکه جهل را باید از بین برد و از بین بردن آن تنها با ظهور علم و دانش امکان‌پذیر است. هنگامی که درک و معرفت جامعه انسانی بالا برود قطعاً جهل و نادانی از میان مردم خارج می‌شود. بنابراین با از بین بردن جهل و نادانی که

ریشه تمام فسادها می باشد تمام رذائل اخلاقی و فسادها نیز از بین می روند، زیرا هرگاه خورشید نور افشان علم و دانایی ظهور کند طبعاً بت سیاه جهل و نادانی غروب خواهد کرد و این معنای همان روایتی است که می فرماید در زمان ظهور خورشید از مغرب طلوع می کند، این همان خورشید علم و معرفت است که از مکه طلوع می کند و جهان را روشن می نماید، روز فرا می رسد و شب سپری می گردد. لذا انتقام از جهل همان بالا بردن سطح فکری مردم دنیا می باشد. همان طور که در روایات فراوانی به این مهم تصریح شده است و در روایتی می خوانیم که امام زمان (عجل الله فرجه) با دست کشیدن بر سر خلائق، عقل ها را کامل نموده و به آنها رشد فکری عطا می کنند.^(۱) این در حقیقت مهم ترین ثمره ظهور امام زمان علیه السلام است و به نظر من هیچ تحولی، از تحول علمی مهم تر نخواهد بود. البته دست کشیدن آن حضرت بر سر مردم هم کنایه از تابش نور معرفتی و علمی آن حضرت در جهان است، او که حقیقت علم است اکنون ظهور کرده تا همچون پدری مهربان بر سر یتیمان خود که عمری در سوگ بی پدری و جهل و گمراهی دست و پا زده اند، دستی کشد و آنها را از باتلاق های نادانی و حیرانی رهایی بخشد.

دست کشیدن امام زمان بر عقول انسان‌ها همان پاک نمودن تمام تیرگی‌ها از قلوب و دل‌های مردم است، دست کشیدن امام زمان علیه السلام و کامل نمودن عقل‌ها به این معنا است که امام عصر (ارواحنا فداه) آینه فکری مردم را به سوی خورشید محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بر می‌گردانند و چون عقل به معنای بندگی خداست، همه را پیرو اولین و کامل‌ترین بنده خدا و اسوه حسنه الهی که همان پیامبر اکرم و آل پاک او می‌باشند قرار داده و بنده رسمی خدا می‌کنند به طوری که مردم دیگر به افکار ساخته بشری تکیه نمی‌کنند.

دست کشیدن امام زمان علیه السلام بر عقل‌های مردم همان تزکیه نفوس و ارواح مردم است، زیرا با از بین رفتن جهل هر چه معلول جهل است نیز از بین خواهد رفت و به عبارت واضح‌تر، روز ظهور، روز نابودی لشکر جهل است. لشکر جهل همان رذائل اخلاقی و بیماری‌های روحی است که باعث تاریکی روح انسان می‌گردد. امام عصر علیه السلام با ظهور خویش، قلب‌های همه مردم را از تمام رذائل اخلاقی همچون کبر، حسد، محبت دنیا، ریاست‌طلبی، ظلم به هموع، نفاق، ریا، بخل، کینه، ترس و امثال آن پاک می‌فرمایند. البته این امر مهم چند سالی طول می‌کشد و با کمک سربازان شایسته امام زمان علیه السلام که خود تزکیه نفس کرده‌اند صورت می‌پذیرد یعنی آن حضرت مریبانی را که با روح و درمان امراض روحی آشنا هستند به عنوان راهنمای مردم به

سراسر دنیا می فرستند و مردم را به کمالات روحی می رسانند. بنابراین با ظهور علم و دانش در میان مردم جهان، فقر علمی به طور کلی از بین می رود، بیماری های روحی و رذائل اخلاقی برطرف می شوند، عدل و داد در تمام دنیا حاکم شده و دوران ظلم و جور به پایان می رسد.

در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام دیگر فساد و فحشایی باقی نمی ماند، امر به معروف و نهی از منکر زنده می گردد و شعائر الهی تعظیم و احترام می شود. در آن زمان نورانی با پیدایش علم و معرفت، هر چیزی در جای خود قرار می گیرد و این همان معنای واقعی عدالت است، به عنوان مثال مردها در جایگاه خود قرار گرفته و زنها نیز از حد خود خارج نمی شوند، زنها لازم نیست به خاطر نیاز مادی در خارج از منزل کار کنند، بلکه در کمال عزت در خانه به تربیت فرزندان خویش می پردازند و با این کار جامعه مرده را زنده می سازند. جوانان به خاطر جهل و نادانی، در حیرانی و سردرگمی به سر نمی برند و از پوچی و بی هدفی نجات یافته و از تمام اعتیادها و رفتارهای زشت، پاک و آزاد می گردند.

در آن روز با شکوه، دین مقدس اسلام جهانی شده و زحمات تمام انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام به نتیجه می رسد. مستضعفان جهان از قید استعمارگران و سلطه زورگویان جهان آزاد می گردند و به عزت و

بزرگی دست می‌یابند و دشمنان دین خدا ذلیل و خوار می‌گردند.
 در آن روز کتاب علی علیه السلام که فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر
 قرآن است و به خط امیر مؤمنان علیه السلام نوشته شده است و اکنون در نزد
 امام عصر (روحی فداه) می‌باشد به عنوان کتاب علمی و رسمی در
 تمام دانشگاه‌های جهان معرفی شده و سه علم اساسی شناخت و
 تزکیه روح، اعتقادات و احکام بر مبنای همین کتاب در تمام دنیا
 تدریس می‌گردد.

در زمان ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) مردم بیشتر به فکر روح
 خود هستند و دیگر به هیچ وجه گرفتار قرض و بدهکاری و مخارج
 زندگی نیستند که بخواهند تمام وقت، برای معیشت و اقتصاد
 خانواده تلاش کنند به طوری که اصلاً وقت محبت کردن به فرزندان و
 خانواده را پیدا نکنند و نتوانند به تربیت روحی خود و خانواده
 پردازند، بلکه در آن دوران نواری، مردم به اندازه کافی در کنار
 خانواده خود هستند و به تربیت روحی خود و خانواده می‌پردازند و
 مهم‌ترین برنامه زندگی آنها رشد فکری و اخلاقی خود می‌باشد.

در زمان ظهور امام زمان علیه السلام زمین خدا سر سبز می‌گردد و افکار
 مردم شکوفا می‌شود. عمرها طولانی می‌گردد و دیگر هیچ غم و
 اندوهی باقی نمی‌ماند و مردم علاوه بر نجات از بیماری‌های روحی،
 از بیماری‌های بدنی نیز نجات می‌یابند و جسم و جانشان در سلامت

خواهد بود.

در آن زمان بی نظیر، علاوه بر برطرف شدن فقر علمی، معنوی و فرهنگی، فقر مادی مردم نیز به طور کلی برطرف می شود و مردم در کمال عزت و دارایی زندگی می کنند و در عین حال به مادیات دنیا هرگز دل نمی بندند.

کوچکترین گرفتاری در دنیا باقی نمی ماند، حتی آلودگی های صوتی و تنفسی نیز از بین می رود و مردم در کمال آرامش و در هوای پاک و سالم زندگی می کنند و خلاصه اینکه استعداد های مردم شکوفا می گردد، از اکتشافات علمی لذت می برند، از نظر روحی به کمالات می رسند، اخلاق مردم نیکو می گردد، از نظر مادی پیشرفت می کنند و از تمام گرفتاری ها، بیماری ها و ناراحتی ها رهایی می یابند.

(۲) انتقام از بدعتگزاران

امام عصر (ارواحنا فداه) که همان قرآن ناطق و حقیقت صراط مستقیم الهی است با ظهور خود تمام خرافات و بدعتها را از بین می برند و دین خالص و ناب محمدی صلی الله علیه و آله را در تمام جهان حاکم می کنند.

بدعتها و خرافات نیز چیزی نیست که به دار آویخته شوند بلکه با واضح شدن حقیقت صراط مستقیم خود به خود از بین خواهند رفت. یعنی امام زمان (ارواحنا فداه) با نشان دادن صراط مستقیم که

همان قرآن و عترت است تمام انحرافات دینی، فکری و عملی را از بین می‌برند و به طور کلی افکار غلط بشری، عقاید، مکتب‌ها، ایده‌ها و ایسم‌های ساختگی را باطل اعلام کرده و همه را به سوی صراط مستقیم دین فرا می‌خوانند. بنابراین امام عصر علیه السلام با ارائه فرهنگ صحیح، تمام فرهنگ‌های غلط و باطل را از بین می‌برند.

اما چیزی که باقی می‌ماند انتقام از بدعتگزاران و تولید کنندگان مکتب‌های مختلف فکری و عقیدتی است.

در این مرحله حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) با کمال قاطعیت با کسانی که در دین بدعت ایجاد کرده‌اند یا به هر طریقی مردم را از مسیر حقیقی دین منحرف نموده‌اند یا باعث ترویج خرافات و انحرافات در میان مردم شده‌اند به شدت برخورد می‌کنند و انتقام این همه ظلم و فساد را از سردمداران گمراهی باز می‌ستانند.

اگر چه امام زمان (ارواحنا فداه) امام رحمت و مهربانی هستند و اکثر مردم دنیا بدون جنگ و خشونت تسلیم آن حضرت می‌شوند، اما مهربانی نمودن به این گروه هرگز سزاوار نیست. زیرا این گروه کسانی هستند که به خاطر هوای نفس خود، نظریات شخصی خود را به عنوان راه و مکتب به مردم نشان داده‌اند و مردم را در جاده‌های انحرافی انداخته و مسیری را برای یک مدت طولانی اشتباه نشان داده‌اند.

برخی انسان‌ها خود شخصاً فکر و رفتارشان اشتباه و ناپسند است ولی باعث انحراف دیگران نمی‌شوند و لذا امکان دارد که مورد هدایت و رحمت واقع شوند، اما کسانی که راه را کج می‌کنند، از خود نظریه می‌دهند و با فلسفه بافی‌های خود مردم مستضعفی را تحت سلطه فکری خود در می‌آورند، بر افکار مردم بیچاره حکومت کرده و دین و اعتقادات آنها را به بازی می‌گیرند آیا سزاوار هدایت و رحمت الهی هستند؟! مگر نه این است که اگر کسی یک نفر را هدایت کند مثل این است که دنیا را هدایت کرده و اگر یک نفر را گمراه کند گویا جهانی را گمراه نموده است، پس چگونه گناه این افراد بخشودنی باشد در حالی که عده زیادی را دنبال خود منحرف نموده‌اند؟!!

آیا ما قرآن نخوانده‌ایم و ندیده‌ایم که خدای عزیز چگونه عذاب سختی را برای منحرف‌کنندگان مردم از صراط مستقیم در نظر گرفته است.

حال امام عصر (ارواحنا فداه) که حجت خدا است چگونه به این افراد گمراه ظالم مهربانی کند؟

مگر ائمه اطهار علیهم السلام فرموده‌اند: «هر کسی که قرآن را طبق هوای نفس خود تفسیر کند جایگاهش آتش است.»^(۱)

مگر نخوانده‌ایم که فرموده‌اند: «احترام به بدعتگزار، اقدام به تخریب و نابودی اسلام است».^(۱)

پس آیا سزاوار است که چنین افرادی در زمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) محترم شمرده شوند. آن هم امام زمانی که روی پرچمش نوشته شده است: «البيعة لله» و یکی از خصوصیات آن حضرت این است که هرگز تقیه نمی‌کند و دیگر با هیچ گردنگشی از روی تقیه برخورد نمی‌نماید و با هیچ کس تعارف ندارد.^(۲)

آن کسانی که حقیقت صراط مستقیم را خانه نشین کردند، آنها که درب خانه فاطمه زهرا علیها السلام را آتش زدند، آنها که ائمه اطهار علیهم السلام را اسیر نموده و تبعید کردند و به شهادت رساندند، آنها که دین را شاخه شاخه کردند و بین مسلمین تفرقه انداختند، و آنها که سدی در مقابل کوثر قرآن و عترت زده و مردم را عمری تشنه نگه داشته‌اند، آیا سزاوار عفو و بخشش امام عصر علیه السلام خواهند بود؟

مگر نه این است که امام صادق علیه السلام در روزهای عید و هر جمعه با گریه می‌فرمودند: «این الطالب بدم المقتول بکربلا» کجاست طلب کننده خون شهید کربلا؟ و مگر ما هر هفته در دعای ندبه این فراز را نمی‌خوانیم؟

۱ - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۵.

۲ - کمال الدین ص ۳۰۲.

مگر نه این است که ما عمری در انتظار آن روز هستیم که حضرت ولی عصر علیه السلام بیاید و پرچم سرخی را که بالای حرم امام حسین علیه السلام نصب شده بردارد و انتقام خون سیدالشهداء را از دشمنان آن حضرت باز ستاند؟

آیا دشمنان آن حضرت لیاقت محبت امام زمان (ارواحنا فداه) را دارند؟

اکنون ۱۴۰۰ سال است که حتی قبر حضرت زهرا علیها السلام مخفی و پنهان است، آنها که باعث شده‌اند قبر حضرت زهرا علیها السلام مخفی باشد آیا سزاوار رحمت الهی هستند؟ آنها که قبور ائمه بقیع را خراب کرده‌اند چطور؟

و اما اکنون نیز کسانی که خود را عالم و فیلسوف می‌دانند و به خاطر مقام ظاهری خود می‌خواهند مالکیت بر افکار داشته باشند و مدام از خود نظریه پردازی می‌کنند و آیات قرآن و احکام دین خدا را به رأی و نظر خود تفسیر می‌کنند نیز آیا سزاوار مهربانی امام زمان علیه السلام هستند؟! آیا متصوفه‌ای که حقیقت اسلام و قرآن را به بازی گرفته‌اند و تا آنجا که توانسته‌اند به این دین پاک وصله‌های ساخته‌هوا‌ی نفس خود را چسبانده‌اند سزاوار لطف و رحمت هستند؟!!

هرگز این طور نیست، اگر چه روز ظهور، روز رحمت و مهربانی است و اگر چه امام عصر علیه السلام پس از خدای تعالی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

همچون سایر ائمه اطهار علیهم السلام از همه انسان‌ها مهربان‌تر است، اما هرگز از افرادی که باعث گمراهی مردم دنیا شده و هوای نفس خود را بر دین خدا ترجیح داده‌اند، یا صد عن سبیل الله کرده‌اند و مردم را از رفتن به سوی راه راست باز داشته‌اند، گذشت نخواهد کرد و انتقام تمام تاریکی‌های تاریخ را از بانیان تاریکی پس خواهند گرفت، احکام دین اسلام را همان طور که خدا خواسته اجرا می‌کنند و تمام خرافات و بدعت‌ها را از بین می‌برند به طوری که برخی گمان می‌کنند آن حضرت، دین جدیدی آورده‌اند.

بنابراین شیعیان امام زمان (ارواحنا فداه) باید در زمان غیبت سخت مراقب باشند که باعث انحراف مردم نشوند و از خود نظریه ندهند و همچون دجال، باطل را به اسم حق جلوه ندهند و باعث ترویج خرافات، بدعت‌ها و رسومات باطل نگردند. علاوه بر آن با تمام این انحرافات مقابله کنند تا مورد لطف و رحمت امام زمان خویش واقع گردند.

۳) انتقام از شیطان و شیطان سیرتان

اولین کسی که در عالم ذر، خدا را نافرمانی کرد و باعث انحراف دیگران شد ابلیس است. او به این جهت شیطان نامیده شده است که مردم را اذیت و آزار می‌دهد و آنها را از صراط مستقیم گمراه می‌کند. لذا روز ظهور امام زمان علیه السلام روز انتقام از شیطان است.

شیطان در عالم ذر وقتی از درگاه خدا رانده شد از خدا خواست که تا روز قیامت زنده بماند و خدا به خاطر این که با او تسویه حساب کند و پاداش چند سال عبادت او را بدهد قبول کرد اما نه تا روز قیامت، بلکه تا روز ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) همان طور که خدا در قرآن کریم می فرماید: «انک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم».^(۱)

طبق تفسیر روایی منظور از یوم الوقت المعلوم همان روز ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است که در چنین وقتی شیطان یا از بین می رود و یا فعالیتش تعطیل می شود و کسی که فعالیتش تعطیل شود دقیقاً مثل این است که مرده و به همین جهت آن روز، روز مرگ شیطان است.

بنابراین چون روز ظهور امام عصر علیه السلام روز مرگ شیطان است، شیطان هم آرام نمی نشیند و تا آنجا که بتواند مردم را نسبت به ظهور آن حضرت ناامید نموده و به هر شکل ممکن مانع از فراهم شدن موقعیت برای ظهور آن حضرت می گردد. و به همین جهت هیچ کس به اندازه کسی که برای ظهور امام زمان علیه السلام تلاش می کند در نزد شیطان منفورتر نیست و شیطان با تمام قوا با او مبارزه می کند.

او هر طور که بتواند در مقابل دوستان امام زمان علیه السلام سد می زند و

نمی‌گذارد آنها به هدف خود که ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) است دست یابند. به همین جهت شیطان بزرگترین جنایتکار تاریخ است که با سعادت تمام انسان‌ها مخالف بوده و هرگز نخواسته و نمی‌خواهد که انسان‌ها به کمالات روحی و اخلاقی دست یابند و تا آنجا که توانسته انسان‌ها را گمراه کرده و راه را برای ظهور امام عصر علیه السلام مسدود نموده است. اما از آنجا که وعده پروردگار حق است و قدرت الهی بر تمام قدرت‌ها پیروز است خدای مهربان و بزرگ با ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) از شیطان بد خواه بد اندیش انتقام گرفته و او را در آتش عذاب خویش مخلد می‌سازد. (۱)

علاوه بر آن در روز ظهور امام عصر علیه السلام از تمام شیطان سیرتان تاریخ نیز انتقام گرفته می‌شود و آنها که در کفر و عناد غوطه‌ور بوده و به ثروت و مقام ظاهری خود افتخار می‌کردند و دارایی و منزلت ظاهری خود را به رخ مردم می‌کشیدند ذلیل می‌گردند. زیرا امام زمان علیه السلام معز الاولیاء و مذل الاعداء می‌باشند، یعنی دوستان خود را که عموماً در زمان غیبت، مستضعف بودند عزت بخشیده و عزیز می‌سازند و دشمنان خود را که در زمان غیبت، استعمارگر و جهان‌خوار بوده‌اند به خاک مذلت نشانده و ذلیل می‌نمایند. به هر حال

امام زمان (ارواحنا فداء) از تمام سیاهی‌ها انتقام گرفته و جهان را به نور پروردگار خویش روشن می‌سازند، با محبت و مهربانی از تمام بی‌محبتی‌ها، با علم و حکمت از تمام نادانی‌ها، با هدایت کردن مردم از تمام گمراهی‌ها و با شمشیر عدل و داد از ظلم و ستم انتقام گرفته، دین جد بزرگوار خویش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در تمام دنیا استوار و پابرجا می‌نمایند و به مظلومیت قرآن و اهل بیت علیهم السلام پایان می‌دهند.

امام مهربانی

با توجه به آنچه گفته شد امام زمان (ارواحنا فداء) تمام بندگان خدا را مورد لطف و رحمت خویش قرار می‌دهند و مردم دنیا نیز هنگامی که لطف و رحمت آن حضرت را در کنار دریای بی‌کران علم و معرفت آن بزرگوار مشاهده می‌کنند طبعاً تسلیم آن حضرت شده و سر تواضع در مقابل ایشان فرود می‌آورند و تنها عده کمی از مردم دنیا که پیرو شیطان شده و دست از هوای نفس خویش برنمی‌دارند و تسلیم امام زمان خود نمی‌شوند مورد غضب آن امام عزیز واقع می‌گردند.

پس این که می‌گویند امام زمان (ارواحنا فداء) جنگ و خونریزی به پا می‌کند و آسیاب‌ها از خون مردم به گردش در می‌آید دروغی بیش نیست و این کارها به هیچ عنوان با اخلاق کریمانه آن حضرت

مطابقت ندارد و کسانی که این تهمت‌ها را به امام زمان علیه السلام می‌زنند در واقع به آن حضرت اهانت نموده و گناه بسیار بزرگی را مرتکب می‌شوند.

بنابراین امام زمان (ارواحنا فداه) تنها با شیطان، دجال، شیطان سیرتان و کسانی که همچون دجال حق را نپذیرند و بخواهند باطل را ترویج دهند مبارزه می‌نمایند و آنها را از بین می‌برند و جهان را از لوث وجود این ناپاکان پاک می‌فرمایند.

این ترسیمی بود از چهره دنیای قبل و بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و عجیب است که ما این طرف را پذیرفته‌ایم و آن طرف را رها کرده‌ایم در حالی که این طرف قفس تنگ و تاریک است و آن طرف آسمانی برای پرواز، این طرف غم و اندوه و مصیبت است، آن طرف شادی و نشاط، این طرف کسالت و مریضی، آن طرف سلامت و شادابی، این طرف رذائل اخلاقی و بیماری‌های روحی، آن طرف مکارم اخلاق و کمالات روحی، این طرف دعوا و جنگ، آن طرف صلح و دوستی، این طرف بی‌حالی و بی‌محبتی، آن طرف دریای عطوفت و مهربانی، این طرف جهل و نادانی، آن طرف علم و دانایی، این طرف اسیری هوای نفس و شیطان، آن طرف خلیفة‌اللهی و آزادی جان، این طرف بردگی، آن طرف بندگی و خلاصه این طرف تاریک و آن طرف روشن. به راستی کدام انسان است که بخواهد این طرف را برای زندگی

انتخاب کند و آن طرف را رها کند؟

آیا هیچ پرنده‌ای حاضر است در قفس تنگ و تاریک بماند و در
آسمان آبی آزاد پرواز نکند؟

آیا هیچ انسان عاقلی حاضر است در زندانی با اعمال بسیار
سخت به سر ببرد و از دنیای بدون رنج و اسارت محروم باشد؟
مخصوصاً اگر راه‌رهای از زندان را هم به او نشان داده باشند آیا
دیگر حاضر است در زندان باقی بماند؟...

نقشه گنج در دست ماست!

این چه دردی است که به جان ما افتاده است که از اسارت لذت
می‌بریم و به پرواز نمی‌اندیشیم؟ مگر نه این است که:

«ما ز بالایم و بالا می‌رویم ما ز دریایم و دریا می‌رویم»

پس چرا این چنین در گل فرو رفته‌ایم و زمینی شده‌ایم؟

در شعر و شعار می‌گوییم:

«عشق است بر آسمان پریدن صد حلقه به هر نفس دریدن

نادیده گرفتن این جهان را در حلقه عاشقان رسیدن»

اما در عمل این چنین نیستیم و به زمین چسبیده‌ایم.

به راستی خوابیم یا بیدار؟ عاقلیم یا دیوانه؟ مستیم یا هشیار؟
زنده‌ایم یا مرده؟ من نمی‌دانم؟ فقط این را می‌دانم که سخت در

اشتباهیم! سخت در غفلتیم!

زیرا ما در حالی اسارت را بر خود پسندیده‌ایم که می‌توانیم آزاد باشیم! در حالی در قفس مانده‌ایم که درب قفس به روی ما باز است و فقط از ما خواسته‌اند که پرواز کنیم! و در حالی تشنه‌ایم که سرچشمه آب گوارا در کنار ماست!

گنجی پیدا شده و نقشه گنج را هم به ما داده‌اند، اما ما همت نمی‌کنیم که نقشه را بخوانیم و به گنج دست یابیم.

به خدا قسم! نقشه گنج در دست ماست، نقشه گنج را سال‌ها است که امام زمان (ارواحنا فداه) به ما نشان داده است، آن حضرت سالیان پیش راه‌هایی از دوران غیبت را به ما نشان داده و فرموده‌اند: «اگر شیعیان ما که خداوند آنها را در بندگی خود موفق بدارد در عهد و پیمانی که با ما بسته‌اند با هم یکی می‌شدند هرگز از میمنت دیدار ما محروم نمی‌گشتند...»^(۱)

از ما فقط «خواستن» را خواسته‌اند، کمی باید همت کنیم، حتی امام زمان علیه السلام فرموده‌اند «ولو ان الناس» بلکه فرموده‌اند: «ولو ان اشیاعنا» یعنی آن حضرت ظهور خود را مبنی بر اتحاد و همبستگی همه مردم دنیا ندانسته‌اند بلکه فرموده‌اند اگر تنها شیعیان ما از خواب

غفلت بیدار شوند و با هم یکی شوند، تفرقه‌ها را کنار بگذارند، با هم دعا کنند، با هم تلاش کنند و زمینه را برای آمدن ما فراهم نمایند ما قطعاً خواهیم آمد و دیگر مجبور نیستند از دیدار امام زمان خود محروم باشند.

نقشه گنج را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما نشان داده‌اند به طوری که عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «در خانه خدا گدایی کنید و دعا نمایید، که خدای تعالی دعا کردن شما را دوست دارد و بالاترین دعاها و عبادت‌ها انتظار فرج است.»^(۱)

و در جای دیگر نیز سعید بن عبادة نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الا خبرکم و احدثکم بشیء اذا نزل برجل کرب و بلا من الدنيا دعا به ففرج عنه فقلنا بلی یا رسول الله. فقال صلی الله علیه و آله دعا ذا النون لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین»^(۲) یعنی آیا به شما ذکر و راهی را یاد بدهم که هرگاه در دنیا به غم و اندوه فراوان گرفتار شدید آن را بخوانید و نجات یابید؟ همه گفتند: بله یا رسول الله! آنگاه حضرت فرمودند: (هنگامی که حضرت یونس در زندان تاریک شکم ماهی گرفتار شد) دعا کرد و به خدای تعالی عرض کرد: ای خدایی که هیچ خدایی جز تو نیست تو پاک و منزهی و من هر چه سختی می‌کشم از

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۲.

۲ - الفرج بعد الشدة ص ۶۳.

جانب تو نیست بلکه همه این گرفتاری‌ها از ناحیه خود من است، من اقرار می‌کنم که به خودم ظلم نموده‌ام. (و خدا نیز او را نجات داده و همین طور مؤمنین دیگر را نجات می‌دهد.)

آیا موقع آن نرسیده که ما هم در محضر خدای خویش اقرار کنیم و بگوییم: خدایا غیبت امام زمان عزیز را تو برای ما نخواسته‌ای، این ما بودیم که با نادانی و نافرمانی خود غیبت امام زمان را برای خود رقم زده‌ایم، اکنون در درگاه تو اظهار عجز و پشیمانی می‌کنیم و همچون حضرت یونس می‌گوییم: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین»^(۱)

خدایا تو ما را ببخش و فرج ما را برسان.

نقشه گنج را حضرت آدم (علی نبینا وآله وعلیه السلام) به ما آموخته است، همان موقعی که از بهشت رانده شد و سالیان دراز گریه می‌کرد و از کار خود پشیمان بود و جبرئیل از طرف خدای تعالی بر او نازل شد و ذکری را برای نجات او به او نشان داد و به او گفت: اگر می‌خواهی از این افسردگی و غم‌رهایی یابی هر چه می‌گویم تکرار کن؛ آنگاه گفت: بگو «یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمة، یا محسن بحق الحسن، یا قدیم الاحسان بحق الحسین».^(۲)

۱ - سوره انبیاء آیه ۸۷.

۲ - توضیح آیات قرآن ج ۱ ص ۲۲۵.

حضرت آدم این کلمات زیبا را که اسماء اعظم الهی بودند بر زبان جاری نمود و تا به اسم مبارک «حسین» علیه السلام رسید اشک از چشمانش جاری شد. ما نیز باید همچون حضرت آدم این دعا را بخوانیم و از طریق ائمه اطهار علیهم السلام و اظهار محبت به حضرت سیدالشهداء علیه السلام خواهان فرج امام زمان خویش باشیم.

نقشه گنج را امام صادق علیه السلام به ما نشان داده و فرموده‌اند که هر روز عید، هر جمعه و بلکه هر روز بنشینید و در فراق امام زمان خود همچون طفل یتیم گریه کنید و ندبه بخوانید.

و مهم‌تر از آن به ما فرموده‌اند: برای ظهور امام زمان خود باید آنچه‌ان تلاش کنید که عرق و علق بر پیشانی شما نمایان گردد. (۱)
نقشه گنج در دست ماست و آن آیات شریفه قرآن کریم است که از ما خواسته است تا جزء بندگان صالح و شایسته خدا شویم تا به این طریق یاران امام زمان (ارواحنا فداه) افزایش یافته و برای یاری آن حضرت آماده باشند.

این قرآن صامت است که می‌فرماید: «ان مع العسر یسرا» (۲) همانا پس از هر سختی گشایشی خواهد بود و آن قرآن ناطق حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است که می‌فرماید: «هر دری را که بسیار کوبیدی

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۸.

۲ - سوره شرح آیه ۶.

بالاخره به رویت باز خواهد شد.»^(۱)

نقشه گنج در دست ماست و آن بیدار نمودن دل‌های خفته شیعیان است، دلی که به آتش عشق اهل بیت علیهم السلام زنده است سزاوار خفتن نیست، باید برخیزیم و کلید در زندان را از دستان مبارک حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا فداه) بگیریم و خود را نجات دهیم.

او امام مهربان است، او کلید را به سوی ما گرفته و از ما می‌خواهد که برخیزیم، اما چه کنیم که خوابمان عمیق است.

این کلید همان کلیدی است که حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) به محمد بن ابی لیث که از ترس کشته شدن به حرم امام کاظم علیه السلام پناه برده بود عطا نمودند و او را نجات دادند.^(۲)

پس چرا ما این کلید را از آن حضرت نگیریم. این کلید را همه ما به خوبی می‌شناسیم، این کلید همان دعای فرج است، اما آیا ما دست کم روزی یک مرتبه این دعا را خوانده‌ایم؟

باید به پا خیزیم و بگوییم: «الهی عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء و انقطع الرجاء و ضاقت الارض و منعت السماء و انت المستعان و الیک المشتکی و علیک المعول فی الشدة و الرخاء اللهم صل علی

۱ - غرر الحکم، ج ۲ ص ۱۸۳.

۲ - بحار الانوار ج ۹۹ ص ۱۱۹.

محمد و آل محمد اولی الامر الذین فرضت علینا طاعتهم و عرفتنا بذلك منزلتهم ففرج عنا بحقهم فرجاً عاجلاً قریباً کلمح البصر او هو اقرب یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکیانی فانکما کافیان و انصرانی فانکما ناصران یا مولانا یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی الساعة الساعة العجل العجل العجل یا ارحم الراحمین بحق محمد و آله الطاهرین».

روزی چند مرتبه می‌گوییم: «اللهم عجل لولیک الفرج»؟ تا چه اندازه به یاد امام زمان علیه السلام هستیم؟ چند مرتبه می‌گوییم: «یا صاحب الزمان»؟

دوستان امام زمان (ارواحنا فداه) شنیده‌اند که آن حضرت در دعاهایشان پی در پی می‌فرمایند: «شیعتی، شیعتی» یعنی «خدایا شیعیانم، شیعیانم...» ما چقدر برای آن حضرت دعا نموده‌ایم؟ چرا ظهور آن حضرت را از خود آن حضرت نمی‌خواهیم در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوالفداء شیرازی فرمودند: «هرگاه کارد به گلویت رسید و کار بر تو مشکل شد به امام زمانت استغاثه کن و بگو: «یا مولای یا صاحب الزمان انا مغيثُ بِک»^(۱) که قطعاً او تو را در می‌یابد و او فریادرس و پناه درماندگان است.^(۲) چرا با حالت اضطرار و تضرع

۱ - عبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲ - برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۲۲۹.

او را نمی خوانیم در حالی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرموده اند هنگام سردرگمی ها و حیرانی ها (با توجه کامل) بگو «یا ابا صالح ارشدونا الی الطريق...» و عبید بن حسین زرنندی که راوی خبر است از علی بن ابی حمزه نقل می کند که ایشان هر موقع راه را گم می کرد با این استغاثه ای که امام صادق علیه السلام به او نشان داده بود نجات می یافت. ^(۱) نقشه گنج عطش و تشنه شدن و خواستن همگانی شیعیان است. نقشه گنج تزکیه نفس، خودسازی و آمادگی سربازان امام زمان علیه السلام است، نقشه گنج، در دست ماست، تنها ما باید آستین همت بالا زده و گنج سعادت خویش را در آغوش بگیریم.

هزار سال است غریبیم

هزار سال است که راه را به ما نشان داده اند و ما رهرو نشده ایم!
 هزار سال است نماز خوان ها، نماز خوانده اند! روزه گیرها، روزه گرفته اند! دوستداران طواف خانه خدا، به حج رفته و حاجی شده اند!
 اما نماز و حج و روزه شان جهانی نشده است!
 هزار سال است مؤذن اذان می گوید، ولی هنوز پاسخ «حی علی الفلاح» و «حی علی خیر العمل» داده نشده است!

۱ - امام زمان و سید بن طاووس صفحه ۱۲۴ به نقل از کتاب «الامان» سید بن طاووس.

هزار سال است منبری‌ها بر فراز منبر پیغمبر نشسته‌اند و از
مظلومیت ائمه اطهار علیهم السلام سخن گفته‌اند ولی هنوز کسی به فکر غربت
آخرین سفیر الهی نیست!

هزار سال است که از نزول قرآن بر اهل زمین می‌گذرد ولی هنوز
قرآن مهجور و غریب و گریان است!

هزار سال است اسلام آمده تا ما را از تاریکی‌های جهل و تباهی به
سوی نور علم و معرفت بکشاند و ما فقط برایش گریه می‌کنیم!

هزار سال است ما غریبیم، دین ما غریب است، کتاب ما غریب
است و امام زمان ما که جانمان به قربانش باد، غریب است!!!

هزار سال است که حمزه سیدالشهداء آرزو می‌کند باز به دنیا
برگردد و همان طور که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را یاری کرد، یآوری برای
حجة بن الحسن علیه السلام باشد.

هزار سال است سلمان آرزو دارد لحظه‌ای در کنار او بنشیند تا او را
از تنهایی به در آورد.

هزار سال است غیرت مالک اشتر از جوش و خروش نیفتاده و هر
لحظه منتظر یاری امام زمان است. هزار سال است ابوالفضل
العباس علیه السلام منتظر است تا عَلم «نصر من الله و فتح قریب» را بلند کند و
به یاری مولایش بشتابد.

هزار سال است که اصحاب سیدالشهداء منتظر و بی‌قرارند!

اصحاب کهف نیز منتظرند، بیدار بیدار و چشم انتظار تا جان خود را فدای یوسف زهرا علیها السلام سازند.

هزار سال است اولیاء خدا می سازند و می سوزند و منتظر بیداری شیعیان اند!

یک قدم تا آب

پس ما کی از خواب غفلت بیدار می شویم. آب در چند قدمی ماست، چرا همه تشنه ایم؟! آیا دردآور نیست؟ به خدا قسم، همه در سراب خیال خود گم گشته ایم و از آبی که اطراف ما را گرفته بی خبریم. مگر نه این است که قرآن کریم امام زمان ما را «ماء معین» و آب گوارا خوانده است؟^(۱) پس چرا ما از این آب حیات غافلیم؟ شیعیان کاری کنید! تشنه بودن تا به کی؟!!

تنها یک قدم تا آب باقی مانده و آن بیداری و حرکت ما شیعیان است.

بیاید این یک قدم را برداریم. نیاز نیست مردم دنیا یکپارچه شوند، اگر فقط و فقط شیعیان دست به دست هم بدهند و برای ظهور آن حضرت دعا کنند و با تزکیه نفس، روح خود را تا حدودی به روح بزرگ آن حضرت نزدیک کنند، وعده امام زمان علیه السلام انجام می شود و

آرزوی تمام انبیاء و اولیاء که پایان غربت اسلام و قرآن است، تحقق می یابد.

تا به حال شیعیان همه با هم نخواستند، اما اگر همان طوری که همه مردم ایران، انقلاب اسلامی را خواستند و سریع انجام شد، همین طور اگر همه تبلیغ کنند، صدا و سیما و سایر رسانه ها، منبری ها، معلمین و مخصوصاً مراجع تقلید برای ظهور امام زمان علیه السلام اقدامی همگانی کنند، قطعاً این امر مهم صورت می پذیرد. جوانانی که عاشق شهادتند کجا هستند، آنها که مدام می گویند ای کاش ما در رکاب امام زمان شهید شویم کجا هستند، آنها باید هم اکنون با امام زمان خود بیعت کنند، آنها باید هم اکنون به یاری امام زمان خود بشتابند، امام زمان رکاب دار نمی خواهد بلکه یار می خواهد، یاری که هم اکنون از مال و جان و همه چیزش مایه بگذارد و برای ظهورش زمینه سازی کند. تازه برای انقلاب ما جاده صاف نبود، چقدر سختی ها تحمل شد، قرار بود حکومت شاهنشاهی واژگون شود، کار ساده ای نبود، بسیاری از جوانان ما شهید شدند ولی بالاخره چون مردم واقعاً خونشان به جوش آمده بود و با هم متحد شدند، خدا هم آنان را یاری کرد و به لطف امام زمان علیه السلام جمهوری اسلامی حاکم شد. اما اکنون موقعیت برای فعالیت و زمینه سازی انقلاب جهانی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) خیلی مناسب تر از آن موقع است، زیرا

در آن موقعیت، حکومت، سخت مخالف تبلیغ انقلاب بود، اما اکنون حکومت موافق تبلیغ برای انقلاب حضرت ولی عصر علیه السلام است و حتی آرزوی رهبر عزیز این مملکت، رئیس جمهور این مملکت و همه ملت ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) است. حال که چنین است و ما در چنین موقعیتی قرار گرفته ایم آیا سکوت جایز است؟ چرا کاری نمی‌کنیم؟

برخی شاید بگویند ما کارهای نیستیم، به ما ربطی ندارد! این حرف بسیار غلط است، «کلکم راع و کلکم مسؤول» همه مسؤولیم، همه موظفیم که از امام زمانمان سخن بگوییم، باید به تمام عالم امام زمان عزیز خود را معرفی کنیم، باید به همه بگوییم که او حقیقت علم است، باید به همه بگوییم که نجات واقعی همه ما، سلامت کامل روحی و بدنی ما، پیشرفت کامل مادی و معنوی ما و بالاخره تحقق عدالت جهانی، فقط و فقط زیر لوای دین پاک محمدی صلی الله علیه و آله و به دست توانای حضرت بقیة الله، صاحب الزمان (ارواحنا فداه) خواهد بود. پس بیاید هم اکنون وارد خیمه امام زمانمان شویم و از همین حالا او را یاری کنیم، مگر امام زمان در زمان غیبت یار نمی‌خواهد؟! اکنون موقع یاری است، اکنون فصل بیداری است، بیاید، خود را دریابیم، خود را پاک کنیم، دیگران را آگاه کنیم و به سوی خورشید جان خویش دست‌گدایی بلند کنیم و با هم بگوییم: «هل الیک یا بن

احمد سبیل فتلقى، هل يتصل يومنا منك بعدة فنحظى، متى نرد مناهلك
الروية فنروى،... متى ترانا و نراك و قد نشرت لواء النصر تُرى...»
یا صاحب الزمان! آیا راهی هست که ما شما را ملاقات کنیم، آیا
می شود امروز ما به فردایی برسد که ما به دیدار جمالت لذت ببریم،
کی می شود که جان تشنه ما را سیراب کنی و ما شما را ببینیم و شما ما
را، در حالی که پرچم پیروزی ات را در عالم برافراشته باشی و ما دور
تو بگردیم و خدای را شکر کنیم.

سه امر کلی برای ظهور

با توجه به آنچه گفته شد در مجموع سه امر کلی برای ظهور امام
زمان علیه السلام لازم است:

(۱) آماده شدن جهانی: در این مرحله یک بیداری عمومی برای اکثر
مردم جهان لازم است به طوری که حداقل مردم جهان از جنگ،
خونریزی و ظلم و جور خسته شوند و خواستار صلح جهانی شوند که
به لطف خدا این مسأله در جهان امروزی روی داده و اکثر مردم دنیا
خواهان ایجاد صلح و دوستی و پایان جنگ و خشونت شده اند.

(۲) آمادگی شیعیان: شیعیان باید در زندگی خود تغییری اساسی
بدهند، کمترین کاری که در این مرحله لازم است انجام دهند این
است که حداقل واجبات خود را انجام دهند و گناهان را به طور کلی

ترک نمایند. یاد امام زمان (ارواحنا فداه) را در میان خود و جامعه خود زنده نمایند، نام صاحب الزمان علیه السلام را در خانه خود نصب نمایند، محبت آن حضرت را در دل خود و فرزندان خویش شکوفا سازند، هر روز حداقل چند دقیقه‌ای با امام زمان خود گفتگو نمایند و حتی به بهانه حاجت گرفتن از آن حضرت در خانه آن امام مهربان را به صدا درآورند، به نیت امام زمان در منازل خود جلسات دینی و معرفتی برگزار کنند، و خلاصه به هر نحوی که می‌توانند برای امام زمان خود تبلیغ نمایند.

۳) آمادگی یاران امام زمان (ارواحنا فداه): در این مرحله باید عده‌ای از شیعیان خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده نمایند. البته خیلی‌ها شاید گمان کنند که تنها ۳۱۳ نفر برای یاری آن حضرت کافی هستند، در صورتی که این فکر بسیار اشتباه است. زیرا انقلابی با آن عظمت قطعاً نیاز به لشکری عظیم دارد که در روایات ما نیز به این نکته اشاره شده است. بنابراین آن سیصد و سیزده نفر فرماندهان اصلی لشکر امام زمان علیه السلام هستند و صدها هزار نفر دیگر انقلاب حضرت مهدی (ارواحنا فداه) را یاری می‌نمایند.

بنابراین عده‌ای باید تزکیه نفس کنند و خود را کاملاً بسازند و زیر نظر یک استاد اخلاق که مجتهدی کامل و مطیع امام زمان علیه السلام باشد روح خود را از تمام بیماری‌های اخلاقی پاک نمایند تا به این طریق

مرحله سوم زمینه سازی ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) نیز صورت پذیرد و بندگان صالح و شایسته‌ای برای یاری آن حضرت آماده شوند.

زیرا این طبیعی است که یاوران حکومت جهانی امام زمان علیه السلام باید قبل از ظهور آن حضرت آماده شده باشند و از نظر روحی خود را هم سنخ روح بزرگ امام زمانشان قرار داده باشند و درحقیقت نزدیک‌ترین افراد به آن حضرت شوند. بنابراین در این مرحله عده‌ای از شیعیان که عمدتاً جوانان هستند بر دیگران سبقت می‌گیرند و مدال افتخار سربازی یوسف زهرا علیها السلام را از آن خود می‌کنند. البته به لطف خدای مهربان قدم‌های بسیار بلندی در این سه مرحله برداشته شده و امیدواریم که به همین زودی شاهد ظهور باهر النور امام عصر (عجل الله فرجه) باشیم.

تزکیه نفس مهم‌ترین راه یاری امام زمان (ارواحنا فداه)

روزی در دفتر کانون بحث و انتقاد دینی قم در محضر استاد عزیزم نشسته بودیم که یکی از دوستان بزرگوار از حضرت استاد سؤال کرد: هم اکنون اگر از شما پرسیم بهترین و بالاترین خدمتی که ما می‌توانیم در زمان غیبت به امام زمانمان بنماییم چه کاری می‌باشد شما چه می‌فرمایید؟

حضرت استاد فرمودند: «تزکیه نفس، تزکیه نفس، تزکیه نفس! همین که روح خودتان را پاک کنید این بهترین و مهم ترین راه یاری امام زمان علیه السلام است.» و در جای دیگر فرمودند: «یاری امام زمان علیه السلام در این است که شما حقایق دین را به مردم بگوئید و با انحرافات، بدعت ها و خرافات مقابله کنید، یعنی در مرحله اول اگر می توانید این انحرافات را که در اطراف صراط مستقیم ایجاد شده را از بین ببرید و اگر نمی توانید حداقل به مردم تذکر دهید و به آنها بفهمانید که اینها از صراط مستقیم خارج است. این راه یاری امام زمان علیه السلام است، زیرا شما با این کار در مسیری قرار می گیرید که امام زمانتان در آن مسیر است.»

این همان نقشه گنج است که در دست ماست و ما می توانیم با اجرای آن یعنی با تزکیه نفس و با قرار گرفتن در مسیر رضایت امام عصر (ارواحنا فداه) گام اصلی را برای ظهور آن حضرت برداریم.

صبح ظهور نزدیک است

بنابراین ای دوستان ای عاشقان و منتظران امام عصر (ارواحنا فداه)، با توجه به اینکه اکثر نشانه های ظهور عملی شده و مردم جهان از ظلم و ستم خسته گردیده و خواهان مصلحی نجات بخش هستند، موقع آن است که ما از خواب غفلت بیدار شویم و دیگران را نیز از خواب

بیدار نماییم و جهان و جهانیان را برای تشریف فرمایی مصلح آخرالزمان، حضرت صاحب الزمان روحی فداه مهیا کنیم. باید با هم یکی شویم و به ندای مظلومیت امام زمان خویش لبیک بگوییم و او را غریب و تنها نگذاریم. باید با تزکیه نفس و پاکی روح خود و دعوت شیعیان به پاکی و خودسازی جمع عظیمی را برای سربازی آن حضرت آماده نماییم، باید همه را برای انقلابی جهانی مهیا کنیم و برای رسیدن به هدف حتی یک لحظه از حرکت باز نایستیم. باید بفهمیم که صبح ظهور نزدیک است و ما باید آبی به صورت بزنیم و وضویی بسازیم. باید قبل از طلوع خورشید طلوع کنیم و میدان را خالی نگذاریم، صدای پرندگان سحرخیز به گوش می آید، مرغ سحر می خواند، گلهای سحری شکوفا شده اند، آسمان می گوید طلوع خورشید نزدیک است، همه می گویند که صبح نزدیک است، زشت است که ما در ساعت بین الطلوعین خواب باشیم. باید بیدار شویم تا حقیقت را ببینیم، باید تشنه شویم تا آیمان دهند، باید طالب شویم تا راهمان دهند و باید شب و روز دعا کنیم تا آیمان را نشانمان دهند و این حقیقت است نه رؤیا، باور کنید ما می توانیم خود را از تاریکی به نور برسانیم، تنها لازم است که بگوئیم: «اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور» تنها کافی است که ما بفهمیم ظلمات و تاریکی یعنی چه و نور چیست و کجاست. تنها کافی است قدمی برداریم و خواهان نور شویم

تنها کافی است بیدار شویم و دیگران را نیز بیدار کنیم، باید بگوئیم که ما دیگر از تاریکی خسته گشته‌ایم، ما دیگر با نور مبارزه نمی‌کنیم، ما توبه کرده‌ایم و فهمیده‌ایم که «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ»...
خدایا تو خود بر بندگان رحم کن و ببین که:

«همه از ظلم و ستم خسته شده رهبری راهبری می‌خواهند»

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيْكَ الْفَرَجَ

«گزیده‌ای از اشعار مؤلف»

موقع بیداری از خواب آمده

زیر رخت خواب ما آب آمده	موقع بیداری از خواب آمده
غافلیم از روی ماه مه نگر	کو بود در غیبت مه جلوه گر
نور حق در چهره پاکش بین	لحظه‌ای در سایه و خاکش نشین
خاک بر فرقم اگر غفلت کنم	غفلت از گنجینه حکمت کنم
در کجای این کویر خشکه سار	این چنین ساقی شود بر تشنه یار
آب دریا، این چنین ساقی ستود	مرده بودم در عطش گراو نبود
باید از خواب کهن بیدار شد	از شب و موج فتن بیزار شد
باید از دل بنگری دلدار را	شور و شوق لحظه دیدار را
باید از آن سوی خط آگه شوی	در بیابان همره آن شه شوی
سبط سبطین است و کوثر مادرش	زاده نور است و نور اندر برش
او بود منجی در این دامان کوه	رهبرت گردد در این طوفان نوح
شب سیاه است و خطر اندر کمین	او چو خورشیدی است بر روی زمین

حیف باشد باشد و ما بی خبر	حیف باشد باشد و ما بی خبر
حیف باشد خضری اندر این زمان	حیف باشد خضری اندر این زمان
زشت باشد تشنگی در نزد آب	زشت باشد تشنگی در نزد آب
زشت باشد تشنگی در نزد آب	زشت باشد تشنگی در نزد آب
زیر رخت خواب ما آب آمده	زیر رخت خواب ما آب آمده
باید از خواب کهن بیدار شد	باید از خواب کهن بیدار شد
باید اندر غیبت خورشید و شاه	باید اندر غیبت خورشید و شاه
باید امروز از پی فردا روی	باید امروز از پی فردا روی
باید از این پنجره پرواز کرد	باید از این پنجره پرواز کرد
این قفس را مهر غم باید شکست	این قفس را مهر غم باید شکست
طوطی اندر این قفس خوش خوان شده	طوطی اندر این قفس خوش خوان شده
خواب خوش دیدی به این الحان ناز	خواب خوش دیدی به این الحان ناز
راز این طوطی پر پرواز اوست	راز این طوطی پر پرواز اوست
ای اسیر آرزوهای دراز	ای اسیر آرزوهای دراز
وقت آزادی ز زندان آمده	وقت آزادی ز زندان آمده
موقع پرواز مرغ زندگی است	موقع پرواز مرغ زندگی است
موقع دیدار دلدار آمده	موقع دیدار دلدار آمده
زیر رخت خواب ما آب آمده	زیر رخت خواب ما آب آمده
بسی خیال و بسی حیا و بسی ثمر	بسی خیال و بسی حیا و بسی ثمر
باشد و ما در پس او ناتوان	باشد و ما در پس او ناتوان
کاسه‌ای برگیر و زن در قلب آب	کاسه‌ای برگیر و زن در قلب آب
جمع بیداران و یک تن خواب خواب	جمع بیداران و یک تن خواب خواب
موقع بیداری از خواب آمده	موقع بیداری از خواب آمده
از شب و تاریکی اش بیزار شد	از شب و تاریکی اش بیزار شد
آینه گردد چو مه روی گدا	آینه گردد چو مه روی گدا
از خودت بگریزی و تنها روی	از خودت بگریزی و تنها روی
زندگی در آسمان آغاز کرد	زندگی در آسمان آغاز کرد
در براق برق مه باید نشست	در براق برق مه باید نشست
در خیالش گویا انسان شده	در خیالش گویا انسان شده
پشت پرده کی تو دیدی جان راز	پشت پرده کی تو دیدی جان راز
نی سخنگویی نه این آواز اوست	نی سخنگویی نه این آواز اوست
بس بود دیگر تو را سوز و گداز	بس بود دیگر تو را سوز و گداز
بر در میخانه جانان آمده	بر در میخانه جانان آمده
موسم آغاز فصل بندگی است	موسم آغاز فصل بندگی است
بر در این خانه بین یار آمده	بر در این خانه بین یار آمده
موقع بیداری از خواب آمده...	موقع بیداری از خواب آمده...

«مولایا»

مولا بیا تا عمر ما وصل تو را حاصل شود
از غصه‌ها فارق شویم دین خدا کامل شود
مولا بیا تا از قفس مرغ دلم پروا کند
دریا برای خستگان تا آخرت ساحل شود
مولا بیا تا سینه‌ها پرگردد از عشق خدا
با عشق شادی رو کند غم‌ها ز دل زائل شود
مولا بیا ای رحمة للعالمین فاطمه
تا بی‌کران رحمت این بندگان شامل شود
مولا بیا تا بنگرد دنیا امام شیعیان
صدق و صفای گفته‌ها بر مردمان حاصل شود
مولا بیا تا نور تو خورشید را رسوا کند
آگه ز راز عاشقان هم عالم و جاهل شود
مولا بیا تا هجر ما بار سفر بندد دگر
مهجور چشم ماه تو بر دیدنت واصل شود
مولا بیا تا کرسی پوسیده شب بشکند
ظالم به لطف حضرتت توبه کند عادل شود
مولا بیا کز آمدن دیو درون ویران کنی
شیطان دهد جان و جهان از غفلتش غافل شود

مولا بیا تا هستی ام اندر صراط مستقیم

با چشمه‌های روشنت بر فیض حق نائل شود

مولا بیا تا آرزو دیگر نماند در دلم

حسرت بمیرد در دل و ویران چنین حائل شود

مولا بیا دستی بکش بر عقل خام کودکان

تا خشت خام اولین تا عاقبت فاضل شود

مولا بیا و غربت یعقوب ما نابود کن

یوسف بیا تا غربت گل در چمن زائل شود

مولا بیا تا صبح دل بیند طلوع زندگی

پرونده طولانی شام سیه باطل شود

مولا بیا و ابر غم از چهره فانی ببر

بی دل در این طوف حرم از مرحمت با دل شود

«خورشید سحر»

شب پرستان کور و کرگردیده‌اند عاشقان اعجاز دیگر دیده‌اند

راز دل آشفته واگشتن است خیل شیطان غرق رسواگشتن است

ای کمند صبح عشق و زندگی آمده نزدیک، فصل بندگی

قاصد از سوی خراسان آمده حقاً از اقلیم جانان آمده

ای به خواب آلودگان خستگی تا به کی بر خواب و خوردن بستگی

فرصت آدم شدن خیلی کم است
 از برای یک تیمم وقت نیست
 صبح اول آمده از راه دور
 صبح اول خود ظهور حضرت است
 ساعت بین الطلوعین است و ما
 شورشی افتاده در شیخ کبیر
 بر زبان افتاده نام حضرتش
 جمکران گردیده جای عاشقان
 جمعه‌ها ساز دعای پر خروش
 عالم از صلح جهانی دم زند
 این شهادت‌های در عشق خدا
 این نوای نایب بر حق دین
 منتظر باش ای گدای منتظر
 می‌رسد از راه خورشید سحر

شایدت فردا شود روز ظهور

فانیات مسرور، دشمن کور کور

یا صاحب الزمان روحی فداک

غصه سخت است و سینه سوزان است

شب چراغ خموش نالان است

چهره در ماتم گل خورشید

خانه بی مهر و بی فروزان است

مادرم رفته دایه ام خسته

بی پدر خانه بس هراسان است

موی من را نکرده کس شانه

تار موی دلم پریشان است

گریه باید به درد بی پدری

خجلت از شمع شب که گریان است

مویه کن در سحر برای گلی

کو غریب است و در بیابان است

باید از غم تو جان دهی به کویر

چون کویر است و تشنه جان است

یا بباری سرشک شبنم دل

در مصافی که قطع باران است

ای پرستوی خواب خوش برخیز

مرغ بی بال و پرگریزان است

گوئیا در سحر، سحر مرده

که این چنین شب بلند و حیوان است

قاصد صبح جان کجا رفته

ساقی تشنگان در افغان است

شاخساران باغ خشکیده

فصل زرد است و باد و طوفان است

قمری قلب خسته تفتیده

موسم اشک دیده ریزان است

آسمان از چه تار و تاریک است

کام خشک است و دیده گریان است

آفتاب دل تو در پس در

منتظر تا طلوع ایمان است

بسی نسیمی و بسی سر و پایی

بسی چراغی و بسی ثمر جان است

تا به کی این چنین تو در خوابی

این کجا در نگار انسان است

لحظه‌ای باش و آسمانی شو

کیشه‌ای تا به کی تو را جان است

پر بیاید تو را و پروازی

همتت از چه در پی نان است

خیز و پرواز دل به دریا کن
موج جانّت کتاب قرآن است
در کمین شکار چون توگلی
دائم آن شب پرستِ شیطان است
آگه ای در حصار پیچیده
وقت آزادیت ز زندان است
کوکب بختت این زمان روشن
خانه تیرهات چراغان است
منتظر تا دم سحر آری
مشق شب قصّه سلیمان است
کن دعا بر ظهور فصل بهار
گرچه ظاهر سپید زمستان است
خیره ام من به شه کلید نجات
چشم امید من خراسان است
آخرین بیت شعر سبزی را
نام صاحب زمان گل افشان است

فهرست

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار.....
۸	ظهور امام زمان میوه درخت توحید.....
۱۵	ظهور امام زمان ظهور همه ائمه است.....
۱۷	جای پای انبیاء و اولیاء و شهدا.....
۱۸	سرباز نمونه.....
۲۲	معنای یاری امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۸	چرا لبیک نمی گوئیم؟.....
۳۳	نمونه‌ای از آیات مهدویت.....
۳۵	احادیث تکان دهنده ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> پیرامون امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۱	نگاهی به دعای ندبه امام صادق <small>علیه السلام</small>
۵۰	اگر شما بخواهید ما می آییم.....
۵۲	گریه کافی نیست.....

۵۵	ما می توانیم کاری کنیم
۵۸	غیبت انبیاء الهی
۶۰	علت اساسی غیبت
۶۴	گناهان ما
۶۷	اعمال بد شما حجاب است
۶۷	پدري که میلیون ها فرزند دارد، اما غریب است!
۷۲	شما دیگر چرا؟
۷۶	ما را مدد کنید
۷۷	آواره بیابانها
۸۱	شاید بیاید
۸۳	اکنون چه باید کرد
۸۶	رفع موانع ظهور با کسب معرفت
۹۳	سربازگیری امام زمان <small>علیه السلام</small> شروع شده
۹۴	باید فهمید اینجا زندان است
۹۹	باید بفهمیم که در این زندان چه می گذرد
۱۱۳	باید فهمید آن سوی زندان چه خبر است
۱۱۵	تحولات زمان ظهور
۱۲۸	امام مهربانی
۱۳۰	نقشه گنج در دست ماست!

۱۳۷ هزار سال است غریبیم
۱۳۹ یک قدم تا آب
۱۴۲ سه امر کلی برای ظهور
۱۴۴ تزکیه نفس مهم‌ترین راه یاری امام زمان (ارواحنا فداه)
۱۴۵ صبح ظهور نزدیک است
۱۴۸ «گزیده‌ای از اشعار مؤلف»
۱۴۸ موقع بیداری از خواب آمده
۱۵۰ «مولا بیا»
۱۵۱ «خورشید سحر»
۱۵۳ یا صاحب الزمان روحی فداک
۱۵۶ فهرست

برخی از آثار مؤلف:

۱- اندای صاحب الزمان علیه السلام

در این کتاب با نگاهی به دنیای قبل و بعد از ظهور امام عصر علیه السلام و اوج مظلومیت آن حضرت، معنای یاری امام زمان علیه السلام و راههای نجات ما از دوران غیبت بررسی شده است.

۲- ارواح معین

در این کتاب گوشه‌ای از حالات و روحیات برخی از اولیاء خدا برای عبرت گرفتن و بیداری ما از خواب غفلت، به صورتی مختصر و جذاب جمع‌آوری شده است.

۳- شکوه‌های صاحب الزمان علیه السلام

این کتاب حاوی شکوه‌ها و درد دل غریبانه یگانه حجت باقی مانده خدا بر روی کره زمین و امام مظلوم شیعیان حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است.

۴- ملاقات با امام زمان علیه السلام در عصر حاضر

در این کتاب حدود چهل ملاقات از کسانی که توفیق یافته‌اند در همین دوران معاصر، خدمت امام زمان ارواحنا فداه برسند نقل شده است. همچنین در این کتاب ثابت شده است که در دوران غیبت کبری امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام وجود داشته و هر کس را که حضرت صلاح بدانند این توفیق نصیبش می‌شود. در آخر کتاب نیز راهکارهایی برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام به صورت مختصر همراه با گزیده‌ای از اشعار مؤلف آمده است.

۵- خرافات و بدعت‌ها در آخر الزمان

این کتاب مجموعه‌ای از خرافات، بدعت‌ها و عقاید انحرافی و خارج از صراط مستقیم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌باشد.

۶- مجموعه کتاب‌های بچه‌های خورشید

(کتاب‌های داستانی و اشعار کودکان) ویژه کودک و نوجوان.